http://xalvat.com xalvat@xalvat.com http://xalvat.com/xalvat7/Nasher-eDigaran

۶۵۹

نشریهء " مجاهد " ، شمارهء ۱ ، مرداد۵۸

xalvat.com
... در عظیم خلوت من
نشر دیگران

مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
سال اول ـ دوشنبه اول مرداد
تکشماره ۱۰ ریال

نامزدهای مشترک مجلس بررسی قانون اساسی برای استان تهران

جنبش ـ جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما) ـ جنبش مسلمانان مبارز ـ جنبش اسلامی شورا (ناشر) سازمان مجاهدین خلق ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

اکنون که قیام به خاطر تدوین قانون اساسی و تنظیم حوزه منطقی توان سرمایه‌ی اسلامی و میهنی با توجه به شرایط موجود توسط رهبری انقلاب امام خمینی معنی پیدا می‌کند

بقیه در صفحه ۳

تلگرام تهنیت مجاهدین خلق ایران به : رهبری پیروزمند جنبش انقلابی ساندینیست

بنام خدا
و
بنام خلق قهرمان ایران
و بنام خلق قهرمان نیکاراگوئه

با درود بر رهبر خود، انقلابی، دوراندیش

آزادی را پیروزی ملتی صبر، سخت و قهرمان با رزمی کشنده و خلق ما در نیکاراگوئه می‌رود تا دنیای نوینی رهائی را تجربه کند.

اکنون تمامی ملتهای در زنجیر در گوشه و کنار

بقیه در صفحه ۲

مردم و مجاهدین
گفتگوی مستقیم و رودررو

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

"ربّ اشرح لی صدری و یسّر لی أمری و احلل عقدة من لسانی"

(... پروردگارا ! گره از زبانم باز کن !)

دست مقرره و قلم از ایستگاه‌ها نشسته سرگیجه میکند . چرا ؟

آخر این اولین باری است که با مردم بارها بیکدیگر سخن میگوئیم . چهار دهه سال است حرفهای در دل داریم . گرچه آن را به رساله‌های مختلف بیان کرده‌ایم ولی گویا سکتی دارد . سکتی بی‌بست . حرفها بیان را در کتاب های ایدئولوژیک و در تحلیل‌های سیاسی ، در اطلاعیه های سیاسی ـ نظامی ، در بازار کالوله های داغ ، در صدای انفجار ، در شعارهای فشار شنیده ، در دعاها شنیده ، در فریادهای خاموش ما و در صدای شنیده نشده گریه‌های مادران شهدا و اسرا رسید . ولی خصوصیت این امکان برایمان نبود تا سخن خود بگوئیم . در دعاها شنیده شد ، ولی بیانگر حرف نوبتی ، همیشه دشمن حضور داشت . اگر زندگی سعی داشت و اگر ملتی ، مجبور بودیم لب فروبندیم تا دشمن بازنشاند . در سالهای سخن در دعاها بر مردم چرا باید زبانی گشتیم ؟

ادامه مقاله در گفتگوی بود با نیروهای انقلاب

بود ، درد داشت ، ولی هیچ دشمنی مرا دعا خاموش کرده بود . بارها دردها خواهان انقلاب بود . ما عروج کردیم ، درد ما را گشتیم ، ولی نه با زبان معمولی ، فریاد ما خشمان و بشارت پیروزی خلق را بشکل مرحوم قیام‌ایران سان کردیم ، چیزی دیگری نبود . هرکس از این اعتراف ، حدتاً خاموش بود . چون وسایل معمولی ارتباط مثل روزنامه ورادیو و ... بدست دشمن سر نگار است . کسی دقیقاً حرفهای ما را از زبان خود ما نشنید . عزاسیانی که مستقیماً با هم بودیم ، پیوستن ارتباط در آن سالهای سیاه خفقان میتوانستیم بیکدیگر تره خورده بود . دشمن با هرگونه‌ارز و موسیقی و تبلیغ سعی میکرد واقعیت ما را دگرگون جلوه دهد . دشمن می‌ترسید تا حتی نیز بطور غیر مستقیم دشمن را لکه‌دار کند . بقیه نیز اگر سینه و گریبانه چیزهائی شنیده بودند جز آنچه که ما بیانها اعلام میکرد بود . بقیه با واقعیت مخوف داشت . تصویر بدست دشمن افتاده بود ، بطور

حالا میخواهیم با شما روبرو حرف بزنیم . میخواهیم که مارا در زبان خود با ن بشناسید . بدون واسطه و بدون حجاب و مانع . ولی میگوئیم مارا بشناسید ، بطور

بقیه در صفحه ۲

سی ام تیر قیامی خودانگیخته وتوده‌ای

■ سی تیر روز تجلی اراده ملت و روز پیروزی نیروی خلق بر اهریمن ارتجاع و ضد خلق است

حدود هم آنها که سنتی از شان میگذرد ، وقتی یاد امام مجدد میشود عمامه ۳۰ تیر می‌آیند و آنرا تبریک میکنند ، جوششی از عشق جنبان گل میاندازد ، و چشمانشان میدرخشد ، و صدایشان از غروری باکسلوده ، خاطره ۳۰ تیر در سالیان سرد تاریک خفقان و حاکمیت رژیم کودتا جنبه‌گرما و روشنایی امید به دنیا می‌بخشید .

آن روز گرم و تیمار ناستانی روزی است که همیشه به یاد این ملت خواهد ماند ، حماسه‌ای در تاریخ معاصر با همواره بعنوان یکی منسوب و واجد شد .

۳۰ تیر روز تجلی اراده ملت . روز پیروزی نیروی خلق بر قدرت اهریمنی ارتجاع و ضد خلق است . روزی است که دستهای بی‌سلاح بر تفنگها و مسلسلها ، وتن‌های لخت و شکننده بر سلاحها و کوبندگی تانکها غلبه کردند .

۳۰ تیر روزی است که خلق ما به دفاع از حکومتی برخاست که آنرا از خودش و حافظ منافعش میدانست .

این خلق قهرمان چه هوشیار ، چه عشاق و چه فداکار است . چه‌رود دوست خود را شناخت و در راه کسی که بخاطر خدمت کرده چه خطرناکها نشان میکند . روز سی‌ام تیر راه از مرز حکومت ، فکر سعدی که در اردیبهشت سال ۱۳۴۰ به نشست وزیری وسیع ـ فقط کمی بیش از یکسال میگذشت ، اما همین مدت اندک هم کافی بود تا مردم دولت وحشی به خود رابطه‌ای

بقیه در صفحه ۵

مبارزهٔ ضد امپریالیستی

سقوط رژیم دیکتاتوری شاه، اولین گام مهم در مسیر این مبارزه بود

■ آیت الله خمینی در حساس ترین مقطع این مبارزه عنوان نماد شرف و آزادگی مردم ما نقش امام را گرفت .

■ دیکتاتوری ایران ، نظام تثبیت کننده منافع امپریالیستها است

طی دوسال اخیر خلق ایران در مسیر طولانی مبارزاتی ـ یکی از پرشکوه‌ترین و سخت‌ترین مبارزه‌های تاریخ خود را موجود آورد و بزرگ نوینی به اعتراضات قهرمانانه اش افزود .

پیروزی فریاد بر مسلسل . . .

خاطره‌ی حرکت خودبار همواره فرزندان خواهد ماندنی نزدیک برای نسل آینده نیز عظمت آن غرورآفرین .

اما درخشان عمامه‌گسترده‌ی چهرهٔ پرچمدار و قهرمان آن همچنین جوشیده ، تابناک تر از هر خاطره میدرخشد .

اولاً درحساسترین مقطع تاریخ مبارزات این جنبش به عنوان پیشوا و نظریه‌پرداز و راهگشای جنبش ، نقش امام ، شرعت در شکوفائی پیروزی یکسره و بی‌نظیر است .

ـ اما نامزام ـ نقش تعیین کننده ای ایفا کرد . وبدین ترتیب شکل تازه ای از درگیری و پیروزی جنبش مبارزاتی در تاریخ

بقیه در صفحه ۲

امام خمینی عشق و فداکاری ستار شده است . قلب میلیونها انسان زنده به نوشت نام نامی او و نیروی آزادی بخش و مرگ آخرین زمان را تداعی میکرد . نامی که رژیم شاه خائن با همه قدرت و دستگاه سرکوبگرانه اش ـ میخواست فراموش شود . تا آنجا که از سی و پنجم آزادگانی که حادثه ۱۵ خرداد و ۱۹ او را داشتند ، اما این حادثه زمانه شکست و فریادهای خلق از اعماق وجود آنها همچون غرش رعد در فضای ایران طنین افکند و دیگر به شاه و سه ارتباط امپریالیستی امکان خاموش آنرا

بقیه در صفحه ۲

همانگونه که امروز با همافران برخورد شود، سرنوشت فردای ملت رقم خواهد خورد

بازسنجی بر سرانقلاب است و مسئولیت های آن . بوجه آن . استقرارات و تاکتیکها درونی‌ترین ، و بار تلاش و تا امید شدن و بیا خاتمه‌ی بر آن . حتی به قیمت مرگ و نیست خوردن ها و حتی با پای جان رفتن ها .

واین بار بسیار فشرده‌ی دیگر است .

که دلسوزانه و با حسن جدیت به آوردهای انقلاب دوخته است ، که در حال گذشت ـ رفتن است . بعضی از همافرها است و خواستهای آنها . تنگ همانگونه که خواهیم دیدبعضی از خواست همانا بر دوست .

انتظار طبیعی پس از هر انقلاب ، از

بقیه در صفحه ۹

پیامی در رسالت قلم،
بمناسبت انتشار اولین شمارهٔ نشریهٔ مجاهد

تَالقلمِ و ما یَسْطُرون

سوگند به قلم و آنچه می‌نویسد

سوگندهای عظیم همه مسئولیتهای بزرگ را معرفی میکند . مسئولیت و فداکاری بخاطر این سوگندها و پایبندی به حریم و حسنوی که در خود نهفته دارد .

اگر واژه‌های "مسئولیت" ، "حرمت" و "تقدس" را مفاهیمی ذهنی بدانیم و آنها را انعکاس کلامی واقعیات عینی بدانیم که مستقل از داوری و دخالت ما نیز اصالت وحقانیت دارند ، در این صورت بحث تقدیر عظمت سوگند قلم بسیار خواهیم برد . همان حرمتهائی که روشنگر رهائی بخش تلاش پیوسته‌ی انسانها بوده است .

بنیادی‌ترین مبنای ویژهٔ انسان که میان او را کلاً با دنیای حیوانی متفاوت میکند ، همان "آگاهی و شناخت پذیری" است . با بینش صائب سحر عزایم ، تحت‌الشعاع جهانی آگاه و آزاد قرار میگیرد و ادراکاتی صوری و ساده به درکی منطقی منطقی ارتقاء پیدا میکند . درکی عقلانی و منطقی که بواسطه آن رمز و راز جهان یک یک بر مرزند انسان گشوده میشود و راه تسخیر کون و مکان هموار میگردد . . .

انسان وارثان و خردمند ، همان که از سطوح گذشته پیه زیاد شده‌ی باشد ، با کشف سرّی از اسرار عالم امکان می‌یابد که یک گام رهائی و آزادتر شده و

عرصه‌های شناسائی و سرکشی بیرامون را بسیار دارد . رام کردن سرنوشت خود و تاملات و تبدیل آن به تقدیرات و قانونمندی سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی که چه در طبیعت و یا فرد و اجتماع و برآیندهای درگیری‌های تکاملی و وحدت به ارمغان میآورند .

بگذاریم با ساخت و کارآمد خودروی ما اینجا که به ساخت ویژه وظایف الاعضاء (فیزیولوژی) انسان مربوط میشود ، از "عین" و انسانی آغاز شده و با گذر کردن از مارپیچهای مشروط به "کلمه" منتهی میشود . انسان این "حیوان ناطق" به بدن این ساخت و کار ویژه ، مسائل را در قالب کلمات به مفهوم تبدیل میکند و تنها واسطه به فیزیکهای عینی و ذهنی باید . بهر کلمه‌ی ادراک شده یک عین خارجی است . آگاهیها در قالب جملات نیم بند صورت و حتی پیرامون را قابل شرح و درک و "تعبیر" میسازند . و سرانجام عین موضوع انسان را بر بال شاهین آگاهی بر تارک افلاک آزادی مینشانند . . .

پس "کلمه" آغاز جهان انسانی و شرط زیربنی و بنیادین هستی ویژه آدمی است واسطه آن "کلمه" ای ارزشمند است و حقیقت دارد که "واقعیت" را مرحله کند والا جنبهٔ کلمه را نگشاید .

زیرا که کلمه از آغاز بسیاری بسیار واقعیت مستقل بود .

واما انجام کلمه‌ی بر انسان و "قلم"

بقیه در صفحه ۶

از چه دیدگاهی در انتخابات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی شرکت کنیم

إنّ مقامی و تمکّنی و تخصّصی و تمامی یکلّو زیّ التقاضیه .

(همانا مقام من و توان و ویژگی‌های کافی و مرکز من جهت و بسوی تکامل بخش جهانیان است .)

امر انقلاب یعنی پیچیده‌ترین است که بتوان آنرا در انگال و تاکتیک های خاص خلاصه کرد . واقعی است پیچیده‌تر و مطلق از فرار و نشست که هر چند علما آن انگیزهٔ تلاش و کوشش و راهنمای عمل رهروانمان است ، چه بسا در گردنه‌ها و پیچهای جدیدتر بعدی نیز به درنوبد روشنی نهائی دیده نشود .

برخورد اصولی و انقلابی ، از کشف حفظ جهت‌گیری به سمت آرمانهای انقلابی و توجه‌بیان میانه‌ی از ظرفیت‌گرانمایه صحیح‌ترین شیوهٔ برخورد با موضوعات و امور مشخص را ایجاب میکند . صحیح‌برخورد با برخورد نادرست با یک موضوع مشخص میتواند انقلاب را که لازم‌ترین راه خود را باز خواهد کرد با موانع جدی روبروکند . مسئله استفاده‌ی مطلق بررسی‌سیاسی‌فاقد اساسی نیز برای کسانی که سرنوشت انقلاب راستین این سرزمین بسیار حائز چنین است . موضوع را بیشتر بشکافیم !

هرچند قیام قهرمانانهٔ خلق ایران تحت رهبری قاطعانهٔ امام خمینی نتایج ارزشمندی داشته است که در رأس همه‌ها سقوط دیکتاتوری ننگین پهلوی قرار دارد ولی آرمانهای انقلابی یک ملتی را ناقص فراروی انقلاب خلق ایران قرار میدهد که شاه انقلاب ما بایستی با فاصله هرچه بیشتر مبارزهٔ ضد امپریالیستی را ادامه دهد . بنابراین بالاتر از به مناسبتی خلق ایران برنگرد و تا پیروزی واقعی نهائی

بقیه در صفحه ۱۰

سقوط رژیم...

سیاسی و بالاخره سخوفترین دیکتاتوری جهان مقهور ومحکوم آن گشت .

سقوط رژیم دیکتاتوری شاه مشارکه از این نظر واجد اهمیت بود که عروسکی مؤثری در جهت مبارزه ضد امپریالیستی خلق ایران به حساب می آمد زیرا :

رژیم منفور پهلوی با دسیسه و توطئه امپریالیستها ، ستمی از سم فرو بر حیات و سرنوشت مردم ما مسلط بود . و این سلطه خلقی نما " در خدمت منافع غارتگرانه امپریالیسم جهانی و مزدوران داخلی شان بود . که در رأس این مزدوران ، وابستگان و ایادی همان رژیم قرار داشتند .

"دیکتاتوری رضاخان ، تضمینی برای منافع انگلیس

در فاصله ۱۳۰۴-۱۲۹۹ امپریالیسم انگلیس ، مقدمات وتمهیدات دیکتاتوری شاهنشاهی رضاخان ملدر را فراهم کرد . آن هم به این دلیل که بدنبال انقلاب مشروطه ، نیروهای ملّی و مردمی در مسیر حرکتهای انقلابی تر و ترقیخواهانه شوی گام برداشته و در راه ازبین بردن کلیه آثار شوم استعمار و امپریالیسم پیش میرفتند . ضعف دولتها از یک سو و عدم کارآئی آنها در خدمت به منافع امپریالیزم از سوی دیگر ، مانع ایجاد " امنیت " و " نظم " دلخواه انگلیس شد . و این خود راه را برای پیشرفت و پیروزی نیروهای انقلابی و بطور مشخص نهضت میرزی جنگل . . . همواری ساخت چنانکه میرفت تا بصورت منطقه آزاد شده بوده ای درآمده بود . و میرفت تا گام بگام پرچم آزادی خلق ایران را در اقصی نقاط این سرزمین بر افراد . پیشروی نیروهای مردمی و بیم مردم نسبت در نقاط مختلف ایران ، منافع غارتگرانه انگلیس را که میبدند " آرنفت " تا تأمین میشد ، به خطر انداخت . در مقابل چپاولگران بین المللی راه چاره را در روی کنار آوردن یک مهره " کاملاً " سرسپرده دیدند . ضد خلق دیدند که بدان وسیله جنبش و حرکت انقلابی ما را سرکوب کرده و در پناه یک دیکتاتوری مطلق ، حزب های این و با ثبات برای آنها بوجود آورد . تا با خیال راحت به استثمار خلق ما ادامه دهند . در حالیکه قبل از این منافعشان ایجاب میکرد که محیط ایران با آرامش و توأم با ثبات و سنجیده بود و حکومت مرکزی هم ضعیف باشد . یعنی با راه انداختن نزاع ملوک الطوایفی و از طریق قبول " تفرقه بیاندار و حکومت کن " اقوام و نیروها و از جمله حکومت مرکزی را به خود وابسته میکرد . لکن بدنبال سقوط تزاریسم در روسیه و پیروزی اولین انقلاب سوسیالیستی جهان . یعنی تشکل حکومت شوروی چشم انداز انقلاب در این هم روشن ترمیشد . بویژه که دولت نوپنیاد کارگران (شوروی) یکسانیه از امتیازات تحمیلی تزارها در ایران چشم پوشی کرده و بلافاصله انگلیس میرات خوار امتیازات تزاریسم روسیه شد . و بدین ترتیب خلق ایران ، امپریالیسم انگلیس را به عنوان تنها دشمن در برابر خود صدید . لذا منافع از انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی ایران ، فقط از طریق یک مرد و قلدر امکان پذیر بود . پیدا کردن این قبیل مردوران هم کار مشکلی نبود . رضاخان ما مأمور انجام این وظیفه شد . او با بازتنی ترمیخواهانه زمام امور را به دست گرفت و یکی بعد از دیگری مخالفین را سرکوب کرد و بالاخره با خیمه شب بازی هائی که تنها مظاهر رژیم پهلوی متکر آنند ، سلطنت را قبضه کرد و این تاره اول یک تراژدی صدساله ۵۰ ساله بود .

در هر صورت امپریالیسم انگلیس حداکثر چیزهائی را که میخواست با علم کردن رضاخان بدست آورد . طی ۲۰ سال حکومت این مزدور ، خلق ما اسارت را در شش نوبن اشکالش تجربه کرد . اما با این وجود در همان شرایط هم پاکترین و آزاد ترین مردان میهن ما ساکت ننشستند . مدرس ، مصدق ، و دیگر افراد و جریانهای مترقی پرچم مبارزه را رهانکردند . هرچند که رضاخان دژخیم ، بسیاری از آنان را نابود کرده بود ، و فروغ این یک ستارگان برای درپیدن ظلمت شبهای دیکتاتوری کافی نبود . به ویژه که شرایط اجتماعی ـ تاریخی به طلوع وبخشگی دوران ما نرسیده بود . و به این ترتیب دیکتاتوری رضاخانی به صورت بهترین تضمینی برای تسلط امپریالیستها بر میهن ما درآمد .

" نقش دیکتاتوری شاه در حفظ منافع امپریالیزم "

اما در شهریور ۲۰ دیگر رضاخان بدردانگلیسها نمیخورد ، آنها استفاده های لازم را از او کرده بودند . اکنون به مهره ظاهرالصلاح تری نیاز داشتند . از این رو بیادگی تمام غدار او را خواستند . آنهم در شرایطی که داشت مکر سکردخود نیز همه کاره است !

با نشست شدن بندهای دیکتاتوری و به دنبال یک فترت ۲۰ ساله ، نیروهای ملی شروع به فعالیت کردند . و در همین مسیر مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما شکل تازه ای گرفت و در نقطه اوجش به ملی شدن صنعت نفت ـ این مظهر سلطه امپریالیستی ـ منجر شد . اما سلطه دشمن ، بار دیگر بوسیله سازگشت ارتجاع و دیکتاتوری تحکیم گشت . کودتای ۲۸ مرداد و حاکمیت دیکتاتوری پلیسی و سرکوب ساواک بالاخص از سال ۴۲ به بعد ، با شدت هرچه تمامتر حاکم شد . ثبات ضد انقلابی و اسیت غارتگری با این دیکتاتوری به اوج خود رسید . بطوریکه ایران را بصورت بهشت جهان خواران و سرمایه داران بین المللی در آورد .

در پناه همین دیکتاتوری بود که شاه خائن ایران را بطور وسیع و تمام عیار در اختیار امپریالیسم امریکا قرار داد نفوذ و اهرمت بانکی ها بر تمام ارگان و منابع ملکتی و دستورج زحمتکشان ما بطور سابقه ای بالا رفت .

ارتش ، اقتصاد ، نفت ، نیروهای به اصطلاح انتظامی واسیتی و . . . . . همه در اختیار آنها قرار گرفت . قرار دادهای ننگین و شوم در تمام این رسته ها که هرکدام به نوبه خود فرکورد دار میران وابستگی و خیانت بودند در سایه دیکتاتوری شاه خائن بی سر و صدا به اجرا در می آمدند . یک نقره از این خیانت ها امضاء قرار داد ۵۰ میلیارد دلاری توسط کیسینجر ـ شاه بود که در تاریخ مناسبات استعماری ـ امپریالیستی بی نظیر بود .

بی جهت نبود که جهانخواران بین المللی بتمام قوا از دیکتاتوری شاه حمایت می کردند . مگر بدون آن ، چنین چپاولگریهائی امکان داشت ؟ در سطح بین المللی هم نقش این دیکتاتوری ارتجاعی کاملاً متمایز بود . شاه بسته عنوان یک پادو و سرسپرده و وفادار در بسیاری از توطئه ها و طرح ریزی های ضد خلقی سهیم بود . تا آنجا که رسماً " وعملاً " به صورت چماق امپریالیزم در منطقه درآمده بود لشکر کشی به ظفار و سرکوب انقلابیون منطقه بارزترین نمود نقش شاه مخوف می شود . . . . .

" مبارزه مسلحانه نقطه پایانی بر پاس

وبی حرکتی "

ملموس ترین تظاهر دیکتاتوری شاه ایجاد خفقان ، ناامنی و ارعاب بود . اساسی ترین و اولیه ترین و ابتدائی ترین آزادیهای سیاسی ـ اجتماعی و حتی صنفی مردم بود . حاکمیت سیستم پلیسی و امنیتی که بوسیله ساواک اعمال میشد ، مخوفترین چهره معاو مملکردها را داشت .

حتی ، در کمتر نظام فاشیستی نظیر " این سرویس خوفناک را میتوان یافت . دوام نظام پوسیدهٔ شاه نیز اساساً " وابسته به ساواک بود . زیرا بدینوسیله می توانست هر عنصر و نطفهٔ مخالفت را به سرعت سرکوب کند . تا خائنی که برای کمی جرئت و امید حرکت و مبارزه باقی نماند .

" اما درچنین شرایط بود که اطمینان بیشتاران و پاک باختگان میهن و مکتب مامه پاخاسته و با این سرکی پایان ناپذیر به ستمگری قهر آمیز و انقلابی پرداختند آنان افتخار یافتند که در زیرشدیدترین ضربات پلیسی ـ نظامی و نیز با تحمل وحشیانه ترین شکنجه ها ، اسارت ها و بالاخره اعدام وشهادت ها بی سست مبارزات را بشکنند و راه اصیل را به خلق نشان دهند . البته تا مدتها تنها و معدود بودند . اما هرروز با صداقت و فداکاری و خون خود مردان و زنان آزاده و آگاه راه به صحنهٔ پرشکوه مبارزه انقلابی فرا می خواندند . و لبیک می شنیدند . افتخار بر آنان . . . . . .

از طرف دیگر با اوجگیری مبارزه انقلابی هرروز بر وحشت رژیم و امپریالیستها و در نتیجه بر وحشیگری دیکتاتوری شاه وحمایت آرمانیاش افزوده میشد . به این دلیل علیرغم اظهار نگرانیهای بعضی از کارشناسان امریکائی در مورد عواقب دیکتاتوری ورژیم ایران و تأکید آن ها بر ضرورت بازنشدن فضای سیاسی درجامعه ما ، هیأت حاکمه و دیگر دست اندرکاران غارتگر امریکائی ، حفظ وضع موجود و تقویت بیش از پیش رژیم ایران را ترجیح میدادند .

"سقوط دیکتاتوری گامی درجهت پیروزی برعلیه امپریالیزم "

بنا بر این هر ضربه ای به دیکتاتوری ضربه ای بود به امپریالیسم . زیرا دیکتاتوری منفور پهلوی دقیقاً " ماهیت امپریالیستی داشت . و بدیهی است که این دیکتاتوری جز با سقوط کامل رژیم از بین نمی رفت . برمرانحربات مکرر ثابت کرده بود که تاوقتی شاه و رژیم او در رأس قدرت است عقب نشینی های هر چندمهم او قابل اعتماد نیستند . و در اولین فرصت ضد حمله سیمانه اش شروع خواهد شد . حتی در شرایطی که شاه زیر شدیدترین فشارها اندکی اختیاری میداد ، خیلی زود با هجوم و خونریزی و وحشیگری وکاه با پس گرفتن همان امتیاز ، عقب نشینی خود را جبران میکرد . آزادی مطبوعات و هجوم بلافاصله نظامیان مزدورش به آنها ، نمونهٔ بارزی از این حقیقت است .

ابادیدنبال تحولات داخلی و بین المللی و از جمله مطرح شدن سیاست باصطلاح حقوق بشر کارتر ، دیکتاتوری پلیسی شاه ناچاردودی شکاف برداشت و همین قدر کافی بود که نقادها ، نارضایتی ها و خشم فرو خورده خلق ستمدیده ایران را آشکار سازد . و آنچنان به جوشش وغلیان در آورد که دیگر هیچ نیروئی قادر به کنترل و مهار کردن آن نباشد . البته در این رابطه نقش حساس وتعیین کننده امام خمینی کاملاً " چشمگیر بود . ایشان سیر تحول انقلابی جامعه را جهت و سرعت بخشیدند . امام با ایمانی بی تزلزل و در عین حال با درک عمیق پایان ناپذیر و بنیان کن توده ، از ابتدا بر سقوط شاه تأکید میکردند . و حال آنکه در همین زمان ، بودند کسانی که این موضع را چپ روانه وساده خلقی می کردند و بویژه آن را بی نتیجه می دانستند . زیرا عمق سرکوبهای رژیم مضاعفاً " برقدرت ظاهریش ، امید این افراد را به سقوط شاه کم میکرد . و شاید تا مدتها به تغییراتی در حد قانون اساسی مشروطه قانع بودند . لکن امام به عمیق دریافته بودند که تا وقتی شاه هست ، اساساً چیزی تغییر نخواهد کرد ، به این دلیل هم بر موضع خود مصر بودند .

در این میان امپریالیسم امریکا (با توجه به خط مدیدش) اگر چه گاه به گاه بر ضرورت دموکراسی و . . . . . در ایران تأکید می کرد اما به هیچوجه مایل نبود شاه سقوط کند زیرا مطمئن ترو سرسپرده تر از او کسی را نمی یافت . بدین جهت ، علیرغم همه رسوائیهای شاه ، وحشونت و وحشیگری هایش ، تکرار تکرار " مراتب حمایت خود را از او اعلام می نمود . آنهم درست بمقدار سرکوبهای خونین رژیم . . .

اما مخالفتها و تلاشهای امپریالیزم و رژیم به نتیجه نرسید : بسیج و مقاومت یکپارچه خلق اریکسو و نیروهای ارتجاعی از سازش ناپذیری امام خمینی ، افسون شکست ناپذیری رژیم شاه و حمله گری های امپریالیزم را باطل کرد . دیکتاتوری وبست زمانه شکست و افسانه های رژیم شاهنشاهی فروغ آرزو درآمد . . . وبدین ترتیب امپریالیزم ضربهٔ مهمی را از خلق ایران دریافت کرد زیرا پایگاه سیاسی اش در ایران ، یعنی دیکتاتوری شاه را از دست داد . . .

"تلاش مرتجعین برای سازگرداندن دیکتاتوری "

بی تردید این انقلاب و پیروزی یکی از ارزارهای بانکوه تاریخ ما خواهد بود . اما از سوی دیگر ساده اندیشی است اگر خیال کنیم انقلاب به سرمنزل مقصود رسیده است . زیرا هر قدرهم برعظمت و اهمیت آن تأکید کنیم ، ناگزیریم که آنرا مقدمه وگام اول انقلاب ضد امپریالیستی بدانیم . زیرا تازه امکان یافته ایم که مستقیماً " برعلیه نهادها و عناصر و سیستم های امپریالیستی که سرمایای جامعهٔ مان را فرا گرفته است ، نبرد سرنوشت را آغاز کنیم . وبویژه با استقرار روابط وسیاههای دموکراتیک حقوق مشیع شده مردم را تضمین نمائیم همین مختصر کافی است که ما را نسبت به ماهیت ومواقب دیکتاتوری هشیارسازد .

اما متأسفانه اکنون شاهد پاکرفتن روش ها و سیستم هایی هستیم که بدون شک برای مردم ستمدیده ایران امیدبخش نیست . انحصار طلبی مرتجعین تازه بدوران رسیده ، ورود جماعت داران حرفهای با اسم تغییر به صحنه سیاسی ایران ، بازگشت شکجه بخصوص در مورد انقلابیون اصیل ، سازش با جنایتکاران وسرکوبگران رژیم شاه ، بیاعتنی وخون کشدن تظاهرات حق طلبانه مردم ، برقراری سانسور و جعل وتحریف درصدا وسیمای جمهوری اسلامی ، فشارهای مداوم و متناسب برای محدود کردن آزادی مطبوعات ، ابراز خصومت با اصیلترین و پاکترین انقلابیون و تلاش برای طرد ونابودی آنها ، که ازشوسترین نشه های ارتجاع کنونی است ، و عدم توجه به خواستها و حقوق اجتماعی ـ اقتصادی توده های محروم و . . . . نه تنها کمکی به رشد بلوغ مبارزه ضد امپریالیستی ما نمیکند ، بلکه همگی دقیقاً " مضمون همان نوع دیکتاتوری را دارند که مآلاً " مستحکم موقعیت و منافع امپریالیستها خدمت می کند .

بدیهی است که خون دهها هزار شهید حق طلب وسلمانی که بر علیه نظام دیکتاتوری شاه مبارزه کردند وجان باختند هنوز خشک نشده ، بنا براین اگر چه مرتجعین برای احیای چنان روشهائی فرصت ها را از دست ندهند . لکن به این سادگیها هم نمی خواهند همه ارزشها ودستاوردهای خونبار مردم را پایمال کنند اما درعین حال نمیتوان از عواقب چنین ملکردهائی نگران نبود . . . . . بالاخص که این مرتجعین اقدامات ضد مردمی وانحصار طلبانه و سرکوبگرانهٔ خود را ناجوانمردانه بنام رهبری انقلاب که خودکارانه برافتداری از مبارزه بر علیه دیکتاتوری شاه دارد ، تمام می کنند ، وبدین ترتیب نام وچهرهٔ امام را خدشه دار می سازند ! !

بی تردید آینده نشان خواهد داد که این عناصر تا چه اندازه حسن داشته اند از نام و محبوبیت امام در جهت مقاصد خود استفاده کنند . . .

تلگرام تهنیت مجاهدین خلق...

جهان سیاه خواسته اند تا امپریالیسم آمریکا ابرقدرتها نخوار و ددمنش را زیبا نمایانند . نیروی تا برابرا با پیروز مندکه به ظلمت شب درسرا سرگیتی پایان داده و صبح تابان آزادی را درهمه جا خواهد گسترانید . همان نیروی حق طلبانه ای که اکنون خروش ظفر نمون آن سراسر تنگا را گوشه را فرا گرفته و پایه های ظلم واستبداد یکی دیگر از دیکتاتورهای منفور جهان را متزلزل ساخته است .

بنا براین درنهایت شادمانی و عمق انقلابی ، صمیمانه ترین تبریکات خود را به رهبری پیروز مند جنبش ما تقدیم تقدیم می کنیم .

همرزمان والامقام انقلابی :

شما در آن سوی جهان با ردیگر نشان دادید که با تکاء قهرمودمی سازمان یافته ، می توان امپریالیسم را علیرغم همه سفاکیها وبیدادگریها در دورای تمامی سازش کاری های ارتجاعی برجای خود نشاند . این است راه نهائی مبارزه لغت از هرگونه بازگشت ورجعت استعماری که باید سرمشق تمام انقلابیون راستین جهان درهرکجا واقع شود .

جای خوشبختی است که دولت موقت انقلابی نیکاراگوئه که اکنون جایگاه واقعی خود را در دیپلماسی ملل آزاد جهان بازمی یابد بوسیله دولت ایران نیز برسمیت شناخته شده است . بدین ترتیب پیروزی خلق نیکاراگوئه را می توان قدم پرسود و درخشانی در مسیر تکامل رهائی بخش تمام خانواده بشری و انقلاب جهانی شمرد . انقلابی که اکنون با فروریختن یکی دیگر از پایگاههای پوشالی دشمن امپریالیست به پیروزی نهائی نزدیکتر شده است .

با درود انقلابی

مجاهدین خلق ایران

۵۸/۴/۲۴

درحاشیهٔ انتشار اولین شمارهٔ هفته نامه مجاهد

* *

درآغاز راهمان از کلیه خوانندگان عزیز خواهشمندیم :

۱ـ درمکاتبات خود تان فعلاً با آدرس تهران ـ خیابان مصدق ـ پائین تر از میدان ولی عصر ـ جنبش ملی مجاهدین با ما تماس بگیرید . لطفاً روی پاکت قید کنید که مربوط به نشریه مجاهد است .

۲ـ در نامه هایتان حتماً " نام و آدرس و در صورت داشتن شماره تلفن خود را فراموش نکنید .

۳ـ قاعده " مفید ومختصر " را در مورد گزارشات و مقالات و انتقادات و . . . حتماً رعایت کنید .

۴ـ از شما خواهران وبرادران نقادهای " انتقاد " هرچه بیشتر داریم . مشتاق باشید انتقادات سازنده شما بزرگترین راهنمای ما خواهد بود .

۵ـ مسئولیت کلیه مطالبی که نام داشته و یا با امضاء باشند با خود نویسندگان آن میباشد . مطالب بی امضاء مسئولیتش با ما بوده و تماماً " نظر ما را منعکس میکند .

مجاهدین خلق ایران

کوششی درجهت همبستگی و وحدت زحمتکشان

گزارش مختصری از بزرگترین کنگره شوراهای کارخانجات

بزرگترین کنگره یا اتحادیه شوراها ، متشکل از ۲۲ شورای کارکنان کارخانجات در روز دوشنبه ۵۸/۲/۲۵ تشکیل گردید . نمایندگان شرکت کننده حدود ۲۰۰ نفر بودند که وابسته به شوراهای کارخانجاتی بودند که زیر پوشش سازمان کنترل و توزیع صنایع ایران و شرکتهای تابعه قرار دارد .

پس از سالهای خفقان و دیکتاتوری آریامهری ، و محرومیت کارگران و کارمندان ، اولین گامها در جهت دست یابی کارکنان به موضع اجتماعی شان آغاز شده . و اولین قدم برای متشکل شدن نیروهای زحمتکش برداشته شده است . کنگره فوق سومین نشست اتحادیه بود . تا اساسنامه ای را که توسط هیأت اجرائی (منتخب کنگره دوم) تدوین شده ، مورد بررسی قرار داده و بتصویب برساند .

تصمیمات کنگره شوراها :

درمورد اهمیت و رسمیت کنگره فوق ، نمایندگان شوراها به کمیت و کیفیت تجمع نیروها اشاره کرده و محتوای تصمیم گیری ها را بزرگترین دلیل حقانیت و رسمیت آن می دانند .

درطول کنگره موضع گیری روشن و منوفیانه نمایندگان شرکت کننده و مسائل و موضوعات همه نشانه ای از بالابودن سطح آگاهی و درک عمیق شوراها از مسایل اساسی کارخانجات و مؤسسات بود .

اکثریت شرکت کننده گان در اتحادیه براین اعتقاد بودند که :

۱ ـ درعین حمایت و پشتیبانی از اقدامات مترقیانه و ضداستثماری ، درمقابل هرگونه حرکت ضد کارگری قاطعانه ایستادگی خواهد نمود .

۲ ـ از دولت موقت و سوسیالیزه وزارت کار می خواهد که شوراهای کارکنان را رسمیت بشناسد .

۳ ـ نمایندگان مفاد لفظ مورد را با تشکیل نیروهای ویژه در کارخانجات اعلام داشتند .

۴ ـ نمایندگان بر اهمیت و ضرورت تشکیل اتحادیه واقف بوده ، و بر حفظ و بقاء و رشد این تشکیلات تاکید کردند .

از ویژگیهای این اتحادیه تفاهم موجود در آن ، و نگرشی جالب تر دوراندیشی آنان بود . نمایندگان از امیدواری زیادی نسبت به آینده خود برخوردار بودند . درطول بحث روی اساسنامه مسائلی از قبیل موارد زیر مطرح گردید .

" برگزاری هرچه باشکوه تر روزهای کارگر توسط اتحادیه ایجاد صندوق بیکاری و امتیازات پذیرفتن حق اعتصاب برای کارگران " که به تصویب هم رسید .

وحدت کارکنان در کارخانجات :

در پایان جلسه انتخابات شورای مرکزی و با روشی انجام شد . مناطق مختلف نمایندگان خود را انتخاب نمودند . در انتخاب باید متذکر گردید که تشکیل شوراهای کارکنان در کارخانجات و مؤسسات که اولین حرکت انقلابی درجهت تشکیل و حاکمیت سرنوشت خود می باشد . تشکیل این اتحادیه بزرگترین گام در این جهت به حساب می آید . تصویب اساسنامه و وحدت نظر شرکت کنندگان در این مجمع ، با توجه به زمینه های موجود در محیطهای کارگری که مبارات شرایط خفقان و دیکتاتوریست ، بار دیگر اصل واری حل اختلافات را با چنین شیوه ها و الهام از الگوی اسلامی شوراها بخوبی نشان داد . و مشخص گردید که منافع مشترک کارکنان (کارگران و کارمندان) درمقابل توطئه ها و اقدامات ضد انقلابی امپریالیستها و وابستگان مرتجع آنان ، نقاط اشتراک هر چه بیشتری را برای وحدت ایجاد مینماید . و با همه تلاش مذبوحانه این عناصر شناخته ، چشم وحدت و یکپارچگی (کنگره سوم ، اتحاد سه) درمقابل دشمنان مردم ، مشت محکمی بر دهان ناوه گویان خواهد بود .

امید است که همه نیروهای مترقی و معتقد و مسئول به اهمیت تاریخی امر وحدت نیروهای خلق توجه نموده و با چنین شیوه هائی انقلابی محل صحیح اختلاف نظرها دست زنند ، تا کلیه نیروها و انرژیها درجهت مقابله با دشمن مشترک بسیج گردد . اساسنامه و گزارش دقیق تر این کنگره در شماره آینده خواهد آمد .

طرح سندیکاها...

ثانیاً" ـ چون برخی سرمایه داران وابسته در جریان انقلاب خلق ، که شعار دفاع از مستضعفین را داشت ، فرار را بر فرار ترجیح دادند و چند برابر سرمایه خود را بصورت ارز از مملکت خارج کرده اند ، شوراهای کارگران میکوشند تا درخط سیاسی خود دولت را تشویق به مصادره اموال آنان کرده و با حمایت دولت و سامده آن مسئولیت اداره کارخانه ها را به عهده گیرند . از یکطرف از توقف تولید در صنایع جلوگیری کرده و صنایع را بکار اندازد و از طرف دیگر زمینه را برای بازگشت مجدد ضد انقلاب و سرمایه داران بزرگ آریس بزد . این نقش سیاسی شوراها که درجهت ملی کردن سرمایه های وابسته عمل میکند ، از عهده سندیکاها ساخته نبوده و درجهت یک جریان سیاسی وضد امپریالیستی عمل میکند . این یک ساز و ضرورت در مرحله فعلی از انقلاب ضد امپریالیستی میباشد .

ثالثاً" ـ ضد انقلاب ، عناصر ساواک و نیروهای سرمایه داران وابسته که همیشه با هست ضدکارگری داشته اند ـ همچنان در محیط کارگری نفوذ دارند . اینان در جریان کار منافع سرمایه داران وابسته را خلال میکنند و بامنتظر فرصت برای ضربه زدن به انقلاب هستند . بنابراین نقش دیگر شوراها مقابله عناصر ضد انقلاب می باشد . تا با همکاری مقامات مسئول از عهده انجام آن برآیند و چون بیش از مقامات مسئول در محیط خود نیروهای بازدارنده را میشناسند ، در این زمینه نقش بسیار مثبتی را ایفا خواهند کرد .

رابعاً" ـ شوراها در مدت عملکرد خود ، قدمهای بسیار مفیدی را بمنظور تولید ، راه اندازی صنایع ، تصفیه محیط کار از ضد انقلاب برداشته و توانائی خود را در عمل نشان داده اند . بطوریکه کارفرما و سرمایه دار منافع خود را با وجود این نهادها در خطر دیده و میکوشند تا از حرکت آنها جلوگیری کنند . سرمایه داران در قبال شوراها از سندیکا حمایت میکنند . فاقد الیت سیاسی ـ ایدئولوژیک این نهاد ها را آزمیس میبرند . و حرکت کارگری را در چهارچوب صنفی اش شکل میدهند . و در نتیجه محیط کارخانه را برای پذیرش سرمایه داران وابسته آماده سازند . در نتیجه کارگران در سندیکاها تنها باید بکوشند تا حقوق صنفی خود را در رابطه با سرمایه داران افزایش دهند . بهمین علت است که کارگران و کارمندان سندیکا را بسیار پذیرش سرمایه داران بزرگ و وابسته در رابطه می بینند . و از آنجا که از گذشته های دور سر دید خوبی از مملکت سندیکاها ندارند ، در مرحله جدید انقلاب در پی نهادهای انقلابی و مناسب تا این مرحله از مبارزه ضد امپریالیستی خود هستند . تا بتوانند در پرتو آن سرمایه داری وابسته و بزرگ را حذف کنند . آنگاه نمایندگان کارگران و کارمندان با همکاری نماینده دولت با کارفرما ، مسئولیت اداره نهادهای اجرائی کارخانجات را در مسیر نیازهای انقلاب عهده بگیرند . تا در خلاء سرمایه داران بزرگ و مدیریت وابسته با آن حرکت صنایع متوقف نگردد . جریان تولید ادامه یابد . و بحران اقتصادی جامعه برطرف گردد .

از طرف دیگر دست روی دست گذاشتن و منتظر اقدام دولت نشستن ، چیزی جز فراهم کردن فرصت برای بازگشت و جای پای محکم کردن سرمایه داری وابسته نیست . چرا که اینان تلاش دارند تا با تحدید سندیکاهای گذشته ، مانع پا گرفتن شوراها که مناسبترین شیوه ها برای جریانهای کارگری در مرحله فعلی انقلاب است بشوند .

نامزدهای مشترک...

شرکت فعال همه اقشار مردم در این امر واجب می نماید . ما گروهها و سازمانهای امضاء کننده ، بدینوسیله نامزدهای خود را برای غربالگری در مجلس بررسی قانونگزاری معرفی و از عموم نیروها و مردم شریف تهران تقاضای حمایت می کنیم .

نیازی به تذکر نیست که لازمه شرکت ما در انتخابات ، تضمین آزادی کامل آن از جانب دولت و بی طرفی صدا و سیمای جمهوری اسلامی می باشد . بهمین منظور ضروری است حداقل شرایط و حقوق زیر را همچنانکه مورد تأیید وزارت کشور نیز قرار گرفته جهت استفاده مسئولین امور مجدداً یادآور شده و تضمین آنها را در عمل خواستار شویم .

الف ـ حق نظارت بر نحوه رأی گیری و حفاظت از صندوقها و شمارش آراء .

ب ـ حق استفاده متساوی از رادیو و تلویزیون برای تبلیغات انتخاباتی کلیه احزاب و گروهها .

صورت اسامی نامزدها :

۱ـ حضرت آیت الله طالقانی (درصورت پذیرش خود آن حضرت) .
۲ـ آقای دکتر حبیب الله پیمان
۳ـ آقای دکتر علی اصغر حاج سید جوادی .
۴ـ آقای مسعود رجوی
۵ـ آقای دکتر کاظم سامی
۶ـ آقای مهندس عزت الله سحابی .
۷ـ خانم دکتر طاهره صفارزاده .
۸ـ حجت الاسلام دکتر علی قدوری .
۹ـ آقای دکتر ناصر کاتوزیان .
۱۰ـ آقای دکتر عبدالکریم لاهیجی .

امضاء مشترک
۵۸/۴/۲۷ تیرماه

گزارش سازندگی

یک روز در اردوی عمرانی و آموزشی سازمان جوانان مجاهد در گل تپه

درفاصله ۳۵ کیلومتری غرب زنجان ، در مسیر جاده زنجان ـ بیجار ، بدناز گذشتن از راههای صعب العبوری که بعلت رژیم آریامهری نصب ماکتین این منطقه شده است ، روستای گل تپه قرار دارد . راههایی که برهم برنامه ریزان رژیم گذشته قرار بر اتصالات کردن آنها بوده است ، ولی حاصل این برنامه ریزی پس از چندین سال ، مسدود بودن جاده اصلی و قابل عبور نبودن جاده فرعی است . بطوریکه مسیر ۱۰×۱۵ کیلومتری را با قوی تیوس ماشین ها بایستی در یکساعت طی کرد . آنهم فقط در تابستان ، والا در زمستان که اصلاً" امکان رفت وآمد نیست .

پس از عبور از گل تپه و طی چند کیلو متری جاده از همان نوع به تپه ای کوتاه ، مشرف بر یک رودخانه می رسیم رودخانه ای که حکایت از گذشته ای آباد دارد ، ولی آنچه که اکنون از گذشته های باقی مانده ، جوی باریکی از آب است که نمی تواند تشنگی مفرط زمین های حاصلخیز منطقه را جواب دهد .

در بالای تپه به پائین که نگاه میکنی چند چادر که بطور منظم درکنار رودخانه قرار گرفته است ، جلب توجه می کند و درفاصله ای بسیار دور افرادی رامی بینی که مشغول انجام کار هستند . اینها اردوی عمرانی و آموزشی سازمان جوانان مجاهد می باشد .

روز آغاز میشود

هر روز ساعت ۵ صبح که هنوز هوا تاریک است با صدای اذان و تلاوت قرآن که از بلند گوی مستقر در اردو پخش میشود ، وباکمک پاسداری که سرمای شب رانحمل کرده تا اردو را بگهبانی کنند ، همه ازخواب بر می خیزند و بفاصله چند دقیقه برای ادای نماز صبح آماده میشوند . نماز جماعت در چادر بزرگ اردو که در عین حال محل غذا خوری و جلسات نیز می باشد ، برگزار می شود .

پس از برگزاری نماز حدود ۷۰ـ۸۰ نفر افراد اردو و همراه با سرپرستشان برای ورزش آماده می شوند ، ورزش سبک وجمعی ، درهوای صبحدم روستا ، تاثیر خوبی در شاداب کردن روحیه جوانانی که کمر خدمت به مملکت را بسته اند ، دارد .

ورزش در ساعت ۶ تمام می شود و سپس کارگروهای روزانه ، صبحانه را آماده می کنند . این وظیفه ای است که نوبت بین همه افراد مستقر در اردو می چرخد . چراکه یک زندگی جمعی سالم ایجاب میکند که همه بهم کارکنند وهمه باهم از امکانات موجود استفاده کنند .

پس از صرف صبحانه وقدری استراحت ، برای کار آماده می شوند ، برای کاری آماده می شوند که بدون چشمداشت به سرمو سواسی و صرفاً" بر اساس انگیزه انسانی و ایدئولوژیکشان ، دوری از خانواده و شرایط زندگی در این محیط را پذیرفته اند . تا با تکیه بر نیرو وتحرکشان ، قدمی هرچند هم کوچک در مرهم گذاشتن دردهای روستائیان بردارند .

مشکلات مردم روستا :

گل تپه دهی از بیشمار دهات کشورمان است ، که مانند دیگر دهات ، سیر ظلم و ستم آریامهری بر هر گوشه و کنارش پیداست .

سالیانسال وبیدادی که تمامی این خلق را بستوه آورده و حکومت آنچنانی آریامهری را نابود کرد .

رودخانه ای که چادر ها در کنارش قرار گرفته اند ، آب مزروعی زمین های حاصلخیز ده را تامین می کند . درمسیر سه کیلومتری منتهی به ده ، تپه علت شرار بودن زمین ، بخش قابل توجهی از آب جذب زمین می شود و در نتیجه کمبود ها را شدید تر می کند .

روستائیان سالها درفکر حل این مسئله بودند و به انحاء مختلف برای حل آن تلاش میکردند ولی کمتر نتیجه ای بدست می آوردند . حتی یک مرتبه اقدام به حفر یک کانال ۳ کیلومتری کردند ، ولی بعد متوجه شدند که این کانال هم از همان نقیصه برخوردار است ونمی تواند جوابگوی مشکل این جا باشد . حل این مسئله منوط به لوله کشی است ولوله کشی مسیر درمسیر سه کیلو متری برای روستائیان فقیری که آنجا زندگی می کنند ، کار ساده ای نبود .

این جوانان برای حل این منظور اینجا مستقر شده اند .

صبح وقتی کار شروع می شود ، بعضی به حفر کانال می پردازند ، بیل و کلنگ برداشته وبه جان زمین می افتند ، گروهی دیگر به ساختن لوله های سیمانی با استفاده ازماده تزین ابزارها و مواد اولیه موجود می پردازند ، طبیعی است که آباد کردن دهات نمی تواند متکی به سرمایه گذاریهای وسیع واستفاده از ماشین وتکنیکهای پیش رفته باشد ، چراکه در این صورت هزینه های فوق العاده سنگینی خواهد برد .

آنجا برادران ما بخوبی می دانند اگر قرار بر حل این مشکلات بود بستها باشد ، فقط و فقط با اتکاء به نیروهای مستضعف مردم بجای استفاده از سرمایه گذاری های کلان و پر خرج امکان پذیر است .

گروهی که به ساختن لوله های سیمانی مشغول هستند ، با تلاش زیاد موفق می شوند روزی چند لوله را آماده کنند . آنهم با کار سخت بدنی و تازه به علت می بینند بودنشان ، بعضی هایش ضرات شده و الزاماً" در تازه کاری پیش می آید ، ولی چه باک ؟ آنها که برای مرد کار می کنند آنها که ادعایی ندارند . آنها آمده اند خودشان را بسازند و مسئله روستایی شان را حل کنند ، واین هردو سر عملی است و بدست آوردنی . این راهم خودشان می دانند و هم روستائیان ، چرا که می توانی ببینی که روستائی هم هر وقت فرصتی بدست می آورد ، بی ریا درکنار شان مشغول به کار می شود و سر سرفه شان می نشیند .

روستائی را می بینی که از آرد مصرفی چند روزش و شر گوسفندش ، نانی پخته است ودر اختیار آنها قرار می دهد .

هروقت که فرصت دست می دهد و در روستا وقت و آمد می کنند ، حالت رضایتمندی و محبت والای انسانی راهم در چهره یاران خودشان و هم روستائی زحمتکش وطنمان می توانند ببینند و لمس ـ چه باک ، هر وقت که کارشان درست انجام نشده ، دو مرتبه و بارهم نشد دو مرتبه تا بالاخره پیش برود .

کار جریان دارد ، در سر کار نیز محیط تفاهم آمیزی وجود دارد ، گاهی سرود می خوانند و گاهی یکدیگر را کمک می کنند تا کارشان بهتر جریان پیدا کند . دسته ای را می بینی که به بالای کوه رفته اند ، سنگ های نسبتاً" بزرگ را از بالاکنده و به پائین سرازیر می کنند ، تا بعد که جمع شدجوجه های مسرکانال را بسازند .

ساعت ۱۰ بعد از ساعت کار زمان استراحت است ، بخصوص که آفتاب هم کم کم بالا آمده است و گرما بش آزار دهنده می شود . تمام کارها وتمام اردو زیر آفتاب قرار دارد ، و فقط در گوشه و کنار ها در بالای تپه ها درخت وجود دارد ، البته جایی پیدا می شود که زیر سایه

بقیه درصفحه ۴

گزارش سازندگی....

استراحت کنند. در کنار هم باشند، بهای بخورند و خود را برای کار بعدی آماده کنند. در استراحتشان هم شور وشوقشان بدانست : می گویند. می خندند. سرود های انقلابی می خوانند و دو برنامه‌سر کار برمی گردند.

این بار تا ساعت ۱ کارمی کنند. در این ساعت کار تمام می شود. توان و سر زندگی آنها برای‌کار بیشتر ازاین‌آماده است ولی سرپرستان معتقدند که نبایستی کار بدنی سخت را در شرایط گرم. آنجا بیشتر از این انجام داد. آنهم برای جوانانی که عمدتا" با چنین کارهائی آشنا نیستند.

پس از برگشت از کار و قدری استراحت همگی برای نماز آماده می شوند. نماز جماعت، و دعای دسته جمعی این‌جوانان، خود صفای خاصی دارد. آنهم پس از چند ساعت کار بدنی ونسبتا" سخت. و سپس ناهار. در طول روز که اینها به کار مشغول بوده اند، چند نفری که وظایف کارگری روزانه بر دوششان است، به کمک آشپز غذای ظهر را آماده‌کرده‌اند. آشپزی که خود نیز یکی ازافراد اردو است ولی تخصص بیشتری در پختن غذا دارد. — غذائی که معمولا" ساده و در عین حال مناسب با شرایط کار ونیازهای بدنی شان می باشد.

جالب وضع آشپزخانه است. چادری در آن طرف جوی آب. آشپزخانه اردو است، برای اینکه باد وگردوخاک موجود درمحل کمتر غذا را آلوده کند. بمسافه‌سه متری حول چادر، ماکسه گونی دیواری کشیده اند. روشن است که این هم نمی تواند حفاظ باشد ولی در اینجا دیگرکسی دراین مکرها وقید وبندها نیست.

مسئله حمام هم همینطوراست. در آنجا که حمام مناسبی نیست. اگرکامکاهی دست بدهد. آب نمی همراه‌ماست‌وبا حداکثر هفته ای یکبار آنهم به‌شهروگردش وسیاحت رفتن.

نماز و ناهار که تمام می‌شود خستگی ناشی از کارو آفتاب نسبتا" گرم که‌مستقیما" بر چادرهای تابد و کامکاهی‌باد کمکردو خاک اردو را بلند کرده وپخش می کند حتی استراحت را نیز تا حدی دشوار— می کند. ولی اینهامسئله ای نیست. آنها نیامده اند که درجای راحت خوش بگذرانند. اگرتصمیم شان بر این بود. شهر و منزلشان حتما" جای بهتری بود.

ازساعت ۴ کم کم می توان بچه ها را در محوطه اردو دید. صحبت کردن، بحث کردن. گپ زدن شروع می شود. چند نفری را حسنی که در چادرنشسته و به بحث مشغولند. بعضی درزمین‌والیبال اردو که تنها امکان بازی و تفریح از این نوع می باشد. به بازی مشغولند. و چند نفری به مطالعه" جمعی و فردی.

به ساعت ۵ که نزدیک می شویم. کارهای فردی وتفریح و بازی کم می شود وکم وبیش خود را برای کار دیگری آماده می کنند. می بینی که چند نفر، چندنفر در زیر چادر ها و بطورعمده در تپه های اطراف باهم جمع شده وشروع به مطالعه می کنند.

صحنه های عالیی است. از دوری دقیق می شوی. شور وحرارتی که موضع بحث از خود نشان می دهند. رضایت خاطر وصفایی راکه بعداز اقناع درآنها مشاهده می کنی و توجه و تمرکز حواسرا که موضع خوانده کتاب از خودنشان‌میدهند شور انگیز است.

غروب فرا میرسد:

با نزدیک شدن ساعت ۷ کم کم‌در درون چادر بزرگ جمع می شوند. جایی که نقش شبه سالن اجتماع و کنفرانس استدارد. اطرافشان باعکس های "شهدا" و امام خمینی و آقایطالقانی پوشانده شده است. آیات قرآن وشعارهای انقلابی نیز به چشم می خورد. در راس ساعت ۷ سرپرست اردودرجمع حاضر شده. و کلاس آموزشی شروع می شود بحث های — ایدئولوژیک، قرآن، نهج البلاغه. بحث‌های‌سیاسی، تاریخی هر کدام‌می‌تواند موضوع جلسه باشد. و در بعضی‌جلسات این جوانان هستند که جلسه‌رامی‌چرخانند مطالب را ازقبل آماده کرده‌اند وکنفرانس می دهند.

کامکاهی نیز فیلمی از شهر می‌برند و نمایش می دهند. وسپس شام است و نماز ودیگر شب رسیده است. موتوربرقی که موجود است تا حدی محوطه راروشن می کند. صدای سرود را در اردو مترنم می کند و باز در درون چادرها آنها را مشغول مطالعه و فکر و بحث می بینی. افرادی راکه در ساعات آخر شب، قرآن بدست درحال" مطالعه می بینی وبادرگرفته وکنار مشغول فکرکردن، کم‌نیستند. بخصوص اگر جلسه" انتقادی را پشت سر گذاشته باشند. مسئولین اردو در این جلسات می کوشند نارسائی های کار را برطرف کرده و روحیات جمعی و انقلابی واسلامی را درافراد اردو رشد دهند. سه آنها مشارکت می شود، که هر روز قرآن — نهج البلاغه مطالعه کنندوهمچنین‌درمورد برنامه" روزانه" خود و اشکالات آن‌فکر کنند.

بررسی شرایط کار در اردو:

راستی این شرایط برای آنان چگونه است ؟ از افرادی صحبت می شود که برایشان کار و زندگی در این شرایط‌مشکل بود ودر نتیجه بر گشته اند، ویا اینکه حاضر نبودند خود را با شرایط کار، اردو منطبق کنند. صبح فلان ساعت برخیزند. فلان ساعت بخوابند و به این عناصر برگردانده شدند. بهر حال کار و شرایط زندگی برایشان چندان مطلوب نیست، حاضر که آب مصرفی اش را بایستی از — فاصله ای دور تهیه کرده و همیشه نیزگرم است.

باخودشان صحبت می کنیم :

یکی می گوید : شرایط زندگی‌جمعی برایم بسیار جالب‌است. باصفاوصفت طلبی های خود آشناشده وسعی می کنم آنها را کنترل کنم. اوایل مشکلاتمان از لحاظ جا وغذا زیاد بود. وسایل کار نداشتیم. بحث و آموزش نبود. بطوری که بعضی حاضر شدند برگردند، ولی کم کم برطرف شد.

هرسال تابستان هایم تلف می شد ولی امسال هم کار می کنم. هم‌می‌آموزم وهم تجربه جدیدی‌یادرزندگی اجتماعی‌آریایم از قول من به‌خانواده ام بگوئید‌مادرمردمان راکه حتما" هستم وبعضی‌هم شاید‌بدانم.

من از روزی که به ده رفتم و صفا وصمیمت دهاتی را همراه با شرایط زندگی شان دیدم. علاقه ام به ماندن‌در اردو چند برابر شده است. البته اشکالات هم هست. دکتر و بهداشت ناقص است و— کمبود داریم. ما و مغرب دراینجاباید است ولی مهم نیست.

بعضی ها رامی بینیم که برمی‌گردند وباقرار است که برگردند:

— من برای یکماه آمده بودم وشام‌شده برمی گردم.

— تجدید ی آورده‌ام وبایستی‌به تهران برگردم.

برای ثبت نام و امتحان می روم و در اولین فرصت بازخواهم گشت.

ویکی از تلویزیون می برند وبرنامه هایش و اینکه آبادیلی که ازآنجابرداشته بودند پخش کردند وخودش‌اضافه میکند که‌حتما" پخش نمی‌کنید. خودشیرمردار که تازه تحت تاثیر شرایط وکار با قرارگرفته بود، گفت چون اسم مجاهدین را دارد پخش نمی‌کنند.

در هر حال شب به ساعت ۱۱ نزدیک می شود. ساعت ۱۱ وقت‌خاموشی‌است. پاسدارها کم کم آماده می‌شوند. و بچه‌ها به چادرهایشان می روند. ساعت ۱۱ — موتور برق خاموش می شود وفقط پاسدار ها را می بینی که باچراغ قوه و چوب و چماق در اطراف اردو پرسه می زنند. برای جلو گیری ازخطرات احتمالی. بهر حال گرگ وسگ و مار ومغرب هم در — آنجاهست و بایستی اردو را از خطرات احتمالی آنها محافظت کرد.

درشماره‌های‌آینده‌شمارابیشتردرجریان فعالیت عمرانی مجاهدین‌خلق‌قرارخواهیم داد.

حوادث مریوان...

نشده باشدممکن است حریق کوچکی ایجاد کندولی هرگزدامنه اش گسترش نخواهدیافت.

پس مشکل ملیتها (حوادث و— حرفه‌ها هرچه می‌خواهدباشد)دردرجه اول درایران‌باروت بودنشان است. خشم‌ها وکینه‌های سالیان درازرسیم ملی وستم طبقاتی که‌با فشاردیکتاتوری فرصت بروزنمی‌یافت. امروزبا تحلیل نسبی "فشار باهرجرقه‌ای آزادمی شود و شعله می کندومتاسفانه بیش ازهمه‌بار هم طلقهای مستضعف ما را مسموزانه

ریشه مسئله راکمابا بدجستجو کرد: با اندکی دقت ومطالعه در تاریخ اقوام وملل " سرنخ"این کلاف سردرگم در رنج آورترین نوع ستم یعنی ستم ملی به‌دست می‌آید. حال با دردست داشتن این سرنخ درست است که یک شبه — نمیتوانیم کلاف را بازکنیم‌ولی لااقل تلاشهای‌طاقت فرسا دراین مسیردرنهایت به انجام اصولی می رسد بیاد‌توجه‌باین سرنخ وعامل اصلی، دیگرذهن دراینموهی ازتفسیرهای غیراصولی (مغرضانه ، یاناآگاهانه) کج نخواهد شد. وطبعا دیگر هرگزراه حل های مکانیکی را برای این مشکل نخواهیم پذیرفت. آنوقت دیگردعوا برسراین نخواهد بود که " نظم وآرامش درمریوان باید‌بوسیله" اعمال زوروپاسدارها‌ارتش برقرار شود". بلکه توجه‌خواهیم کردکه هرگزنظم‌وآرامش دراین مناطق با اعمال قدرت نظامی قابل حل نیست. خواه‌این قدرت راارتش اعمال کندویا پاسدار. کما اینکه درمسئله مریوان شاهدبودیم بلافاصله پس ازاعزام‌پاسداران دست اندرکاران محلی برضرورت خروج غیری پاسداران ازمنطقه تکیه کردند (۱)■

راه‌حل‌چیست :

ضمن توجه به این مسئله که این مشکل نیزمثل تمام مشکلات ما درشرایط فعلی صرفا "در جریان مبارزه می آمان باتمشی اصلی یعنی امپریالیزم امکان پذیر است متذکرمی شویم که مشکل ملیت‌ها هرگز باشیوه نظامی‌قابل حل نیست وبلکه اساسا "باید‌راه حل را درروشهای سیاسی جستجوکرد برای گریزازفروفتن درگیرداب جنگ دومریوان باید‌بتواند‌به‌یک اقدام فوری وعاجل دست زدوآنگاه درزمان طولانی‌تردرجهت حل اصولی آن حرکت کرد.

راه حل فوری :

عاجل ترین اقدام دومریوان تشکیل شورای شهربا شرکت کلیه اقشاروطبقات خلق نیروهای مردمی است. این شورا بایدکاملا" آزادانه وبگونه ای که ترکیب آن انعکاس هرچه واقعی دردرکیب اقشاروطبقات ونیروها‌پیدا شدانتخاب شودوسپس اداره امورواریج شهر وبویژه مسئله امنیت بایدبه این شورا واگذار شود. تاتضادها به جای اینکه درکوچه وخیابان بطور خودبخودی دربرخوردوتصحیحات وکرو فرها خودراشان دهد. آگاهانه وهدایت‌شده درشورا مورد بررسی قرار گیرد. الگوی سنندج که‌با راهنمائی حضرت آیت الله — طالقانی پیاده شدبهترین سر مشق دراین زمینه است.

راه حل طولانی مشکل درحل اصولی مشکل ملیت ها باتوجه به ریشه های اقتصادی اجتماعی و— فرهنگی مسئله امکان پذیراست که خود نیازبه بحث جداگانه‌ای دارد.

■ وبرمرکز نقطه‌نظرسرتیپ ایرا — همین دوباره بحران غرب کشورکه کردند (۱)■

مردم ومجاهدین...

سیاه‌فردی و خصوصیات شخصی نیست. منظور اینست که میخواهیم بگوئیم‌مجاهد خلق کیست؟ حرف و دردش چیست؟ در ورای مبارزات خونبار ۲۵سالهاش‌چه‌دید— گاهی نهفته‌است. مجاهدخلق چگونه فکر میکند و بچه میاندیشدکه لحظه‌ای قرار و آرام‌ندارد. از موضوعاتی که دراطرافش میگذرد، چه میفهمد. از عظمت آسمانها و زمین گرفته تا تغییرو تحولات اجتماعی وسرنگونی‌جباران راه مظلوم‌و دست بسته بسته کارگر ودهقان و اعتکی که درنهبه — های شب از چشم مادر یک شهیدوااسیر می‌ریزد و عشقی که بصورت ارادمبولا — دین یک مجاهد تجلی میکند. چه‌پیامی دریافت میدارد. وجود زاغه‌های دود— زده و سیاه‌را در کنار ویلاهای روبائی. وگرانی‌قیمت ارزاق عمومی و بیکاری‌کار — گران و رابطه آنها با بودجه‌های دولتها وسائلی از این قبیل را، چگونه تحلیل میکند. بین سرسپردگی به آمریکا در سیاست خارجی، و وجود ارتشی‌جنایتکار وخونخوار، ومردمی تحت ستم چه‌رابطه‌ای می‌بیند؟ جامعه آرمانی‌مجاهد خلق چیست ؟ و ازچه شیوه‌هائی برای رسیدن بآن استفاده میکند؟ بسته به اینکه به اینها وصدها موضوع دیگر، چگونه جواب دهیم. چهره واقعی ما روشن‌میشود.

تلاش خواهیم کرد که با رازدایره صداقت وصمیمیت بیرون‌نگذاریم. معتقدیم که بدون برخورد صادقانه قادر بهایجاد هیچگونه تغییری نیستیم. وبرایم‌اعتقاد سالها مرکزدهایم وبخصوص توجه‌داریم‌که ما جز اعتماد مردمان چیز دیگری برای از دست دادن نداریم. همه سرمایه ما این است. سرمایه‌ای عظیم، که آیرا با هیچ متاع دیگری قابل تعویض نمیدانیم.

چراکه‌ما با "یک‌نظام‌منحط اجتماعی را با اتکاءبقدرت‌سیاسی‌ونظامی‌واقتصادی نمیتوان دگرگون کرد. تنها بسیج مردم، چاره‌ساز کاوبک انقلاب میباشد. میبینید که در اینجا وقتی صحبت از صداقت میکنیم آن را از ضرورت انقلاب آغاز کرده‌ایم. ما سالهاست بامفهوم ذهنیتی صداقت که هر روز میتواند براساس‌مصالح و منافعی رنگ و بو و تعبیر خاصی پیدا کند وداع کرده‌ایم.

مواضع توحیدی خود رابازگو کنیم:

تا آنجا که توانسته‌ایم رابطه‌ما— دقانه برقرارکنیم آن را بدون مواضع انقلابی‌و توحیدی‌مان هستیم. و تاوقتیکه بر مواضع انقلابی و واقع‌گرایانه" بود پای بندیم مطمئنا این عصبه را شرک نخواهیم کرد.

تا آنجا که‌طرح مسائل ایدئولوژیک در عهده این‌نشریه باشد، نقطه‌نظرهای مجاهدین خلق ایران را بیان‌خواهیم‌کرد. یعنی بلحاظ فلسفی از دیدگاه واقع‌گرا — پایه توحیدی سخن میگوئیم. و نیازآرمان بامه"بی‌طبقه توحیدی (قسط) که متضمن موضع ضد استثماری و دفاع از محرومترین اقشار و طبقات (کارگردهقان) میباشد دفاع مینمائیم.

در آموزش‌ها وتحلیل‌های سیاسی‌نیز دراین‌مرحله از حرکت و جامعه‌مان‌ازموضع ضدامپریالیستی — ضد ارتجاعی و ضد دیکتاتوری برخورد خواهیم‌کرد. طبیعی است که لازمه حفظ موضع انقلابی فوق اعتقاد به وحدت همه نیروهای انقلابی ضدامپریالیست است. که‌از آن نیزدفاع خواهیم کرد. وکلیه اعمال تفاق‌افکنانه و تفرقه برانگیز را ازجانب هر فرد یا گروه و دسته‌ای محکوم‌میکنیم.

■ ■ ■

موفقیت ما چگونه امکان‌پذیرمیشود ؟

اما اینکه در کارخود تاچه حدموفق خواهیم شد بسته به شجاعت ما مستقل از شما در نهایت هیچ چیز نداریم. کار خودمان را باپشتوانه‌نگذشته‌مکتبی‌وانقلابی و درجهت پاسداری از ارزش‌های انقلاب و خون شهدا آغاز میکنیم. استمراروارتقاء کارمان بسته اینست که‌شما دراین مسیر تا چه حد خدمت مارا بپذیرید‌ویاری کنید.

از طرف دیگر از آنجا که خودمان را عاری از اشکال و انتقاد نمیدانیم از هر انتقاد وپیشنهادشما بخصوص. اگر در کادر خطوط تعیین شده‌مان باشد بگرمی استقبال خواهیم کرد. استقبالی صمیمانه وعاری از تکلف که بازتاب آن را تاآنجا که با واقعیات عملی ما منطبق باشد در عمل با مشاهده خواهیدکرد. و این‌عامل دیگر موفقیت ما خواهد شد.

■ ■ ■

■ ■ ■

اما سابقه نشریهٔ مجاهد به زمان دیکتاتوری و آغاز دهه ۵۰ بازمیگردد. زمانی‌که سازمان مجاهدین خلق آن‌را به صورت مجموعه و حاوی برخی‌نظریاتش ارائه میداد. ولی غربه منحرفین‌چپ‌نما انتشار این نشریه راهم درسال ۵۳متوقف ساخت. واینک‌درمرحله‌جدیدازانقلابمان با مختصر تغییری درآرم نشریهٔ مجاهد گذشته، هفته نامهٔ‌مجاهدین خلق را به مردم ایران تقدیم میکنیم.

خون کارگر...

زان‌پیش‌که‌مرگ‌ما بدوکوبد درخانه
ماخنده بدلب دریم‌وشیم‌روانه
خونست که ریزد زتنم دررگ هرچرخ
ای‌غافل از اندوه من وکار شبانه
یک چهره‌شادابه نشان‌ده که ندارد
از خون تن کارگران رنگ ونشانه
تادست من‌وانسلسله آزادنگردد
فریاد عدالت همه‌خوابست‌وفسانه
باکینه‌ٔ دیرینه بسوزیم‌ستم‌را
آنسان که شود خیره‌زما‌چشم‌زمانه
ای بیهوشی آن‌ظلم کمکردی توبخیزد
باخشم دومدباره بسوی‌تو گشانه
بنگرکه شودبیشه‌ای از آتش عصیان
این بذر کماکنون زده در شهرجوانه
هان پرچم آن جامعه قسط خدا را
با کینه‌و باخشم برافراریدشانه
بالنده‌ترین بذر جهانیم ونگفتی
چون‌سیل بجوشیم زهر شهر وکرانه
در پیش تو ای خشم مقدس بسجودیم
که اکنون زنی ازسینه پرکینه زبانه

۵۸ / ۲ / ۳

"اگرارتش دخالت نکندخطری فوق‌العاده متوجه غرب‌ایران است". ژفقط ارتش می تواند انقلاب ایران را نجات دهد". (۲)
ارتش‌دراین مسئله هرگزکره‌گشا نخواهدبود.

(۱) اطلاعات ۴/۲۶
(۲) اطلاعات ۴/۲۶

xalvat.com

درحاشیه دادگاه سعادتی . . .

دادگاه بطور کامل و در ساعات ثابت از پیش اعلام شده صورت گیرد . ۳ ـ اجازه داده‌شودوکلای‌مدافع ،دفاع‌قانونی‌ازسعادتی را عهده گیرند . ۵ ـ به‌یاران مجاهدین فرصت داده شود که با حضور در دادگاه دفاع سیاسی ـ ایدئولوژیک سعادتی را عهده دار شود .

آنچه باعث تعجب است این است‌که با وجود اینکه فعلا" روش کرده بودیم که دادگاه انقلاب اسلامی در مراحل پیش‌از دادرسی به وضوح نشان داده‌که نسبت به سعادتی وسازمان سیوعش‌کینه مرض دارد و بطرف نیست . و این دادگاه رابطه رو به صلاحیت نمی‌شناسیم و در آن‌شرکت نمی کنیم . آری حتی با علم بغاصات دستگاه دادستانی انقلاب اسلامی به این موضوع . این‌مقامات هیچ کوششی به‌عمل نیاوردند تا لااقل ظاهر خود را حفظ کنند و هیچ کوششی نکردند تا خود را از اتهام مرض وزری مبرا کنند .

توجه کنید : به دورویش (دادرسی) که یک روزش هم جمعه وتعطیل است) به زندانی که ۲۰ روز است در اعتصاب غذا بسر می برد ، وشرف به موت است ودرحلول که هیچ جا هم دسترسی‌ندارد ، بروند و وکیل وکیفرخواست راهم بدهند است ، اعلام می کنند که خودش رابرای دادگاه آماده کند .آیا بار هم‌روشن نیست چرا سعادتی در دادگاه شرکت نکرد ؟ به قول دکتر لاهیجی وکیل مدافع سعادتی ، حتی در دادگاههای نظامی رژیم طاغوت هم برای متهمین وکیل مدافع ، مطالعه پرونده وتهیه و تدارک دفاع حد اقل ۲۰ روز مهلت به متهم داده میشد . به این دلیل دکتر لاهیجی از شرکت در دادگاه خودداری ورزید و دادگاه را غیر قانونی اعلام کرد . دلایل دیگر وی که او ضمن تلگرافی به آقای آذری عضو دادگاه انقلاب تهران درتاریخ ۵۸/۲/۲۳ مخابره کرده به این شرح است :

۱ ـ زندگی به این پرونده در ـ صلاحیت انحصاری دادگاههای قوی‌العاده دادگستری است .

۲ ـ متهم به علت اعتصاب غذای چهل روزه فعلا" توانایی شرکت در هیچ دادگاهی را ندارد .

۳ ـ انتخاب و هر وکیل دیگروقتی قادر به دفاع خواهد بود که موکلش را ـ آزادانه ملاقات کند ودر جریان تحقیقاتی که از اوصورت گرفته ، قرار گیرد (در حالیکه تا روز دادگاه اجازه ملاقات به وکیل مدافع او داده نشده بود) .

۴ ـ محاکمه باید علنی باشدو ـ حداقل امنیت دفاع برای متهم‌و وکیل‌مدافع بدون حضور یک مامور مسلح در دادگاه تامین شود .

۵ ـ حضور نماینده‌سازمان‌مجاهدین خلق ایران درجریان محاکمه ضروری‌دارد و . . . . دکتر لاهیجی در پایان این ـ تلگرام ۸ ماده ای افزوده بود که چون هیچکدام از این‌خواسته های اساسی و قانونی که در هر نظامی بعنوان حداقل حقوق متهم شناخته شده‌مرآورده‌نگردیده دعوت موکل برای محاکمه هیچگونه محور قانونی‌وشرعی ندارد . . . و بدین وسیله اعتراض خود را به تشکیل این دادگاه و محاکمه غیرقانونی او اعلام میدارم .

بدنبال تلگرام فوق ، دکتر لاهیجی یک تلگرام سر برای آقای‌هادوی‌دادستان کل‌انقلاب‌اسلامی مخابره کرد . درآن‌بکار دیگر شرایط غیرقانونی وناعادلانه‌دادگاه را یادآورشد و بدان اعتراض کرد .

خلاصه‌آن‌تلگرام‌سرباز‌این‌شرح‌است‌که :

۱ ـ سعادتی معمار و بستری‌است و در هیچ نظامی معمار وبستری را محاکمه نمیکنند .

۲ـ تا این ساعت به‌اجازه ملاقات‌با سعادتی ، به اجازه مطالعه پرونده‌موکلم‌و خواست دادستان وبه . . . هیچ‌کدام داده نشده است . علاوه به‌محل‌برگزاری‌دادگاه به کیفیت تشکیل دادگاه وبه عضویت و مشخصات آن را اعلام کرده‌اند وبه وقت وساعت محاکمه را . واین‌محاکمه باین‌شکل محاکمه‌ایست بی‌نظیر و بدون‌سقط در تاریخ‌کشور ما که شاید درجهان‌هم‌باشد .

۳ ـ باید به وکیل و موکل‌فرصت و امکان دفاع داده شود . وهیچ ووکیل‌هر دو باین ترتیب در شرایطی نیستند که امکان دفاع داشته باشند .

والبته به این دو تلگرام‌هیچ‌جوابی داده نشد !

خوب ، حالا بار برای آقایان‌روشن است که‌سعادتی چرا در حضور و شرکت در این دادگاه خودداری میکند؟ او اما بدیهیست شرکت در جلسه دادگاه ، روز دوشنبه ۲۵ / ۴/ گفتگوی‌نشده‌چه‌گذشت .

مردمی‌و آگاه‌وباشعورانقلابی‌تفاوت‌میکنند .

محل دادگاه در محل سابق‌دادرسی ارتش بود .جائی که سابقا" دادگاههای نظامی شاه درآن تشکیل میشد که‌مخالفین رژیم وکسانی راکه علیه ستم ضدمردمی شاه قیام کرده بودند به حبس و زندان و مرگ محکوم میکرد . سعادتی نیز هفت سال پیش در همین محل وبوسیله دادگاههای نظامی به حبس‌ابد محکوم شده بود . وچه شگفت ! . . . اکنون هفت‌سال بعد از آن محاکمه و تنها پنج ماه بعداز انقلابی که او را و دیگر هزارسیاسی‌را از زندان آزادکرده ، دوباره‌باید‌درهمان محل ولی این بار بوسیله دادگاهی‌کنام اسلامی برخود بیهادات‌محاکمه‌شود! چه کسی میتوانست باور کند؟

قرار بود دادگاه علنی باشد ،وهمه مردم بتوانند آزادانه درآن شرکت کنند. جمع کثیری جلوی‌درهای سالن دادرسی جمع شده بودند . چون سعادتا کارت را از قبل میان آشناها توزیع کرده بودند و بطوریکه شاهد هستم سعادتی (کاوهم در همین محل فعلا" به چهار سال زندان محکوم شده‌است) درسالن دادگاه ودر حضور جمعیت گفت :

" ازاین سعیدا کارت فقط پنج‌کارت نصیب خانواده سعادتی شد .آنهم پس‌از اینکه از ساعت پنج‌ونیم صبح جلوی در منتظر بوده‌اند واصرارکرده‌اند ."

شاهد پرسید : " این سعیدا کارت‌کجا پخش شده‌بود؟ آیا غیر ازاین‌است‌که‌من افرادی که ازقبل تعیین شده بودندپخش شده بود؟ کدامیوی را گروه بزرگی ازیاران شاکران با فریاد صحیح‌است ،صحیح‌است ، تائید کردند . و حتی تعدادی از یاران شاکران خودشان گفتند که با پارتی‌بازی‌و ازطریق آشنایانی که در دادستانی کار و میکنند کارت گرفته‌اند .

وقتی کماشد شرایطی را که این باصطلاح دادگاه درآن شرایط تشکیل‌شده تشریح کرد وآن را محکوم نمود ، بسیاری از تماشاگران دادگاه همان کتابی‌کاملا" آگاه جامعه را از سعادتی دیدند و سر اعتمادشان نسبت بهاین‌ساعدافزوده‌شد. و همانها که نگران حال او هستندکه‌قبل روزاست در حال اعتصاب غذا بسرمیبرد. وهمانها امروز باشنیدن‌خبرمحاکمه‌سعادتی به اینجا آمده‌اند تا در دادگاه شرکت کنند و واقعیتها را از نزدیک ببینند و بشنوند . اما اکنون بادرهای بسته و ممانعت مامورین روبرو میشوند، ومیشنوند هرکس کارت دارد ! ووقتی‌اعتراض‌میکند جواب میشنوند الماموربعدی ! به ما گفته‌اند هرکس کارت دارد راهش‌بدهید ! یک زن پیر خودش رابه صلیبه ها چسبانده وآنهارادستگرفته وبه پاسدار عوامی که داخل محوطه دادگاه‌نشسته‌بود به حسیت آطرف صلیبه‌هاشاره‌میکند و میگوید : ما صلیبه‌هایمان اوس راهم همسنگری میکرده‌ایم‌و فریادمردم‌بی‌ملاقات میخواهیم . آنوقت هم سربازهاهنگها ـ دادگاه آنها رابه طبع نامید و همراهی خود گردآورده بودند ، با اوهمواشدند و به دادگاه اعتراض کردند . این‌امرنشان میدهد که واقعا" تحول کیفی عمیقی در جامعه و در وجدان خلق ماموقوع پیوسته است. متحاورین به حقوق دیگران‌وپایمال کنندگان حیثیت و آبروی انقلاب وانقلابیون با دردسر وشکل بسیاری مواجه خواهند بود . آنهائی که مد مردم‌اسد نداشتند که مردم باشعور و با وجدان و انقلابی را پیش رو دارند .

دربیرون دادگاه چه میگذشت ؟

درهمان لحظات که این وقایع‌واین بحثها و گفتگوها در داخل جریان‌داشت، بیرون ساختمان دادرسی ارتش سابق و دادستانی انقلاب اسلامی عقلی و پشت صلیبها و درهای بسته آن ،اردسام‌جمعیت بود . در آنجا هم بازار بحث وگفتگوگرم بود .

بکطرف‌بحث مردم بودند ،همانهاکه از دستگیری مجاهد خلق آنهم بهانهایم جاسوسی به مقر یک قدرت نگاه حیرت کرده‌بودند . همانهائی که با ملاقه‌وبگرانی از دوسه‌ماهپیش جریان‌رویدادهای‌مربوط به این حادثه را تعقیب کرده‌بودند .همانهائی که با ملاقه و بگرانی از دوسه‌ماه پیش جریان رویدادهای‌مربوط به این حادثه را تعقیب کرده‌اند . و همانها که سرانجام به سکناهی وبراقب سعادتی پس کردند و در روز ۵۸/۲/۱۲ با ـ راهپیمائی پرشکوه خود ،ارادی‌واراخواستار شدند همانها که سعادت‌گسترده‌سیوهای

> ازدحام انبوه جمعیت درخلودرب سنته دادستانی جمهوری اسلامی ایران برای آزادی مجاهد صبر محمدرضا سعادتی .

بشان را همین‌جوری مثل شما روی سینا سگرفتند و سگفتند به ما اجازه‌داده‌اند و باآقای فلان الان نمیتوانیم باکمانه کنیم شما بگوئیم بعدا" باید بیائید .البته مجدور ، باید‌ار بدنی خبره باید و در ـ جواب گفت : حالاطور ! ؟ طلک

البته در مقابل این جمعیت عمده دیگری هم‌بودند .مثلا" عده وعالیهای مساجدشان آشاوود ،تعدادی ازآنهارا‌فعلا" در میان افراد معدودی که آرور سلاش سگردند راهپیمائی رابهم برسند ودرگیری بوجود بیاورند . دیده‌بودیم .آرور هم همانجور تکاپو داشتند . صحنه میگردند، بامیرامدادند ، تهدیدمیکردند . وحتی سگردند مردمی را که‌سرانه پشت درهما انتظار سکشیده‌بودار رو بزند و پراکنده کنند . جالب است که در همین احوال که در دادگاه اکیدا" به روی جمعیت بسته بود ، وحتی آن خبره آشناکه‌ان روزراه ـ پیمائی سربسته گروه‌معدودهجوم‌کنندگان بودجلوی در رسید ،در گشوده شد و آنها با تعارف و جلاو وسلواب به‌درون‌تشریف بردند !

اکنون برادر ما پس از چهل‌وچهار روز اعتصاب غذا بنا به خواست ومصلحت حضرت آیت‌الله طالقانی اعتصاب غذای خود را شکسته اجازه‌داده‌است که به دستهای محصن حرم وصل کنند.ماانتظار میکشیم و امیدواریم که برادر ماسعادتی هرچه سریعتر سلامت و توانائی‌ازبابد و آمادگی حضور در یک دادگاه علنی واقعی ،به او آن نوع دادگاهی که‌تاحدی بودیم ، پیداکند . سعادتی و سازمان مجاهدین خلق ایران همواره آماده‌حضور در دادگاهی عادلانه که در پیشگاه‌مردم و خلق تشکیل میشودهستند .تا سیه روی شود هرکه در او غش باشد .

الیس‌الله باحکم الحاکمین .

× × ×

هنرمندان نیز همپای دیگر رزمندگان خلق در امر تشکل قهرآمیز خلق سهم شایسته‌ء خود را ایفا کنند .

هنرانقلاب . . . .

آنها کاری نیست . وسوسه‌های آنان‌را نیز باید رها کنیم . پس سیستم بازرهای علمیان کدامها هستند ؟ در خدمت آن نیازها هنرمان رابارورکنیم . این نیازها را فقط‌وقتی میتوانیم بشناسیم‌که محور اصلی نیازها تشکل‌برای‌بازندگی‌وآمادگی برای مبارزه انقلابی و قهرآمیز بااامپریالیسم‌و توطئه‌گران داخلی آنها (ارتجاع) است . اگر این را فراموش کنیم‌وبادرست نشناسیم هنرمان نیز به‌بیراهه کشیده میشود .متکیست‌یک عده میگویند حالا که دیگر مبارزه‌قهرآمیز معنی‌ندارد ، حالا محورا‌صلی مبارزه سیاسی است . مگرخود ما الان با چه کسی مبارزه‌مسلحانه‌میکنیم؟ ولی این‌یک دید اشتباه و ناشی از عدم هوشیاری است .اولا" مگر ما متقدمستیم که حال وآینده از دل‌گذشته بیرون‌میآید مگر میشود حال را خلق‌الساعه آفرید ؟ حال وآینده با دقیقا از متن گذشته بیرون آمده .بنابراین اگر میخواهیم اصالت عینیتمان را از دست ندهیم‌باید روی همان خط وذوامدادهمان گذشته حرکت کنیم . گذشته ما چه‌بوده؟ مگر میتوان تصور کردکه پیروزی بدست آمده امروز ،بدون از دست‌دادن‌شهدای‌عنیش مسلحانه‌از سال ۵۰ به این طرف و بیا شهدای ۱۵ خرداد به این‌سوی‌ممکن‌بوده است ؟ مگر میشود گفت که اگرقیام‌خونین ۲۱ مهرماه ۵۷ سود پیروزی‌را به‌دست میآوردیم . در این صورت تکلیف " الفاظون السابقون " چه میشود ؟ همانهائی‌که " مقرب‌تر" اند ،همانهائی که بند زنان‌را شکسته‌اند . آنها که در دیروز ، دیروز تاریک وظلمانی ،امروز و فردا را بخوبی و روشنی میدیدند . امروزیکه اسرهای سنزون وحقفان ودیگنا ، نوری از آسمان بالای سرمان مرتفع عده . امروزی که حداقل میتوانیم همین‌چیزها را نیز بنویسیم ،وفردائی که ابرها همه باران خیزاند ، طراوت به زمین‌بازگشته و لبخندها سطحی‌نیست‌وآدمی‌دروحشت از نامردمی‌ها به سرنمیبرد . بنابراین اصالت آنها را که اصالت راهمان بود ، باید بوسیدن و " اسوه " خودمان قرار بدهیم . باهمان دید آنها به مسائل نگاه کنیم . نیال‌کوچک هنرمان را در خونبار خون‌آنها بنشانیم . خون آنها حیات‌بخش‌است .باور نمیکنید ؟ به توده‌ها نگاه کنید . ببینید آنها در جریان حرکت انقلابشان تاچه تقدسی بنام شهید ومساجد می‌اندیشیدند ؟ مگر همان آنها نبودند که مجاهد را طلاءدار خلق گفتند و مسلسل‌راجواب هدخلق .

گذشته ازاین ، درست که‌درحال حاضر ما مبارزه مسلحانه‌نمیکنیم‌واکنون در مرحله سازندگی هستیم .ولی‌بخوبی میدانیم دشمنان قسم‌خورده مردم ما چه نقشه‌هائی عقب نشسته‌اند . این خوش خیالی است که فکر کنیم آنها دست‌برداردند . آنهاتا آخرین‌نفسشان مبارزه خواهند کرد . الان هم ،هرچند خیلی از کارهای توطئه‌آمیز را انجام میدهند . اما اگر دست بکار خشن‌تری نمیزنند بدلیل عدم آمادگی شرایط است ما نباید بیکسی نشستن آنها را فراموش کنیم .مسلما آنهااگرازدستشان برآید و وقتی لازم بیندند دست به حرکت خونین هم میزنندوشمامیدانید که حرکت امپریالیسم و ارتجاع امنجا چقدر صحیح‌تر از کشتار یک میلیونی مردم اندونزی است .اینجاامپریالیسم با چنگ وندان خواهد جنگید . بخت با وطلیع فارس‌و موقعیت استراتژیک‌ایران در خلیج ، حادثه زیرزمینی‌ناوسیموسا نقش انقلاب ما برای منطقه چای‌تردید و دیرنگی برای‌امپریالیسم وحیاخواران بین‌المللی نمیگذارد . این مساله برای خودشان هم مسجل است که از دست دادن ما سرآغاز یکنزول فاحش ویک سقوط است . بنابراین‌نمیتوانند کوتاه بیایند . وما ازهمین حالاباید هشیار باشیم . از همین حالا باید درنداری آنرور باشیم .بالاخره روزی آنها شلیک خواهند کرد وندوهها نیز روزی مجبور به شلیک خواهندشد . اگر باسلاحهای بیان را از خودمان دور کنیم آن‌وقت "غربانی" شده‌ایم . . . آن‌وقت‌تاریخ و همه مردم ما را لعن خواهند کرد .نه ماخواهند گفت که برای چندمین‌بار به تجربه‌های خونین مردم انقلابی مان پشت کرده‌اید . ما چه عناصرآگاهی‌بودیم که لیاقت حراست از خون شهدای خود را نداشتیم . . . بنابراین همه اشکال دیگر مبارزه ما درخدمت آنرور است . سکوت ما وبا توجه کافی نکردن به آن نشانه این‌است که با دشمن اصلیمان را درست تشخیص نداده‌ایم و با ماهیت آن بی نبرده‌ایم وباشرایط موجودکولمان زده‌است .آنانی‌که‌فکرمیکنند مبارزه‌مسلحانه منتفی‌شده بهترواست ازخودبپرسندواقعا انقلاب یا چه‌انقلابی بوده‌است‌چه‌روابطی بهم‌خورده ،چه‌کسانی‌حاکم‌شده‌اند .اینها برای ابتدائی‌ترین‌کارها این است کهبر مبنای تشخیص دشمن اصلی و نحوه‌برخورد باآن دائما به مردمان‌بدگوشدار وآگاهی دهیم .وضمن‌آنکه‌توده‌هایمان را درجهت بازندگی‌بسیج‌میکنیم به تشکل آنها درجهت مبارزه با توطئه‌های‌امپریالیسم و ارتجاع بپای لازم بدهیم .

پس کار اصلی هنرمندهم در این مقطع درپی‌آید .هنرمندان‌ما اگر میخواهند همراه مردم حرکت کنند . ازآنها جدا نشوند و درگوچه بن‌کوچه‌های ذهن‌های مقیم‌خودکم وکور نشوند واگر میخواهند هنر توده هایمان باشندباید درخدمت جنبش توده ها در مسیرتکامل ، برای سازندگی و آمادگی برای سر خورد مسلحانه با توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع درآیند . یعنی باید خمرتان ، داستان ونمایشنامه و فیلم و مقالتان ، طرح و کاریکاتور و نقاشی‌تان . همواره‌در خدمت این جنبش باشد . مضمونی‌مالیتر برای هنر این هنرمندان در چنین‌مرحله نیست . هنر یک هنرمندهرچه که بیشتر دارای مضمون ضدامپریالیستی و ضد ـ ارتجاعی باشد وهرچه بسیج‌وتشکل‌توده ها را درجهت بازندگی‌و استمرار انقلاب قهرآمیز یاری دهد ، وحتی وتشکل‌خودرا با آن را تشخیص کند عمیق‌تر است . این هنرمند واقعا دارای هنر توده‌ایست‌واین هنر عمیقا دارای ویژگی توده‌ایست .

بنابراین هنر انقلاب را میتوان تعریف کرد ،هنری‌که حول‌تشکل‌واسجام توده‌ها در جهت‌هدفهای‌بازندگی‌انقلاب وآمادگی برای حرکت قهرآمیز ضدامپریالیستی وضدارتجاعی در این مرحله موجودیت یافته باشد . این ، هنر انقلاب است . وهنرمندان ما باید درچنین‌بستری هنر خودرا براورد کنند .

به امید آنروز . . . . روزی که

هنر انقلاب

مابه ابرمردان هنری معتقد نیستیم، به توده‌ها معتقدیم. بنابراین توده‌ها خود بزرگترین هنرمندان‌اند. به‌شعرها، نوشته‌ها، سروده‌های توده‌ای نگاه کنید. چه‌عمق واحساسی‌که در آنها خوابیده نیست؟ آنها کلاس شعری ندیده‌اند. مطالعه کلاسیک‌شعری نداشته‌اند، صنایع و ظرایف‌هنری را نیز نمیشناسند. اما شعرشان حرف دارد. به سرودهها و سرودهایشان در همین چندماه قبل از سقوط رژیم نگاه کنید به شعارها نگاه کنید. عمیق‌ترین مضامین ایدئولوژیکو هنری درآنها دیده‌میشود شعرهایشان دستوپای شاعران کارکشته و استخوان خوردکرده ما را بواقع‌بسته است. بنابراین وظیفه‌ما در وهله اول گسترش هرچه بیشتر این نوع هنر که خود ساره‌ره با انواع هنرهای‌انحرافی‌را همراه‌دارد، میباشد. باید توده‌ها رابه میدان کشید. بدون توده‌ها کاری‌نمی‌توان کرد. ترجیح‌میدهیم‌صدتا هردست سوم داشته باشیم تا ابرمردی با یک خروار اسم ورسم هنری. آنهاکه‌به هنر تنها وتنهابصورت یک تخصص‌نگاه‌می‌کنند، پیوندی با جنبش نوین خلقمان ندارند. بگذارابن دسته از "هنرمندان" هرچه میخواهند بگویند. بگذار در پیله‌های تنهائی خود ازسطحی‌بودن، از عادی بودن، از احساسی بودن، هنرمندان توده‌ای بگویند و بنویسند. اما مابک موی این هنر مردمی را به تمامی دفترها ونوشته‌های‌آنان‌نمیدهیم. هنرمندان توده‌ای‌وهنرشان‌اصالت‌دارند چون‌درارابطه باحرکت‌مردم‌متولدشده‌اند چون درارابطه‌باجنبش‌وازمتن آن‌جوشیده اند. هرکس بامجاز توده‌هادر حرکت انقلابیشان اعتقاد نداشته‌باشد، بیشک سطحی‌بین وسطحی‌اندیش است. این هنرمندان توده‌ای هرنقصی‌هم‌که‌دارند، باشد. مهم درخط صحیح‌بودن است. اصالت داشتن است. بقیه چیزها در همین رابطه حل شدنی است. بزرگان وته ابرمردان هنرمند آینده ایران و از ایران خواهند بود. ایران‌هزارو یک اشکال دارند. اما نطفه‌های هنرانقلاب همین‌ها هستند. نه اینکه‌بشکل‌توجیهی نداریم. نه بلکه شکل هنری دقیقا در رابطه با این محتوای‌توده‌ای‌باید‌بوجود بیاید. اگرتوده‌ها را ازدست‌بدهیم‌باید فاتحه هنرمان را بخوانیم. مهارت‌و تخصص هنری‌گرچه‌ارزش وارج‌بسیاردارد و تعالی هنر بدان مشروط است. ولی با ارزش‌تر از عوض اصالت توده ای هنر است خودانبودنش آرمان زندگی و مبارزه‌مردم است. و باید در همه حالت‌درخدمت مردم ودرجهت‌مبارزه‌ آنان باشد. هم‌ازحرکت‌مردم‌بجوشدوهم درخدمت زندگی انقلابی‌شان باشد.

چگونه هنرتوده‌ای‌را عمق وجهت دهیم؟

تنها درگسترش‌هنرتوده‌ای‌کوشیدن کافی‌نیست. این گسترش‌باید‌بعددیگری هم‌داشته‌باشد. وآنهم عمق‌بخشیدن‌به‌کار آنهاست. تا جهت‌صحیح‌توده‌ای‌گیرد و ازخط انقلابی توده‌ها جدا نشود. چگونه میتوان به هنر توده‌ها عمق بخشید؟ ... درخلاء زندگی‌نمیکنیم به مشکلات و محدودیت‌هایمان، دوستان ودشمنان، بیشتر ازدیگران آشناییم. دشمنی داریم‌تا بن‌دندان مسلح (امپریالیسم‌غدار) و مجیزبآخرین‌تجربیات ودستاوردهای زحمات بشری. با "هنر" وماهیتی جهانخوارو ددمنشت، که‌هیچ رابطه‌انسانی‌رانمیتواند تحمل کند. و نتیجتا "هیچ چاره‌ای جز برخوردمتقابل و خونین برایمان نمیگذارد. از سوی دیگر خودمان راهم‌میشناسیم. بخوبی میدانیم که " هنر" یک شکل ازمبارزه است. اماهمه‌آن‌نیست. همانطورکه‌همه انرژی‌توده‌ها نیز در راه‌هنرصرف‌نمی‌شود بنابراین باید امکانات خودمان‌را سبکو سنگین کنیم. مقدار انرژی را که میتوانیم وباید‌دراین‌راه‌بگذاریم‌مشخص کنیم ودقیقا متناسب با آن ببینیم چه کاری میتوانیم‌بکنیم؟... در مقابل وضعیت ما، دشمن چه میکند؟شیوه‌های عملکردش چیست؟ بخوبی میدانیم ما در حال حاضرهمیشه، درمقابل‌تکنیک و امکانات دشمن‌تقریبا "مفرم". امابرای مقاومت یک راه داریم. آنهم وحدت‌و تشکل است. قطره‌قطره توده‌ها وقتی جمع شود سیل‌راه‌میافتد، وجلوی سیل توده را هیچ امپریالیستی نمیتواند بگیرد. خود امپریالیستهاهم‌چون این مساله‌را درک کرده‌اندمحوری‌ترین‌کارشان جلوگیری از این وحدت واتسجام است. متقابلا "محوری‌ترین کارما هم‌باید تشکل خلق باشد درجهت مقابله‌بااین دشمنان غدار و تا دندان مسلح. آنها توطئه‌میکنند. تفرقه اندازی میکنند. جهت وافترا میزنند. هنر باید کاملا در جهت عکس حرکت کند. هنرتوده‌ای باید وحدت‌گرا باشد. علیه هرچه که در صف واحد ویکپارچه خلق‌شکاف میاندازد، باید موضع گرفت. باید‌هرچه راکه به‌این وحدت‌عمیق وضروری کمک میکند به خدمت بگیرد. باید وسیله‌ای باشد در خدمت تشکل توده‌ها. تشکل کارگران وکشاورزان و سایرقشرهای خلق هنرمند توده‌ای باید این را عمیقا درک کرده‌باشد، که بدون تشکل‌توده‌ها، پیروزی امکان ندارد. تشکلی‌که‌مست میدهد، رهنمودمیدهد. تشکلی‌که‌می‌بست شکن است. ازطریق همین تشکل‌توده‌ای است که هنرمندو هنرش از سردرگمی بیرون میآیند و دنیالم‌روجریانات نخواهند بود. چنین‌هنرمندی‌هردیف سایر پیشتازان به جلو میتازدو درصف همان "السابقون" است به هنرمندانی که‌اینچنین بوده‌اند نگاه‌کنید، یادیگران مقایسه‌شان‌کنید. به میزان‌کارکردوتاثیر کار هریک در بین توده‌ها دقت کنید. مطلقا قابل مقایسه‌نیستند. شعرچنین شاعرانی، قصه‌شان، نقاشی وفیلمشان، هر یک گلوله‌ای‌است. گلوله‌ای که همراه‌با انفجارش مخزن انرژی‌بی‌انتهای توده‌ها متفجر میشود حرکت‌آگاهانه‌وسعت یافته آنان‌سیل‌میشود. وهمراه‌دیگران‌وهمردیف سایر همرزمان به جلو میتازد. ازاین نقطه‌"روشنفکران‌هم بگذریم‌که "هنر حزبی" و هنر برعاسته از تشکل‌توده‌ها یک هنر قالبی است.

کسانیکه این استدلال را میکنند یعنی" قالب "رانمی‌فهمند. فکرمیکنند اگر " قالب و چارچوب نگیری " یا "چارچوبی توده‌ای وجهت‌دار"نداشته باشند، آزادند. درحالیکه درقبال این " آزادی " بکلی از پهنه‌روندآزادی انسان پرت میشوند. آنهامعنی‌سازمان و حزب‌انقلابی، وتفاوت اساسی آن با احزاب " قالبی " یا فرمایشی‌رادرک نمیکنند. مسلما "اگرسازمان یاحزب خود قالبی باشد، هنر آنهم‌قالبی‌میشودولی اگر یک سازمان خود بزرگترین‌تشکل‌نوآور و خلاق توده‌ای باشد، چه ؟

آنها، لیبرالهای نازک نارنجی‌ای هستند که هنرهان فقط بدرد چهارپا مثل خودشان میخورد. نه یک حرکت تند و طوفانی‌و انقلابی توده‌ها، نه‌یک حرکت قاطع و گزنده که کوچکترین‌زیر وبمش‌نیزبایدحساب‌شده‌باشند. "حرف " آنها از اساس "حرف" است ولی ما میتوانیم از آن به عنوان یک هشدار استفاده کنیم. این مساله‌که‌هنرانقلاب باید درخدمت پیشروترین و متشکل‌ترین سازمان توده‌ای باشد‌بااین‌معنی نیست که ما دچارپاسازی شویم. منظور اینست‌که‌بایدخط مشی‌وسیاستهای آن حزب و یاسازمان راصحیحادرک‌کنیم درآنصاحل شویم واراین طریق جلوی " مغب" ماندگی و "جلو روندگی " انحرافی‌وبیخود وبی‌جهت‌خودرابگیریم مثلا چه بسا خیلی چیزها درست‌باشد ولی‌هرچیز درست راکه‌نباید" هر زمان و هرجا " گفت. اگرمیخواهیم‌سلاحمان کاملاتیجا هنر است، سوء استفاده‌نشود، واگرمیخواهیم‌بیشترین راندمان‌راداشته باشیم، باید این " زمان ومکان " را پیدا کنیم، مرحله حرکت جامعه مان را ببینیم و همگام با آنمرحله‌پیش برویم کارفردی‌هم فایده‌ای ندارد. پس‌چاره این تشکلات خاص‌است که‌باسنجیدن و ریز ودرشت‌کردن کارهابرای ما "خط" تعیین میکند. مثال دیگر، ما بامسائل مختلفی در هرمرحله سروکاردارید، یک یک هنرمند باید دست روی‌کدامشان بگذارد؟ مسلماً اصلی‌ترین آنها. اما بسیار سنجیدن این "اصلی ترین ها کیست؟ شخص هنرمند؟ نه، اینجا تشکیلات، سازمان‌و حزب و در نهایت نماینده توده‌هاست، که بصورت جمعی کارمیکند و مسائل رااصلی‌وفرعی‌میکند بنابراین هنرمندهم مانند هرکس‌دیگری خط انقلاب و جهت حرکت رامیگیرد. اما به هیچوجه‌با آن بصورت انفعالی برخوردنمیکندآنهارا کپیه نمیکند. بلکه در درون خودش آنها راهضم میکند. درنتیجه آنها تبدیل به خون وگوشت واستخوان او میشود. وبعدبشکل خاص و زبان خاص هنر ابراز میشودوموجودیت جدید پیدا میکند. دراین‌برخوردبرگشت دیناميک‌مسلما "هم خودما"وهم‌خود هنرمند فنا می‌یابند. وتاثیر اجتماعیش نیز چندین برابر میشود.

دراینجا یک نکته‌بسیار بسیارمهم حلبنظر میکندکه آنهم اینستکه‌هنرمند نیز یک مقوله اجتماعی‌است. هرچه‌این پیوند هنرومردم، هنرودردهای اجتماع و هنر وتلاش ومبارزه توده‌ها عمیق‌تر باشدتاثیرش هم بیشتر است. بایداین پیوند اجتماعی را هرچه‌بیشترومستقر کرد. پس اولین رهنمود برای زراشو کردن هنر توده‌ها بدست میآید. برای این که‌همزمان‌هرچه‌بیشترباروردشودوبرای این‌که هنر توده‌ای هرچه بیشترگسترش یابد، باید توده‌ها را متشکل کرد و در خدمت تشکل‌توده‌ها بود. این‌بزرگترین خدمتی است که ما میتوانیم‌به‌هنر انقلاب بکنیم و بهترین جهتی‌است‌که میتوانیم به هنر توده‌ای‌بدهیم.

اما مضمون این وحدت‌وتشکل‌چه باید باشد؟تشکل بدون محتوی‌که‌ممکن نیست. این تشکل‌باید‌درجهت‌محوری‌ترین شکل مبارزه با امپریالیسم باشد بصورت دیگرمضمون تشکل باید‌وحدت بخشیدن وکانالیزه کردن همه" اشکال ممکن باشد. در جهت محوری ترین مبارزه" مردمان. هنر توده ها چون از خود آنهاست‌دیگر مبارزه"آنان و در خدمت اصلی‌ترین ومحوری ترین آن نباشد، اصالت خود را ازدست‌می‌دهد. تنها راه‌عمیق‌شدن‌مبارزه‌ای‌رفتن و گم نشدن تشکل حول همین "محور" است. اصلی‌ترین‌تشکل‌مبارزه‌رادرک‌کنیم برپنهای این محور نیازهای جنبش‌را ارزیابی‌کنیم و ببینیم هنر چه کمکی میتواند دراین راه کند. دوباره‌بگوئیم این فکر را نکنید که هنر دراینجاقربانی میشود. این فکر مال‌همان هنرمندانی است که سالیا تلاش کرده‌اند وهنوز هم اندر خم یککوچه‌اند... این تصوررا برای‌همانها بگذارید. هنر ماچیز دیگری است. ما ازدریچه دیگری بمسائل نگاه میکنیم. اینها همان لیبرالهائی‌هستند که میگویند اگردرخدمت یک‌جریان‌توده‌ای باشیم " فردیت انسانی‌مان" و یا "ابتکار و خلاقیت" خود را از دست میدهیم. اینها نمیخواهند فردیتشان قربانی‌بشود آنها را به فردیتشان واگذارید، بگذارید آنها درعوض قربانی شدن در راه مردم در راه خودشان قربانی شوند. ما را با

بقیه درصفحه ۵

پیامی در رسالت قلم

ابزاری‌بزبان مانند. آفرینش" ابزارها "که چیزی جز تجسم فنی‌ومادی آگاهی‌های انسانی نیستند نیز ویژه نوع انسانند. به همان سان که‌کتاب خدا نیزمیگوید.... "یابنی آدم قد انزلنا علیکم لباسا "یواری سواتکم و ریشا" ولباس‌التقوی خیر ذلک من ایات‌الله لعلهم یذکرون."

ای فرزندان آدم همانا که بر شما لباسی مقررداشتیم که‌عورتهایتان‌راپوشاند و ابزار و سازوبرگی. و لباس رهائی‌بخش تقوا بهترین (و جوهر تمام السنوابزار دیگر آدمی) است. این‌از نشانه‌های‌خدا است شاید که متذکر گردند...)

آری ابزارها مکمل اندامها هستند که بینائی وشنوائی و... چشائی انسانی را در امکانی و اطراف بغایت گسترش میدهند. اندامهائی متصل و تکامل‌پذیر که دامنه عملی بوسیع ترداردند.

باینترتیب رسالت ومسئولیت قلم همان رسالت ومسئولیت زبان وسرانجام خودانسان‌ونوع‌اوست. قلم‌نمادی است از هستی، فشرده‌انسان. سمبل آگاهی‌ودوشادوش آزادی. وسیله انتقال و پراکندن آگاهی وسبز زوال مخشیدن و گسترش‌دادن به آن پس پیام قلم پیام آزادی است و حریت. یعنی‌پیام انسان وتاریخ که باید سیری مداوم از حیوانیت محض را بجانب مطلق ارادی و رهائی تحقق بخشد.

ازسوی دیگر قلم‌هیچ‌باسلاح‌تمامی میشود. همچون رابطه مغز وزبان یادست که یکی مشتاق‌ومشتاق‌ساندوراهبری‌میکند ودیگری خراب میکندومیازدو خشم‌میدهد و غلامیه جهانی نو میسازد. براستی هم که کدام اسلحه بدون قلم‌کارآمدست؟ و بدیهی‌است‌که‌تاثیرات‌گسترده‌یک قلم کارآمد هرگزبا یک سلاح قابل مقایسه‌نیست چراکه حتی در یک واحد انسانی نیزیک زبان معادل دو دست ودوپاست. امسا وحدت سلاح وقلم، وحدتی است درون ذات که از کلیت و هویت واحد انسانی برخاسته میگیرد. بنابراین‌همچنانکه‌میدانیم در تاریخ شاهد آن بوده‌ایم بریدن زبان و شکستن قلم با بستن دست و برنجیر کشیدن پا قریس بوده‌است. قرینی شوم ناسیون‌که‌در هرحال مضمون‌واحدصدآزادی داشته و دیو استبداددرابرجای‌فرشته‌حریت نشانده‌است.

آری، رسالت قلم که پا برسلاح به پیش میرود همان رسالت انسان است که در تحقق آزادی متوان آن راخلاصه کرد. در این اتحاد قلم‌سمبل آگاهی و بینش و سلاح (که عامل اجرائی است) مظهر خواست، اراده‌وعشق و شور است. چنین است که اندیشه وعشق که درچارچوب "ایمان " یکی میشوند و فلسفه واحدی می‌یابند، دست در دست‌هم‌کوه ومکان را درمی‌نوردند. پس جامعیت قلم در سلاح وبنیان سلاح در قلم است. پس صاحبان این دوعنصر اگر به چنین‌اتحاد و وصلت بیجت اثری، نپیوندند، پیوسته ناقص، عقیم و نابارور میمانند.

و ما امروز در سده آن هستیم که درسایه این وصلت که از آغازبدان‌معتقد بوده‌ایم، در مسیر خدا وخلق‌به "ایمان" بازهم بیشتر دست یابیم. دراینصورت اثبات کرده‌ایم که به رسالت و سوگندقلم وفاداریم. رسالت وسوگندی که مقدسا" مستلزم صداقت و درستی است والاچگونه میتوان از هدف و رستاخیزحقیقت‌جویانه و رستگار کننده‌آن دم‌زد؟

اگر زبان اندام‌کلمات‌است، پس‌وای بر زبانی که‌کلمات را بدانسان که حقیقت را دگرگون و واژگونه و تحریف کندوآنها را در غیر مواضع واقع‌گرایانه خود بکار برد. اینست همان خیانت مستمری که‌به دلیل وسعت آثارش ابعادی مماسه‌نایذیر دارد. تفی ولعنت نثار چنین زبانها و قلمهای نفرین شده باد.

" فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَ جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا" مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَ لَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا" مِنْهُمْ "

(... پس بواسطه شکستن میثاقشان لعنت (نفی)شان کردیم وقلبهای آنها را سنگین و گران‌بار کردانیدیم. چراکه کلمات را از مکان‌شایسته خود جابجا و تحریف میکردندو فراموش کردندبخشی از آنچیزرا که بدان یادآوری و تذکر داده‌شده‌بودند و گاهی نیست‌که بر خیانتی ازایشان آگاه نشوی مگر اندکی ...)

اینجاست که باید قلم‌فروشان و صرافان کلمه را، هرچندهم‌ظاهری‌مصنون و حقوقی مطمئن‌داشته‌باشند، در هداد سایر آدم‌فروشان وآدم‌کشان محکوم‌ساخت چرا که ایشان به مثابه دستیاران شیطان همان تاجران کلمه اعلای انسانی‌اند که در فرشته آزادی تبلور می‌یابند. حرفهای سخت سفله و بی‌مقدار، که ابعاد و کمیره گناهش هرگز با تن‌فروشی حرف‌قابل‌قیاس نیست.

اکنون میتوان فهمید که سوگند قلم تاچه پایه عظیم ولرزاننده‌است.

مجاهدان

((مجاهـــدان))

* * *

دربهنه خون گرفته تاریخ
باران بکشید بادبانهارا
خورشید سراز افق کشیده،سرخ
آتش‌زده‌است آسمانهارا

*

دولرزه بیفکنید دشمن‌را
باقهقهه‌ای چو رعد آتش‌خیز
پارو بکشید و راه بسپارید
باسینه‌ای ازخروش وکین لبریز

*

درساحل تیره‌خراب‌آباد
مارابخدا توان ماندن‌نیست
خیزید و به موجهابیندیشید
دندان به‌جگر فشردن از کافیست

*

ساحل زشما،هلا،شتابان‌که
در عرصه انقلاب گم‌بودید
سوسوی ضعیف کرمک‌شب‌تاب
در پهنه آفتاب گم بودید

*

ساحل زشما که درزمان‌دادید
همواره به لب پیام‌نامردی
درسنگدههای ساحل خاموش
تا صبح زنید جام‌نامردی

*

اما چو سپیده سرکشد باری
ازپهنه‌خونگرفته فردا
چون خاروخسی حقیرو بی‌مقدار
بازبچه موج وساحل دریا

*

دریا چوگرفت روی آرامش
ازخانه برون‌شدند نامردان
درلانه فرو روند بی‌شک باز
باکوبش موج‌اولین طوفان

*

با شعله بگو کداری آری ما
با پاتک سیاس سرنشانیدیم
پیشانی پاک خویشتن را جز
در بارگه سحر نسائیدیم

*

باشعله بگو کداری آری ما
عصیانگر پرتوان،چو طوفانیم
میگو کدمنافقیم و مشرک لیک
بالنده‌ترین پیام‌قرآنیم

*

بگذار که تازیانه کوبد موج
بر پیکر لخت ما دراین دریا
غرنده‌ترین سرود طوفانیم
بی‌شک ، چوبرآید ازافق فردا

*

در لجه خون گرفته تاریخ
باران بکشید بادبانها را
خورشید سر از افق کشیده،سرخ
آتش زده‌است آسمانها را

(۱۳۵۸ / ۳ / ۸) *

خلاصهٔ اخبار هفته

از مطبوعات ـ رادیو

۲۵تیر ـ رئیس ستاد ارتش تیمسار فریدگفت : اگرلازم باشد ارتش برای حفظ نظم وجان ومال مردم درمریوان وارد عمل خواهدشد . وی درسخنرانی خوددردانشگاه علوم‌و فنون در۱۲ خردادماه گذشته‌گفته بود" ازحضورارتش درمقابل ملت متنفریم" .

۲۵تیر ـ هادی طباطبائی سخنگوی دولت اظهارداشت درصورت لزوم نیروو سهمات به غوزستان فرستاده می شود .

۲۶ تیر ـ سرتیپ امیررحیمی فرمانده دژبان مرکزگفت: ارتش با توپ و تانک بهتراز پاسداران می تواند به سرکوب ضدانقلاب بپردازد . او اضافه کرد: اگرقرارنیست ارتش بروی مردم آتش بگشاید ، پاسداران نباید چنین کنند .

۲۶تیر ـ داریوش فروهردرسخنرانی درستاد نیروی دریائی گفت : واحدهای ارتش(نیروهای دریائی هوائی وزمینی هرگزنباید که درپر خوردهای داخلی دخالت کنند .

۲۷ تیر ـ درقطعنامهٔ راهپیمائی وحدت روزسه شنبه خوانده‌شد : " ما خواستاردخالت مستقیم ارتش و نیروهای انتظامی درسرکوب عوامل ماجراجو آفرین هستیم .

۲۹ تیرماه مربوط به حفظ وبرقراری امنیت آذربایجان غربی به لشکر ۶۷ ارومیه واگذارشد .

■■■■■■
■■■

۲۳تیر ـ سخنگوی امام درقم‌گفت : رهبری انقلاب ازسرتیپ امیررحیمی خواسته است علیرغم فرمان اخراج درپست خودباقی بماند .

۲۳تیر ـ امیررحیمی درارابطه با دروغ محافظ خودگفت : اگریک مستشار آمریکائی واردارتش شودمن فوراً استعفاخواهم داد .

۲۵ تیر ـ سرتیپ ربانی دومین وزیر دفاع جمهوری اسلامی ازسمت خود استعفاداد . گفته می شودایـــن استعفا درپی مسائلی که‌هفته‌پیش درزمینهٔ برکناری فرماندهٔ دژبانی صورت‌گرفته ، انجام شده‌است .

۲۶ تیر ـ سخنگوی دولت هادی طباطبائی گفت : استعفای تیمسار ربانی ممکن است دارد . وزیردفاع چندروز است که بعلت بیماری وخستگی زیاد کارهای خودرادرمنزل انجام می دهد" .

۲۹تیر ـ درپی ملاقات هیئت دولت ، شورای انقلاب با امام خمینی تیمسار رمزیرالله امیررحیمی ازپست فرماندهی دژبان مرکزبرکنارشد . هاشم صباغیان وزیرکشورا علام‌کرد : " باحتمال زیادفعلاً مسئولیت (پنجشنبه ۲۸تیر) فرمانده جدید دژبان مرکزاانتخاب واعلام خواهد شد" .

۲۸تیر ـ سرتیپ امیررحیمی گفت : هنوزبرسرکارم هستم ودرمصاحبه‌ها بارسانه‌های گروهی،مسایل مربوط به مسئله کردستان ومشتاران‌ها رجعی را تشریح خواهم کرد .

۲۰تیر ـ رادیوایران گفت : امیر رحیمی بسمت وابسته نظامی ایران درفرانسه وسنیزبلژیک وسوئیس تعیین شد . سرتیپ "حسین شاکر" ازتاریخ ۴/۲۸ بسمت تیمسار رئیس ستادمشترک ارتش جمهوری اسلامی تعیین گردید . این عنوان راقبلاً" فریدداراابود . سرتیپ حسین شاکرقبلاً" رئیس هیات علمی دانشکده افسری بود .

* * *

۲۴تیرباتوجه باینکه چهیک از مسئولین کمیته‌ها ،سپاه‌پاسداران مسئولیت کارهای کمیتهٔ سفارت آمریکارانمی پذیرندوباتوجه به اینکه آمریکا ۲۵ سال بطور مستقیم برمنابع نفتی ایران راتحت داشت ،مقامات بایدبگویندکسی مسئولیت کارهای کمیته‌سفارت به عهده چه کسانی است . (انقلاب اسلامی) .

۲۴تیر ـ دکترلاهیجی وکیل مدافع سعادتی:باذکردلیل به تشکیل دادگاه ویااعتراض وآنرا غیرقانونی اعلام‌کرد .

۲۵تیرمحسن نزیه،مدیرعامل شرکت ملی نفت ورئیس هیئت مدیره‌کانون وکلا، اظهارداشت :محاکمهٔ سعادتی درچنین شرایطی مطلقاً "قابل توضیح نبوده‌ودرفانا انقلاب نیست

۲۵تیررئیس کمیسیون حقوق بشر ملی اصغرحاج سیدجوادی اظهار داشت : محاکمهٔ سعادتی بایـــن صورت نبودداست واربابدرداد کشوری محاکمه شود .

۲۳تیر ـ درپی عدم تشکیل دادگاه سعادتی اظهارداشت : فقط‌درداد گاهی که دردادگستری تشکیل شود، شرکت می کند .

۲۷تیر ـ دکترکاتوزیان اعلام‌کرد: باتوجه‌باینکه امکان داردرمحاکمه‌سعادتی مسائلی درتعارض‌زمینه ها عنوان شود ، درجهت مصلحت انقلاب است که محاکمهٔ سعادتی به عقب بیافتد .

۲۵تیر ـ سازمان مجاهدین خلق طی اعلامیه‌ای دادگاههای انقلاب راخاقدصلاحیت برای رسیدگی به پروندهٔ سعادتی دانسته‌ووحشت دادستانی انقلاب راازاخاله پرونده وی بدادگاه را موردسؤال قرارداد .

۲۶تیر ـ آذری قمی دادستان انقلاب تهران : اتهام سعادتی یکی از مواردی است‌که رسیدگی بآن باید دردادگاه انقلاب بعمل آید .

۲۵تیر ـ بنی صدر دادستان کل : دادگستری فاقد صلاحیت‌برای پرو سی پروندهٔ سعادتی است .

۲۸تیر ـ به توصیهٔ دفترآیت الله طالقانی اعلام شد : اعتصاب غذای محمدرضا سعادتی شکسته خواهدشد .

■■■■■■■
■■■

۲۴تیر ـ آیت‌الله شیرغاقانی با صدورا علامیه‌ای هشدارداد :مرقوبا" اعطارسی کنم منابع‌ومنابع وتا ـ سیسات نفتی مملکت‌که به تمامی ملت ایران تعلق داردرخطراست .

۲۴تیر ـ آیت الله غاقانی دریک مصاحبهٔ رادیوئی ضمن اعتراض به اظهارات دادستان انقلاب خرمشهر وآبادان ونیزاعلام اینکه‌قواعد منعقده اجرانشده‌است . گفت : ترس ازاین دارم که درمنطقه خوز ـ سستان انفجارشدیدی روی دهد .

۲۶تیر ـ بدنبال انفجارنارنجک درمسجدی درخرمشهرتیمسارمقدمی استاندارخوزستان اعلام داشت باز غائله حضرت‌آیت الله غاقانی و اطرافآن بسوی مردم شیراندازی شد . وازمنزل ایشان مقداری مهمات کشف شد .

۲۶تیر ـ پاسداران به منزل آیت الله شیرغاقانی رفته ووی راازخرمشهرخارج نمودند .

۲۷تیر ـ تیمسارمدنی اظهارداشت : آیت الله شیرغاقانی به تمایل خودشان ازخرمشهرانتقال داده‌شدند وقریباً" به قم خواهندرفت .

۲۰تیر ـ رادیوایران گفت : آیت الله شیرغاقانی طی اطلاعیه‌ای گفته است : ایران یک کشورمذهبی است‌نه تزادپرست . بهیچوجه‌بکسی اجازه نمی دهیم‌چه درخوزستان وچه درجای دیگرتوطئه کند....

■■■■■■
■■■

ازچه دیدگاهی درانتخابات...

دارند تا درقبال قوانین سرنوشت ساز اساسی ،ارزشهای مکتبی‌را در وسیعترین سطح ممکن بصورت ارائه‌کنند .برای ما قبل از آنکه مساله این باشدکه‌این‌ارزشها بصورت قوانینی‌مدون و مصوب پذیرفته شده درآید . آشنائی توده‌های‌مردم‌بااین ارزشها مطرح است . بدین ترتیب بجای آنکه به قیام وقعودهای پارلمانی‌که یک چند ارزش وقانونی‌را میپذیرد و یکچند نیز خلاف آنها تصویب میکند ، چشم دوخته‌ایم به انتخاب وجدان‌وآگاهی توده‌ای از ارزشهای رستگاری‌بخش اسلامی نظر دوخته‌ایم . همان ارتقاء سطح‌شعور و بینش اجتماعی‌مکتبی‌که‌درمسیرافزایش خود برنامهٔ‌شرایط ذهنی را که لازمهٔ یک انقلاب پیروزندحقیقتاً اسلامیست ، تدارک خواهد دید . انقلابی که موانع هرچه بیشتر آشنا شوند ودهان کاذب‌و ریاکار را از رهروان‌راستین بیش از پیش بازشناسند . وقتی ما بفرجام‌پیروزندانن مبارزه عادلانه ایدئولوژیک مطمئن‌هستیم، وقتی میدانیم کهچه انواع اسلامهای ! شرکاسر وطیفاتی وآمیخته به جعل و تحریف سرانجام مغلوب اسلام واقعی ، ابراهیمی ،محمدی، علوی ،حسینی و.... میشوند ، پس دیگر از ورود به این‌مبارزه چه باک . بی‌جهت‌نیست که راستگرایان و مرتجعین بسی توجیح میدهند که عنصر موحد مجاهد دم فروبندد و صحنه رابه تمام و کمال،رباینان عالی‌گذارد .

اینجاست که برای‌ورود هرچه‌فعالتر به صحنه ما ناگزیر میشویم که برای‌بخشی نمودن توطئه‌های ارتجاعی،که تلاش‌دارد ما رابه انزوا بکشاند . درصحنه سیاسی دست به پیوندهای ائتلافاتی بزنیم‌که‌چه ما در مواردی و ازجهاتی هرگز کمال مطلوب نیستند ،اما بطور نسبی‌میتوانند تهدید اصلی (خطر راست) را خنثی‌ویا کاهش دهند .

۲ ـ پاسداری از دستاوردهای انقلابی و بسیج توده‌ای ـ درحالی که رفرمیسم وسازشکاری‌باساس‌ارتجاعیان تلاش دارند که انقلاب ودستاوردهای انقلابی را بی‌اثر ساخته وانقلابیون را بترک صحنه وادار کنند . درصحنه‌سیاسی نیز ما مجاز نبوده و نیستیم که میدان نبود راخالی‌گذاریم . اگرچه به روشنی میدانیم که بسیاری‌ازشرایط‌فوق‌بازی را حریف دیکته میکند ، بعنوان مثال زمین مناسب ، ساعت و شرایط شروع ، داور موضعی صحنه و .... همچیک در اختیار ما نیست، اما همان تریبونهای بسیار محدودی که میتواند در اختیار ما قرار گیردنیز آنچنان تاثیراتی دارند که ما نباید از آنها صرفنظر کنیم . تاثیراتی‌که در دراز مدت بی‌تردید عملکردهای‌خیری خود را در وسیع‌ترین سطح ممکن آشکار میسازد .

۳ ـ پاسداری ازآزادی ـ اعتقادت اصالت آزادی انقلابی در روند تکامل فرد و اجتماع ایجاب میکندکه برای‌احراز آن ،هرفرصت و امکانی را مغتنم بشماریم و به اکتساب آن بهمر صورت اقدام‌کنیم . ما اعتقاد داریم که بدون‌آزادی واحترام به اعتبار و حریت بشری‌هیچ فضائی‌برای تداوم انقلاب و تکامل فردواجتماع باقی نمی‌ماند بنابراین‌انقلابیون مسلمان نمی‌ـ توانند دراین رابطه هیچ مرحلهٔ را نا ـ دیده بگیرند ،اگرچه این فرصتهادیوار ـ های بلند انحصار طلبی سخت محدود شده باشد . بویژه کهمدانیم چنین دیوارهای هیچگاه بدون شکاف و فارغ‌از تناقض وتضاد نیستند . همان شکافهائی‌که خلق های‌تحت ستم بصورت ارمان آنها بدرون درزهای خودکامگی و ارتجاع نفوذ کردهاند .

با توجه به‌مواردفوق عنوان‌نتیجه گرفت که با الهام‌ازچنین دیدگاههائی ، دیگر هیچ موجبی برای عدم شرکت‌فعال در انتخابات موجود نیست .بعبارت‌دیگر وفاداری بهاین‌دیدگاهها در شرایطی که هنوز امکان‌تاثیرگذاری دموکراتیک مطلقاً" از ما سلب نشده، شرکت فعال را اقتضا میکند . والا بدیهیست که عدم شرکت و یا تحریم موجه‌تر بود . لیکن‌مدانیم که چنین راه حلی غلط در اوج تضاد با نهادها وسیستم موجود ، مطرح‌است ،یعنی موضعی که یک نظام یا سیستم از عناصر انقلابی و ترقی‌خواهانه بحمایت نمی‌شد ، باشد .

شرکت فعال‌نیروهای‌انقلابی‌همچنین جریان افشاء ماهیت ریاکارانه‌واستعمار ـ طلبانه مدعیان کاذب اسلام و مسلمین را تسریع خواهد نمود . همان‌مدعیان قشری که متاسفانه از نام رهبری انقلاب نیز به نحو کاسبکارانه‌ای سوءاستفاده‌می‌ـ کنند . همان‌جاکه کوبا امام بیدل‌برخوبی از آنها دارند .

ازجهت‌دیگرنیز ضرورت شرکت‌فعال در انتخابات برای ما مطرح‌است .ضرورت حرکت هرچه بیشتر بجانب وحدت ضد استعماری تمام نیروهای خلق بطور اعم و نیروهای ترقی‌خواه‌مسلمان بطوراخص،به عنوان یک دیدگاه قطعی واجتناب‌ناپذیر توضیح اینکه ایستادگی و مقاومت دربرابر اردوی راست که میرود تا نه‌تنهاخودبلکه اسلام وانقلاب و رهبری‌رانیزمخدوش‌وبی‌ـ اعتبار سازد ، در قدم اول تنها و تنها باهم‌آهنگی و مستلزم متحد جناح‌انقلابی و رادیکال و ترقی‌خواه مسلمان امکان‌پذیر است . واینهم بدیهیست که در چهارچو ـ بهائی نظیر همین ساله انتخابات‌میسر است . یعنی بر سر مسائلی‌که‌هر نیروئی ناگزیر به موضع‌گیریست .بعضوی‌که‌چه‌ما سکوت کردن عادل ما تفی شدن‌وماهیت باپی‌توجهی وبی‌اعتباری‌عمومی‌باشد .اینجا است که ضرورت موضع‌گیری ،ضرورت‌ایجاد و یافتن یکسری رابطه‌هاوا در جهت وحدت با نیروهای‌منظم ودرجهت‌بردن و دورشدن ازنیروهای ماهیتاً"متخالف) پیش روی میگذارد .

میدانیم که دیدگاه وحدت‌گرایانه از ابتداء تا انتهای نبرد ضدامپریالیستی یکی از اصول تردید ناپذیر مابودهوده‌ـ باشد . پس از انقلاب ،با جدیت تمام به جوه خود تلاش کردیم‌که به‌چنین‌وحدتی در کادر نیروهای مسلمان مبتنی‌بخشیم . همان‌وحدتی که ازاین پس امیدواریم در گسترش ابعاد آن هرچه‌موفق‌ترباشیم .اگر این وحدت یک ضرورت است ، پس کلیه نیروهائی که در اصول ناظر براین‌مرحله (مرحله انقلاب ضدامپریالیستی) تضاد و تعارض نداشته‌باشند ، مرضطر از هر توهان سیاسی یا تشکیلاتی ، دیر یا زود بآن خواهند رسید . ما متشافانه در مسیر مکتب و انقلابمان چنین روزی را انتظار میکشیم .

۲۷تیر ـ جنبش ملی مجاهدین بهمراه هی جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران ،جنبش برای آزادی وسازمان اسلامی شورایها می سیاست سال روز سی ام شهریورشناده وضعیت گرا می‌داشت خاطره" این روزهمه" نیروهای مبارزو مردمی رابه وحدت عمل درسراسر توطئه‌های امپریالیسم وارتجاع دعوت می نماید .

قیام سی‌ام تیر...

کردن‌مردم ،نادیده‌گرفته‌شد .

۲ـ روز پیروزی قیام ، دروحدت یکپارچه ودر جنای عینی و واقعیتی این وحدت بود .

بعضی وحدتی حول‌محور ضد ـ امپریالیستی ، که دو تجسم عمده‌داشت یکی شرکت فاترنگ نفت ایران وانگلیس واستعمار حامی اش ، و دیگری دربار شاه پهلوی. این توسل ضد خلق مورد هجوم مردم واقع شده بودند . از این دو دژ استعماری ، اولی با هم بشتی مردم و رهبری قاطع مصدق فرو ریخت . ودومی هدف‌مرحله بعدمبارزه بود که مردم به طور طبیعی متوجهان شده بودند . ۳۰ تیر اوج احساسات‌ضد سلطنت بود که موجهای‌بعدی‌آن منجر به فراری شدن شاه گردید . اگر این روند بطور طبیعی ادامه پیدا میکرد لزوماً" به واژگونی‌کامل رژیم سلطنتی می انجامید . البته تفرقه در صفوف خلق و توطئه های امپریالیسم‌این‌روند را قطع کرد و این نظام منحوس را۲۵ سال دیگر دوام بخشید .

در هر صورت قیام خودانگیخته ۳۰ تیر بار دیگر آماده بودن توده‌ها را برای انقلاب رهائی‌بخش و استقرار رژیم مستقل و مردمی نشان‌دادو روشن ساخت که تبلور این آمادگی دروحدت توده ها دربرابر امپریالیسم و ارتجاع داخلی می باشد .

۳ ـ یکی دیگر ازدرسهای‌سی‌تیر مسئله ارتش و حساسیت آن بود . با دخالت فعال ارتش علیه‌مردم وحکومت ملی ، مصدق متوجه ارتش به مثابه عمده ترین تکیه گاه استعمار و دربار گردید ، ودست به کار تصفیهٔ ارتش شد ، که متاسفانه ناکامل بودودیدیم که بالاخره به دست همین ارتش‌بودکه کودتای ننگین ۲۸ مرداد شکل گرفت . اما تصفیهٔ ارتش باعث شد که از آن پس کانون افسران بازنشسته به مرکز توطئه علیه حکومت ملی تبدیل شدکه نمونهای حادثه ۹ اسفند و توطئه قتل مصدق است . این توطئه ها در عکل گیری توطئه نهایی کودتای ۲۸مرداد ، اثری تعیین کننده داشت نکته عمق‌تری که این تجربه داشت این‌بود که ارتش شاهنشاهی علیرغم دگرگونیهایی‌در فرماندهی و تصفیه در آن ، بدون دگرگونی بنیادی در نظام و روابط ، هرگز ماهیت مردمی نخواهد یافت .و درموقع مقتضی خرمخود راوارد خواهد ساخت .

تجربه ای که ضد خلق آموخت :

این قیام برای ضدخلق‌هم‌متضمن درسهایی بودو او این درسها را خوب فراگرفت . وخوب به کار بست .اهم این درسها آن بود که تاوقتی‌نیروهای ملی وسازشجدند . غلبه بر آنهامیسر نیست . اینستکه می بینیم‌بیازده‌تیر وقتی که امپریالیسم کاملاً" از بازیها بترک صحنه وادار کنند . درصحنه‌سیاسی نیز ما مجاز نبوده و نیستیم که میدان نبود راخالی‌گذاریم . اگرچه به روشنی میدانیم که بسیاری‌ازشرایط‌فوق‌بازی را حریف دیکته میکند ، بعنوان مثال زمین مناسب ، ساعت و شرایط شروع ، داور موضعی صحنه و .... همچیک در اختیار ما نیست، اما همان تریبونهای بسیار محدودی که میتواند در اختیار ما قرار گیردنیز آنچنان تاثیراتی دارند که ما نباید از آنها صرفنظر کنیم . تاثیراتی‌که در دراز مدت بی‌تردید عملکردهای‌خیری خود را در وسیع‌ترین سطح ممکن آشکار میسازد .

۳ ـ پاسداری ازآزادی ـ اعتقادت اصالت آزادی انقلابی در روند تکامل فرد و اجتماع ایجاب میکندکه برای‌احراز آن ،هرفرصت و امکانی را مغتنم بشماریم و به اکتساب آن بهمر صورت اقدام‌کنیم .

فاطمه امینی...

و با در اتاقهای تکنجه کشته‌وبادرسیار-سان شهربانی. علیرغم تمام این‌تکنیک-های سیرحمانه‌کلیه اطلاعات فاطمه سالم ماند. او قهرمانانه مقاومت کرد. با آنکه در لحظه دستگیری آدرس چند خانه‌تیمی و ردهای تشکیلاتی بسیاری‌را میدانست و سیماش‌مملو از اسرار سازمانی‌بودولی‌تمام این‌اسرار را تا پای مرگ‌حفظ کردوتلاش-های دشمن را برای دست‌یابی به آنها عقیم گذارد. او سرانجام پس از تحمل عرب پنج‌ماه‌ونیم رنج و شکنجه در ۲۵ مرداد ۵۴ در زیر شکنجه بشهادت‌رسید.

زندگی انقلابی و مقاومت قهرمانانه این مجاهد بزرگ باردیگر باداور عظمت وشکوه آرمانها وعقایدی‌است که او وهم-رزمان شهیدش سالها بخاطر تحقق آنها جنگیدند و درنهایت نیز باننثارخون‌پاک خود راه پیروزی خلق قهرمان مارا سر-نوشتی عظیم طاغوتی هموار ساختند.

فعالیت مبارزاتی مجاهد شهید:

فاطمه زندگی مبارزاتی خود را ۱۰ از سالهای ۴۱ آغاز کرده بود. درآن زمان او در دانشکده‌ادبیات دانشگاه مشهد تحصیل‌میکرد. در همین‌سالهادریک‌محفل مذهبی مترقی در مشهد شروع به فعالیت کرد. در آنجا دوستان همفکری پیدا کرد که بعدها نیز باهم رابطه داشتند. سال ۴۳ از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد و سه-درس در دبیرستانهای دخترانه مشهد مشغول شد. درعین حال کوشش می‌نمود که فرزندان خلق محروم و زحمتکش رادر این مدارس نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی آگاه کند و آنان را با معیارها و مفاهیم‌انقلابی اسلام راستین آشنامازد. سال ۴۹ به تهران آمد. در این زمان‌او در جلسات تفسیر قرآن آیت‌الله‌طالقانی شرکت جست و بینش و شناخت خود را نسبت به قرآن عمق بخشید. فاطمه‌امینی درسال ۴۹ بعضویت سازمان مجاهدین خلق در آمد. در همین سال‌یا یکی از اعضای سازمان ازدواج کردوبدنبال‌ضربه شهریور ۵۰، همسر او دستگیر و به ده سال زندان محکوم گردید. ضربه‌سهمگین شهریور کمترین تزلزلی در ایمان واراده استوار این خواهر مجاهد وارد‌نساخت.

فاطمه دراین زمان‌ضمن‌ادامه‌فعالیت مخفی — سازمانی خود در دبیرستان‌رفاه تهران نیز تدریس میکرد. اومسئول‌ارتباط با خانواده‌های شهیدواززندانیان‌مجاهدین خلق وحل مسائل آنها بود. او مستقیماً" تظاهرات و حرکات اعتراض‌آمیزخانواده‌ها را برعلیه رژیم دیکتاتوری همگام باسایر خواهران خود رهبری میکرد. دراغلب بیدادگاههای نظامی شرکت کردواطلاعات مهمی از درون اتاقهای دربسته بامعوده بیرون آورد. اوهم‌چنین در ملاقات با زندانیان مجاهد، یک عامل مهم انتقال‌و رد و بدل اخبار جنبش‌میان‌داخل‌زندان‌و بیرون‌زندان بود. درچندمورد‌نیز بررسی-ها وتشناساییهایی در مورد امکان‌فرار از زندان بعمل آورد که به نتیجه نرسید. فاطمه ضمن تماسهای گسترده‌ای که‌باخا-نواده ها داشت در مدت کوتاهی توانسته بود امکانات پشت جبهه تازه و وسیعی برای سازمان فراهم‌سازد. کمااثر بسزائی در تثبیت و رشد سازمان ما در شرایط بعد از ضربه شهریور داشت. فاطمه تا قبل از آنکه مخفی‌شود. جلسات‌منظمی نیز برای دختران‌سازوبخصوص‌وابستگان شهدا و زندانیان مجاهد ترتیب داد که درآن به تفسیر قرآن‌و طرح مباحث‌سیاسی میپرداخت. درهمین‌جلسات عناصرمستعد و آماده را برای عضوگیری سه سازمان معرفی میکرد.

موضع خواهرمجاهددربرابر منحرفین:

در تابستان ۵۳ زندگی مخفی را شروع کرد و تمام وقت و انرژی خود را صرف‌سازمان نمود. بدنبال نفوذایوز-

توتیسم در سازمان فاطمه‌در کنار مجاهد شهید حسن ابراری در برابر منحرفین چپ‌نما مقاومت‌نمود و هرگز تسلیم جریان فرصت‌طلبانه نزبود نشد. شهیدمجیدشریف واقفی که بر موضع محکم وپایداری این خواهر مجاهد واقف بود، تلاش زیادی برای ارتباط باوی نمود. اما، بالاخره نتوانست او را پیدا نماید. چراکه‌فاطمه‌در ۱۵ اسفند ۵۳ بر سر یک قرار لورفته‌ای که با یکی از سمپاتهایش داشت دستگیر وبلافاصله بزیر شکنجه کشیده شد. شکنجه وی در حضور برادرش مرتضی امینی که بگروز قبل ازوی دستگیر شده بود صورت میگرفت. بهمین جهت ما در اینجا شرح شکنجه‌های‌فاطمه را اززبان‌برادرش‌میآوریم:

مقاومت قهرمانانه خواهر مجاهد:

" پس از ملاقاتی که‌در اوایل‌اسفند ماه در منزل یکی از اقوامان با فاطمه داشتم، فروردین پنجشنبه ۱۵ اسفندبرای مبادا کرانتی در باره یک سری مسائل امنیتی مجدداً" باوی در خیابان سپهبار ملاقات نمایم. من صبح همان‌روزدرساعت قبل از موعد قرار ملاقات، در حالیکه از منزل بسمتی منظور خارج شده بودم در خیابان بوسیله مامورین دستگیرشدم. آنها بلافاصله مرا به زندان اوین و مکراً" به اتاق بازجوئی برده و شروع به شکنجه کردند. آنها از من‌محل اختفای فاطمه‌را میخواستند. من یک ساعت‌محل رافاطمه قرارداشتم بعلاوه قرار بودکه‌دراین‌ملاقات مبلغ ۲۰ هزارتومان برای‌کمک‌به سازمان‌به وی بدهم که درموقع دستگیری‌همراهم‌بود پس از تحمل چندین ساعت شکنجه قرارم را سوزاندم. ساعاً پول نیز لو نرفت. تا این‌زمان هنوز نمیدانستم که چگونه و از کجا لو رفتم.

روز بعد از دستگیری من خواهرم دستگیر شد. دراین موقع بود که مرتضی از دستگیرم‌را پیداکردم. من پس از دستگیری حدود ۱۱ ساعت شکنجه شده بودم. باهایم کاملاً" مجروح و پاهایم و سرو صورتم بشدت متورم بود. شیرا نیز به من بیخوابی داده بودند. صبح روز بعد مرا از سلول به اتاق بازجوئی بردند. در اتاق بازجوئی پرویزخدایاری و یک بازجوی دیگر بنام فرامرزی (که بازجوئی ارس را بعهده داشت) وازفندی معروف به سوچهری و چند نفردیگر حضور داشتند. صدای فریاد زنی ازاتاق مقابل بلند بود. پرویز خدایاری خطاب به من گفت: " این صدای کیست؟ " گفتم نمیدانم. دستور داد که مرا بتابه بزنند تا مسلم کنند. همین کارپشت پنجره کوچک درب‌داخل‌نگاه‌کردم خواهرم را بادستو پای‌بسته‌مشاهده‌کردم که‌جلادی معروف به اسفندیاری مشغول شکنجه وی بود. او را با چشمان بسته‌وبشکل‌صلیب محکم به تخت بسته بودند و یک کابل ضخیم به مرتاسر بدن وکف پاهایش‌تلاق میزدند. جلادان چون با مقاومت‌فاطمه روبرو شده‌بودندمثل یک حیوان درنده‌ه وحشی بجان او افتاده، و در حالیکه بدنوم فحش‌های رکیک به وی میدادند، ضربه های شلاق را عدیده تر میکردند پس ازلحظاتی که این صحنه راتماشاکردم مرابه اتاق قبلی برگرداندند. آنگاه خدایاری بمن گفت: هرچه کردیم‌خواهرت حرف نزده. اجازه گفتن ایراگرفته ایم بروبه اوبگو حرف بزند. علامه اکثر کاری نکنی که او حرف بزند، وی را ... خواهم کشت ....." اسفندیاری — همچنان مشغول شکنجه بود. پاهای‌فاطمه غرق درخون شده بود.

پس ازلحظاتی‌فاطمه‌که‌دیگراز شدت شکنجه رمقی برایش نمانده بود از حال رفت و بیهوش شد. اسفندیاری با پارچ‌آب‌آنقدر آب روی صورت و بدن او ریخت‌تابیهوش آمد، یک پارچ هم بروی زخمهای پایش ریخت و سپس به کابل زدن بروی آنها پرداخت. باز فاطمه بیهوش شد، دوبه مرتبه با ریختن آب روی سر و بدنش به هوش آوردندند. اسفندیاری، این جانی خونخوار، وقتی دید فاطمه قصد ندارد سخنی بر زبان آورد، از شدت‌خشم ودر حالی که نمیدانست چکار میکند، ضربات شلاق را وحشیانه‌تر و دیوانوار از سر-گرفت. مرتب فحش میداد. ناتوانی و درماندگی در عمق‌چهره این جلاد کاملاً" مشهود بود.

از فاطمه چه میخواستند ؟

ازچه روشهائی‌برای‌گرفتن‌اعتراف استفاده‌میکردند ؟

اسفندیاری با هرضربه شرق فریاد میزد: آدرس خانه شمی، اطلاعات، محل قرار و... کاه نیز اسم بعضی‌ازمجاهدین را میبرد، و از فاطمه سراغ آنهارامیگرفت. درچنان وقتی دیدند که کابل این‌درد-ناکترین ابزار شکنجه رفادرنیست. لبهای فاطمه را بحرف زدن بگشاید. مایوسانه شلاق را قطع کردند، و درصدد ساختن وسیله شکنجه دیگری برای درهم شکستن مقاومت‌وی برآمدند. این‌باریک‌لوله بقطر ۸ سانتیمتر انتخاب نموده وداخل آن را پر از کابل سه ماریزی کردندنوک سیمهای کابل را هم لخت‌کردند. اسفند-یاری با تمام قدرت این شلاق را بلند میکرد وبر پیکر مجروح فاطمه فرودمیآورد. من روز قبل چندثانیه از این‌شلاق‌خورده بودم. درمورد شدت درد وسوزش‌آن‌فقط میتوانم بگویم که وقتی به پایم اصابت میکرد، احساس میکردم‌که پاهایم‌زیرتریلی رفته‌است. انسان نمیتواند دربرابر‌وسیله شکنجه مدت زیادی دوام بیاورد. بهمین علت معمولاً" از آن زیاد وبطور طولانی استفاده نمیکنند. پس از لحظاتی که خواهرم را با این شلاق زدند، بیهوش شد. برای چندمین بار با ریختن‌آب‌روی سروصورتش او را بهوش آوردند. اکنون جلادان به سراغ من آمدند. اسفندیاری در حالیکه با ناامیدی تمام‌آخرین‌تلاش-های خود را برای‌شکستن مقاومت فاطمه میکرد، پاهای‌خواهرم را ازتخت باز کرد وخطاب به من گفت:

" با او صحبت کن وگوحرفهایش را بزند و الا ..."

هنوز صحبت او تمام نشده بود که با آن قیافه مسخ‌شده‌اش که سعی می کرد حالت وحشیانه‌ای بآن بدهد، بوهای سر خواهرم را گرفت و تمام وزن او را توسط بوهایش از روی‌تخت بلند کرد و باشدتی که ازتخت آن دهانش کف کرده بود، او را به گوشه‌ای که من‌افتاده‌بودم‌پرتاب‌کرد. اسفندیاری دیوانه‌وار وبلاانقطاع مثل یک جانور وحشی داد میزدوازفرط عصبانیت فحش ونا‌سزا میگفت. من در این‌لحظات شاهد یک‌صحنه‌ای‌از اوج‌دیوانگی‌وسفاهت مزدوران در برابر روسیه‌یک‌انقلابی‌بودم.

آنها گرچه‌چون سگهای‌هاروباحرص‌دیوانه-واری به جان فاطمه‌افتاده بودند، اما ماجرانه خطاب به اوگفتند: " تو فقط بگو که دیشب کجابوده‌ای؟ مادیگرهیچ‌چیز اطلاعات دیگری از تو نمیخواهیم". در همین حال احساس میکردم که درعمیق‌ار خشم باشی از شکسته‌شدن غرور خویش‌به خود می پیچیدند.

" این لحظات خیلی باشکوه وغرور آفرین بود. دشمن درمقابل اراده وایمان خدشه‌ناپذیر یک مجاهد خلق‌به ضعف‌خود اعتراف کرده، ماجرانه از او تمنامیکندکه حرف بزند(این صحنه‌ها روسیه‌ام را نوشیت میکرد.

اسفندیاری‌وقتی‌دربرابراین‌تقاضایش جوابی نشنید بالحن مسخره گفت:

" میخواهد شهید بشود..." و مرتب این جمله را تکرار میکرد و ضربات شلاق را باشدت هرچه تمامتر بر پیکر فاطمه میکوفت. لحظه‌ای بعد جلادان از اتاق بیرون رفتند. من عودم رابفاطمه رساندم و دستهایش را در دستم گرفتم. تمام بدنش مملوزبود، صدای‌قلب اوراکاملا میشنیدم. شدت ضربان قلبش به حدی رسیده بود که جلادان نگران‌حال‌وی‌شدند و از کریمی (پزشکیارلوین) داروی قلب خواستند. آنها نمیخواستند فاطمه‌این زودی از بین برود. آنها امید داشتند که شاید با ادامه و شدت شکنجه‌سرانجام بحرف درآید. کریمی‌مابعدی رادریک‌لیوان بعنوان داروی قلب برای فاطمه آورد. اسفندیاری سرفاطمه را بلند کرد که بزور بخورانند. ولی او چنان لب‌ودندانهایش را بهم‌فشرده بود که باتمام تقلا وتلاشی که اسفندیاری نمود نتوانست حتی‌قطره‌ای از آن را بوی بخورانند. اسفندیاری از شدت خشم وعصبانیت داشت میترکید.

بقیه درصفحه ۱۰

شهر رمضان...

۲ — در رابطه با شکل خاص این عبادت که ترک خوردن ونوشیدن درطول روز وترک قسم دروغ و نزدیکی‌و امثال‌آن باشد، نخستین نکته‌ای که جلب نظرمیکند اینست که تحمل شدائد آن‌بهیچوجه از موضعی ریاضت‌کشانه نیست. میدانیم که‌در اسلام اصولاً" رهبانیت وریاضت فی‌نفسه جایگاهی ندارد. چنانکه‌پیامبراکرم‌فرمود، "... هر مذهبی را رهبانیتی است و رهبانیت مذهب میهمانا جهاد است..."

پس ترسیم سختی‌کشیدن بخاطر نفس سختی در نظرگاه توحیدی فاقدهرگونه عبادت بنوادرفرهنگ‌توحیدی‌عبده چیز و ارجمله عبادات نیز جهت‌دار وبا هدف ومضمون‌تلقی میشوند. معصومی‌یکتا گرایانه و رهائی‌بخش که کیفا" باسختی کشیدن می‌مقصد و بی‌معنی متفاوت‌است باین معنا که در مسیر یکتا گرایانه شیطان آن سختی‌ها ودردهائی‌استقبال میشودکه بآسانی و سادگی و شفای وجودشانامده ابدتولوژیک متحمر گردد. دراین‌نقطه‌دیگر سختی ها بامضمون جدید خود۱۸۰درجه تغییر جهت داده‌ومسیر استخلاص ازرنجها ورهائی ازناراحتی و گذر ازاختلاف و — تضاد به جانب میل به "سلام" وصفا و آسانی هستند.

این معنی را بخوبی‌می‌توان ازقسمت آخر آیه ۱۸۵ سوره بقره دریافت آنجا که می گوید:

"فمن شهد منکم‌الشهر فلیصمه ومن کان مریضا" او علی سفر فعدة‌من‌ایام‌اخر یریدالله بکم‌الیسر و یریدبکم العسر و لتکملوا العدة و لتکبروا والله علی ما هدیکم و لعلکم تشکرون"

(... پس هرکس از شما که بماه رمضان درآید باید کدروزه بگیرد (ولی) آنکه مریض بوده ویا بر سفری باشد از روزهای ماههای دیگر (جبران)کند. خدا بر شما آسانی را اراده دارد نه اینکه برای شما سختی بخواهد، تا اینکه شما شمار این روزها را بپایان برید وبزرگ شماریدخدارا برآنچه هدایتتان نمود ... باشد که شکر گذار شوید.)

براستی همچگاه‌نگونه سختی‌ها که حقیقتا به تکامل ورشد هرچه‌بیشترمنتهی مشود جای شکر و سپاس دارد.

چگونه تقوا در روزه ملبور می‌یابد؟

اما نکته‌بهتر این‌است که بپرسیم چرا وچگونه و باچه تفسیری مضمون تقوا درشکل خاص روزه متحقق میشود آیاسارت دیگر چگونه میتوان با روزه‌داری به خدا نزدیک شد وشاهد رهائی و یگانگی‌را در بر گرفت ؟

چنانکه میدانیم در فرهنگ توحیدی انسان " از خداست وسرانجام‌نیزبجانب او میل میکند وتعالی‌می‌یابد" باین‌ترتیب هر انسانی‌خداگونه‌است‌بالقوه. کمیابنا بالقاء خدا و پیوستن بادو بصورت‌بالفعل نیزخداگونگی خود را به تحقق هنوامند رساند. ولی از سوئی دیگر نسل آدمی که منشعب از ابعاد حیوانیست، هرگزبا دنیای بسیمی مطور مطلق‌قطع‌رابطه‌نمیوده است. به نحوی که انسان‌بالقاء دارای یک مجرع مشترک مادی با حیوانات‌است. همان حیوانیتی که عروج از اجبارات و کشش‌های غریزی و خودبخودیش مقدمهر نوع نزدیکی بخداست. با این توضیح بخوبی میتوان فهمید که ترک موقت نان وآب‌در ایام روزه یادآور کمال وارتقاء خداگونه انسانیست که‌سلزم نفی آشارو مشترکات حیوانی در وجودو میباشد. بخصوص اینکه باید متذکر باشدکه‌داشتن مشابهات و مشترکات حیوانی نه بمعنی دقیق اشتراک بلکه با معنی جدیدی در زندگانی او مطرح است. منظور این‌است که مشترکات قویا" بایستی تحت‌نظر وزیر هدایت خصایص تکاملی‌ویژه بشری باشند. وتنهاینکه فرض شود بخش حیوانی وجود انسان دریک اشتراک متساوی‌الحقوق‌با بخش جدیدقرار گرفته‌است. خلاصه‌کنیم در ضمن روزه این نکته برملا میشود که خوردن و نوشیدن و امثالهم اگرنخواهند درمسیریک زندگی مکتبی‌باشندواگرنتوانند عندالملوم دارای هیچ ارزش‌مکتبی نمی‌باشند. اینجا است که روزه در ارتباط با آینده وجود-شناسانه انسان معنی بسیار انگیزنده تری می‌یابد. اگر حیات و تکامل نوع و خود انسان را با مرگ‌خاتمه‌یافته تلقی‌نکنیم، واگر چنین نمیدانیم که همه‌چیز بامرگ ماتمام‌میشود، لاجرم آینده‌ای شورانگیز در جهانی با ابعاد و ویژگیهای جدیدمطرح است که‌دراین‌باجهانی‌بسیارمتعالیتر مواجهیم. جهانی‌که از بسیاری‌جهات‌برای ما وشناختنیتر است. کما اینکه در دوران ماقبل حیات بیولوژیک، زندگی بصورت فعلی به همچوجه قابل تصور و ارزیابی نبوده، وقانونمندیهای آن برای یکذهن مفروض مطلقاً"قابل شناسائی نمی‌باشد. همچنانکه برای طفل در دنیای رحم‌وقبل از تولد، دنیای بعد از تولد قابل‌تصور نیز نیست.

بعنوان مثال در آن دنیای متعالی پس از مرگ ورستاخیز، همان‌دستهای متکاملترین و برترین، چنانکه‌قرآن‌توصیف میکند، از آنتروپی وکهولت عمری‌بسمت (مراجعه شود بآیات سوره محمد که‌در دنیای اخروی آب را ناگندیدنی و طعم شیر را تغییر ناپذیر عنوان‌میکند). آنگاه دراین دنیای‌بی وحد و شکوه که‌ماکیفیات واطوار جدیدو فوق‌العاده هستی‌و حسیات مواجهیم، همه عملکردهای ماختلف‌است. علیهذا اگر خوردن ونوشیدنی درکاراست علی‌القاعده با کیفیت و مکانیزم جدیدی خواهد بود، که بهرحال فارغ ازانحطاط انرژی‌ها و آنتروپی‌است. بنابراین درمسیر نفی‌هستی حیوانی وگذاربیک‌هستی‌متعالی نوع دیگر، روزه شاهد و مثالیست‌ازآنچه انسان بجانبش در حرکت است. یعنی یک آمادگی و تطبیق پیشین (

) برای حصول آمادگی

هرچه بیشتروسریعتر در نیل بهمچنان‌سر-نوشت شکوهمند.

بدین‌واسطه‌انسان‌سرنوشت‌وجودشناسانه نهائی خود را که سراسر تعالی واقتدار است متذکر شده وبرای آن از پیش‌آماده میشود. تمرینی که سالانه یکماه واجب محسوب شد و درعین تاکید بر عروج از دنیای‌حیوانی که بارزترین وجوه‌آن‌خوردن وآشامیدن است رهسپار تطبیق با آینده شورانگیز ذاتی خود میگردد. ملاحظه‌می-گردد که موقوف داشتن خوردن ونوشیدن و امثال آن به هیچ وجه قدمی بر ضد سلامت و دوام عمر انسانی‌نبوده وبرعکس گویای سلامت بسیار عمیقتر و خلسود و تکامل کلیت وجودی اوست. سلامت‌حیات ناب انسانی‌و استمرار متعالی هستی‌خدا-گونه بشری.

سی‌ام تیر

سد و همه جان و مال وهستی خود را گرمانه وسخاوتمندانه نثار دفاع‌ازمو- خودش کند، مردان از جان‌گذشته ازشهرهای دور ونزدیک‌بشتیران‌شتافتند، ومردم عادی و بی‌سلاح از زن ومرد و کوچک وبزرگ با شعار "یامرگ‌یامصدق" به خیابانها بریختند، و باشوروجوشی و صلح ضد خلق کلاونز شوند.... و مرور شوند!

ویژگیهای قیام سی تیر :

قیام سی تیر یک قیام کشور ه اعتبار محروم شهری بود که مشخصات یک قیام خودانگیخته را داشت یعنی فاقد هرگونه تشکل وسازماندهی‌برهبری برنامه‌ریخته بود. اگرچه‌چندا علامیه‌ای از سوی جمعیتها وشخصیتهای سیاسی و مذهبی در دعوت مردم به قیام صادر شد، اما صدور اعلامیه‌را البته نمیتوان بجای رهبری وبرنامه‌ریزی یک قیام به آن عظمت گذاشت.

عظمت این قیام، عظمت نیروی خلق راشان داد. مردم نیروی عظیم خودرا تجربه کردند. نیروئی که اگربه حرکت درآید بساط حکومت غاصبانه ظلم وجور را بگرورد‌رهم‌میپیچد. مردم فهمیدندکه اگر متحد ویکپارچه باشند هیچ نیروئی و هیچ سلاحی را یارای مقابله با ایشان نیست.

مردم هیچ سلاحی نداشتندوبعد به نیروی عشق وشورومجدوبسلاح جوی‌سود مرخصم چیره شدند.

سی‌تیر از جهات چندی‌بعظمه عظمت در تاریخ معاصر وطن ماحسوب میشود :

۱- برای اولین بار مردم‌یکپارچه قیام کرده بودند، نه‌فقط برای سرنگون کردن یک حکومت، بلکه برای‌بقدرت بازگرداندن دولتی که مردم آن را از خودشان میدانستند. این قیام ادعاو توجیه کسانی راکه ایرانیان راانسانها" مردمی ضد دولت میدانندباطل‌میکند.

۲- دولت مصدق درهمان مدت کوتاه آنچنان اعتماد مردم را به خود جلب کردبودکه مردم خودشان‌بالباس‌شان را تقدیم دولت میکردند. واین تصمیم کیفی درتاریخ‌ایران بی‌نظیراست.

قیام سی‌تیر نشان داد که‌مردمها بعضیها از بذل‌مال،که از بذل خون‌و جان خود نیز برای حراست ازحکومت ملی مضایقه نداشتند. بدیهی است که این جلب اعتماد عمق سیاسی عینی داشت، مردم بطور عینی تغییر وضع زندگی خود راشاهده‌میکردند.وتحول روابط ظالمانه سابق رامیدیدند.

۳- مردم احساس میکردند کهما دولتی طرف هستند که باآنهامدافعت میورزدو چیزی را پنهان‌نمیکند.مصدق بانودهارابطه‌ای‌نزدیک ومستقیم‌داشت و معمولا"حرباتات را ازطریق نطق در مجلس و یا رادیو به‌اطلاع مردم‌می‌رساند ومردم همیشه منتظر بودند که بعد از هرحرفی‌صدای‌مصدق‌راشنوند.

۴- و ازهمه مهمتر آنکه مردم مصدق را خصم آشتی‌ناپذیر دشمنان قدیمیشان انگلیس یافته‌بودند.ومصدق نیز با تکیه براین محور توانسته بود، همه اعتماد مردم را پیرامون خود جمع کند. این سرسختی وبارزنایذیری‌در مقابل امپریالیسم آمریکا نیز بعاتبات رسید، و صداقت مردمی وملی اورا به خوبی نشان داد.

۵- همچنین برای‌اولین بار پس از انقلاب مشروطه، قیام مردم رنگ مشخص و تند ضد سلطنت داشت،زیرا مردم دست خیانتکار دربار را،درپس نوشته‌هایی که برای سرنگونی حکومت ملی دکتر مصدق انجام میگرفت‌دیده وشناخته بودند.

زمینه قیام :

دکتر محمد مصدق قهرمان جنبش مردم

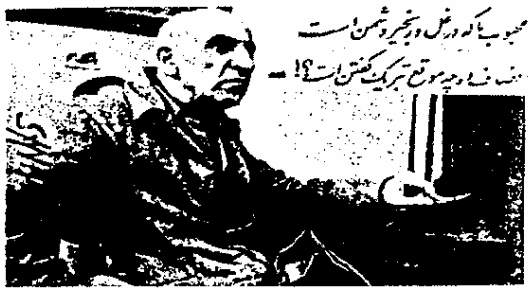

امریکا بر ضد استعمارگرانه‌انگلیس‌بود، تاریخ مبارزات ضداستعماری یک قرن اخیر نه فقط میهن ما بلکه همه‌کشورهای‌جهان‌سوم بانام مصدق‌عجین‌است.

مصدق ازهمان‌اوان‌جوانی‌کوارد صحنه سیاست‌شد (صحنه‌ای‌که غالب بازیگرانش عروسکهای بی‌اراده والوده داسی بودند که سرسختانه به دست بیگانگان بود) تالی زمان که‌باکودتای ننگین ۲۸ مرداد برکنار و خانه‌نشین شد،دمی از مبارزه با استعمار غارتی و دیکتاتوری داخلی بازنایستادوهمواره رودررو با دشمنان ملت جنگید وتادم مرگ به آرمان مردم‌وفادار ماند.اما آنچه که خاطره مصدق‌راجاودانی‌میکند وبه شخصیت او ابعاد تاریخی‌میبخشد رهبری وی در جریان مبارزه ملی‌کردن نفت و بیرون کشیدن ثروت ملی ما از چنگ امپریالیسم انگلیس است.دراین مبارزه پشت امپراطوری‌قدرتمندانگلیس به خاک رسید واین واقعه همه ملتهای مظلوم وتزسیده جهان را ملتفت کرد که اگر ملتی فقیر و محروم‌امابیکپارچه و متحدو برخوردار ازیک رهبری صالح وقاطع برای احقاق حق خودبپاخیزد حتما" پیروز خواهدشد.

در جریان مبارزات مصدق‌که‌سراسر عمرش را در برمیگیرد،همچنانکه‌گفتیم مبارزه ضداستعماری او تحت شعار ملی شدن نفت شاخص است وهمین هم زمینه را برای نخست‌وزیر شدن دکتر مصدق فراهم کرد.

مطلع عقود استعمار انگلیس‌وحاکم بدن بر صنعت نفت بالاترین آرزوی هر ایرانی آگاهی بود. بهمین‌سبب هم شعار" ملی شدن صنعت نفت‌در سراسر کشور " که جنبه ملی آن را مطرح کرد بسرعت‌درسی مردم گرفت. مصدق بعنوان نماینده‌ٔ مجلس این مبارزه را درپارلمان هدایت و رهبری میکرد. تا اینکه این مبارزات‌شتردادو بالاخره‌در۲۹اسفند۱۳۲۹ملی‌کلاسه نفت‌ملی‌شد.اگرچه‌صنعت‌نفت‌بلحاظ قانونی‌ملی‌اعلام شد، امادراین شرایط ناچرا درآمدن این‌قانون امر بسیار مشکلی میشود. همین مسئله با پیشنهاد نخست وزیری دکتر مصدق مضمون توطئه ای قرار گرفت برای کوبیدن و بی اعتبار کردن مصدق و سایر همرزمان وی ، که بعلت مبارزه برای ملی کردن نفت جای والایی در دل مردم یافته‌بودند. باین معنی که مخالفه شده بود که " نخست وزیری را به مصدق پیشنهاد می کنیم ، او دوحال خارج نیست .

۱ - دکتر مصدق یا آنرا رد میکند که در اینصورت بهانه بدست ما می افتد که به مردم بگوئیم که دیدید دکتر مصدق هم فقط اهل حرف است‌و مرد میدان عمل نیست ؟وبدین‌ترتیب وی را خلع سلاح می کنیم وقانون‌ملی شدن صنعت نفت هم به این دلیل‌که هیچکس توانایی اجرای آنرا ندارد ، بی اثر ومعوق می ماند .

۲ - ویا اینکه مصدق نخست

بقیه درصفحه ۱۰

همانگونه‌که...

سی رفتن روابط کهنه و جایگزین‌شدن روابط وپیمانهای‌نو ومردمی بجای‌آنهاست. دراین رابطه" ارتش " از اهمیت خاصی برخوردارا‌ست.چراکه سایر عملکردهایش هم‌میتواند بزرگترین خدمتیارا به‌انقلاب و مردم بکند و هم‌میتواند‌بزرگترین‌خطر- هارا بر سر راه انقلاب بوجودآورد.

چیزی از ارتش‌ضدخلقی‌رژیم‌گذشته سکوشم ، چراکه خود محتاج بحثی‌جداگانه‌است.وگذشته از آن کسر کسی‌است‌که از آن زخمی بر دل نداشته باشد.و یا خاطره‌جنایات وخیانتهای آن را فراموش کرده‌باشد. در جریان مبارزه صددیکتا- توری،شاهد پیوستن اقشاروطبقات‌مختلف مردم به صفوف انقلابیون ،یکی پس از دیگری بودیم ، همان نیروئی وهمبستگی که در عقب‌ب بزرگترین عامل شکست رژیم شاه و مهمترین عامل ترس و واهمه امپریالیسم بود. ولی بدون شک بپیوستن پرسنل مبارز ارتش بخصوص نیروی هوائی و در هسته آن همافران حضور،در این میان نقطه روشنی بود که‌دکتاب‌ارتشبد عدن ارکان دیکتاتوری میکرد. ودرست از همینجا بود که آمریکا پی به عمق و ریشه و اصالت جنبش خلق ما برد.

نقش حرکت‌نیروهای‌مبارزدرون‌ارتش درشکست‌استراتژی امپریالیسم :

هنگامیکه نیروهای‌متفکرورزم‌وآشنا- نزسیهای امریکائی در محاسبات خود ، دربی راهی ، بمنظور برسر پاگیرداشتن هرچه بیشتر رژیم پوسیده شاه بودند ، اصحاب خدا،راه‌پیمائیها ،بریدن‌کانالهای هواپیمائی که قصد بیرکوب‌مردم راداشتند وخلاصه اعلام همبستگی همافران،لوده نو ابدام آنها انداخت. حرکت" خبر وار " آنها غلب خانی‌ها را برسرار ارشادیوامید کرد و متقابلا ضدخلق را به وادی نابود نزدیک انداخت .و از همینجا بود که امپریالیسم مکار ناشم ضدانقلابی،تجارب ضد خلقی‌اش، دریافت که باید به فکر چاره‌ماری باشد. پیراز این جریانات و در اوج قیام‌مسلحانه بهمن‌ماه‌قصدا‌عظم پرسنل نیروی هوایی ،وطبقه‌ها ودر کانون آنها همافرها در گسترش و نوپدی انقلاب به درون ارتش سهم‌سزائی‌میدهدداشتند، و بخوبی دین خود رانسبت به مردم‌ادا کردند. و به حق هم خلق‌میهن‌ما باید واعتماد خود راسدرنج نثار آنهاکردند.

ولی‌متاسفانه پس از انقلاب شاهد از دست رفتن پایگاههائی بودیم که به صحت عینیهای بسیار کسب شده‌بود.و در این میان آنکس که بیشترداین‌سرمایه گذاشته بود ،مطمئنا" دلسوزتر نیز بود. و بنودی دیدیم که هراس‌وبیکرانی‌انقلابیون و افشار متعهد ارتش نیز بجهت نیست و روز بروز دلایل بازهنری بدست میاید که دقیقا" حکایت از انهای‌سیستم فعلی ارتش ،بانحاء طرق مختلف.و این همان چیزی است که پرسنل‌مسئول‌وسازارارتش‌را که حاضر نیستند بیتفاوت از کنار قضایا بگذرند و وجدان انقلابی آنها این‌اجازه رابه‌ایشان نمیدهدکه توصیه‌های عاقبت - جویانه و مصلحت طلبانه بعضی‌رابپذیرند برای مبادرد که دست به افشاگری بزنند و مردم را از توطئه‌هایی‌که در دست‌اجرا است آگاه سازند.

دراین دوران شاهد هستیم‌که‌چگونه افراد و فرماندهان قبلی باز می گردند. مگر این است یکبار دوبار انتصاب افسرا د بالائی که پیوندهای ساهی‌از همکاری‌با رژیم گذشته وحتی کشتار مردم بی گناه دارند را تحمل کرد، ولی هنگامیکه این مساله‌جنبه عامتر وپیوستری پیداکنند و حتی‌این افراد بدون کوچکترین واهمه و بیکرانی بهمان‌کارهای پیش مشغول‌می- شوند ، دیگر سکوت کردن عین خیانت به این خلق ستمدیده است . ازطرف‌دیگر در اوان انقلاب پرسنل‌آگاه‌ارتش‌مخصوصا" در نیروی هوائی دست به تشکیل شوراهائی زدندکه اقدامی انقلابی و یکی از بهترین طرحهای مبکر بود.

اعتراض‌درچه‌شرایطی علنی‌میشود :

اوج این جریانات را در زمانی‌می- بینیم که جاهلی که به تصویب میرسد ، گفته میشود : از این به بعد ارتش وسایر فرماندهان وعناصر دیگر آن اعم ازسد- اطلاعات‌های سابق ،ساواکی ،وجاش‌دیگر ،اک ومطیعند. واراین پس ارسام‌گناهان گذشته مبرا هستند! با این زمان کسانی- های مترقی و دلسوز ارتش به بشتوانه نیروهای مردمی وانرژی انقلابی‌عاملی‌که درجامعه نهفته است ، حداقل‌امیددارند که دراین واحدای نوطئه‌ها و دسیسه ها تنها نیستندو ارتجاع هم‌ازترس‌خشم‌مردم چندان جرات‌هوس انجام ندارد. ولی از این پس گفته میشود : دست مردم‌ا ارتش کوتاه ! واین یعنی اینکه دیگری- نوان در را بست و بدور از شرمراحسها! با طبع خاطر به جای افراد انقلابگر و شورشی و مخالف انقلاب اسلامی! و ... افتاد و این مانع عظیم بر سر راه‌مطامع و خواستها و اهداف‌خودرازمان‌برداشت. از اینجا بعد است که‌خواستهاواطرا... مردم وسایر امیدها وتلاشهای آنها بطور خود را درهماغرای می‌یابد. یعنی همان نیرویی که با این زمان لحظه‌ای مسمه گاوراز را توک نگرده‌است ، وتحمیلی اعلام اعتراض صریح وعلنی‌آنها هم در برابر نابسامانیها و نوطئه‌های‌آینده ،در حقیقت تنها راهی است که برای انسان باقی‌گذاشته شده است. و در اینجاست که این حرکت از حد خواسته‌های قشری عام وحتی نیرویی خاص از ارتش فراتر میرود .و بیان وزبان حال تمام اقشار تحت فشار ارتش میگردد.

ضرورت شوراها در ارتش:

مساله شوراها و اهمیت آن‌مخصوصا" در ارتش بعنوان تنها راه تضمین سلامت ارتش ،امری نیست که واسیه بقشرخاصی باشد. تمام اقشار و بخشهایی از ارتش ،اعم از درجه‌دار، سرباز ،همافرو افسر ،که سنگینی بار ظلم و اختناق و تبعیض را بر گرده خود احساس‌کرده‌اند ،ازتشکل‌شوراها حمایت میکنند. چرا که تنها اهرمی‌که‌می- تواند از سرکشی‌های‌خارج از حد وجود، کاسته فرماندهان در مواقع لزوم‌جلوگیری کندشوراها است. تنها شیوه‌ای است که میتواند مانع بازگشت اطاعت کورکورانه گردد، وحتی دخالت مخصوصا" پرسنل مستضعف ارتش در تعیین سرنوشت خود آنها را تامین کند. که البته هیچگونه مانعی هم با مساله نظم و انضباط در ارتش ندارد، یعنی نظم بامعنای‌آگاهانه وانقلابی آن.

کدام نیروی انقلابی و کدام فرد معتقد و مسئول ودلسوزبه‌انقلاب‌است‌که از عدم تصفیه‌عناصر خودفروخته وجاش دراسطرابساشد .همان عناصری‌که‌امسجان با تحصیل وسنتاب‌لباس‌انقلابی‌برس‌کرده‌اند که‌رابوتی‌کرده‌اند ،دم‌خروس رابیان‌کند. ساده‌اخراج بدلیل وجودسرانه پرسنل مبارز ارتش نیز امری نیست که به گروه خاصی مربوط باشد. واین تحصیلی است که‌همه‌افرادی‌که‌سرسارکاری‌نامسمیمی- هاو انحرافها را ندارند ، نمونه های اخیر (جریانات بادگان جمشیدیه) " بهترین دلیل براین مدعا است.

بهرحال آنچه که مسلم است اینکه براین حرکت (به عنوان حرکتی عمیق و درجهت مانع قشری‌خاص،بلکه باتوجه به اهداف آن و شرایط تعیین کننده ایکه اکنون بر ارتش حاکم است) باید صحه گذاشت . همان حرکت تعیین کننده ایکه شکست آن بمنزله از دست رفتن حقوق کلیه پرسنل اعم از درجه‌دار، همافرو ... است . و گام بزرگی برای ارتجاع نیست سروری است . ومطمئنا" بیش از همه‌هم امپریالیسم از این امر خرسند خواهدشد.

وبهمین دلیل طلب‌ایران‌نیزبانگرانی و اسف چشم به آینده‌این‌حرکت‌وموضع - گیری‌های پرسنل مبارز ارتش دوخته‌است. چراکه سرنوشت خود را از سرنوشت آن‌جدا نمیدانند.

مگر خواست همافران ارتش ماهیت مردمی‌ندارد؟ مگر خواست آنان درجهت تشکیل شوراهاهنگام ،اخواست‌همه‌خلقهای جوامر ایران نیست؟ مگر این شوراها از طرف آیت الله طالقانی پیشنهاد نشده؟ مگر بتصویب امام‌خمینی نرسیده‌است؟مگر آقای طالقانی از عدم پیشرفت کارتشکیل شوراهای مردمی اظهار نارضائی‌نکردند؟ پس‌این خواست همه مردم بوده وبگرانی همافران انعکاسی از نگرانی‌همه خلقهای ماست .

* * *

چه‌کسانی در برابرشوراهای‌انقلابی ارتش ایستاده ؟ :

فرماندهان باره از کرد راه‌رسیده‌که در سپهرس و خوش بنیاد برس حالیش افرادی را تشکیل میدادند.که درجریان انقلاب ،زمانی‌که پرسنل‌مستضعف نیروی هوائی جان بوکف در صحنه کارزارآماده بودند ،به گونه‌ای جریده وبه زندگی‌می- دیدند که خاطرخوشش مشغول بودند .اینرا در برابراین امر بطلب شوراهاانقلابی مردم و نیروی که حاکم بود، در برابراین‌شوراها عکس گردید. ولی با پیداکردن قدرت بیشتر سعی در خنثی کردن آنها وسپس حتی دستور انحلال آنها را نیز صادر کردند. کلید ضداطلاعات راگرفتندوآنها را از دست‌پایی نیروهای‌مشغول بودند.ضعف ماطلبی بوجودآوردن این‌وضع بودند.منع کردند! راستی این افراد از چه‌چیزمی- ترسند؟ چرا از افشاشدن نام افرادضد- انقلابی و خائنین واهمه دارند؟ دوباره خدای پای مستقراری امریکائی‌بگوش‌میرسد وصحبت از تجدید قراردادهای نظامی با خارج میشود! و بدین‌ترتیب‌موسس‌واهمی به انقلاب کنار گذاشته میشودوانقلابی- نماهائی‌که در آنها کوچکترین وحدت و اشتراکی با خواستهای انقلابی وهدفهای انقلاب بچشم نمیخورد ،جای آنهارامی- گیرند. این آیه قرآن بکلی فراموش‌میشود که :

" لا یَسْتَوِی مِنْکُمْ مَنْ اَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قاتَلَ اُولئِکَ اَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذینَ اَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَ قاتَلُوا " .

(به هیچ وجه کسانی که‌قبل ازپیروزی مبارزه کردند و از همه چیز خودگذشتند، با کسانی که پس از فتح به انقلاب‌پیو- ستند برابر نیستند) (حدید ۱۰)

ارتش انقلاب :

تشکیل ارتشی مردمی ازضروری ترین نیازهای هرانقلابی است بدون آن تضمین وحفظ دستاورد های انقلاب درمبارزه با امپر- یالیسم وارتجاع وابسته به آن امکانپذیر نیست .

xalvat.com

از چه دیدگاهی در انتخابات ....

این مرحله ، همانطورکه دربیانیه سروت تشکیل مجلس موسسان آمده است : " محتوی همه مسایله آثار اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی نظامی وفرهنگی امپریالیسم " میباشد ولی مساله اینست که در شرایط عملی همه نیروها از مکتب و انقلاب ومبارزه مفهوم واحدی را مدنظر ندارند . هرچندکه نیروهائی وجود دارندکه درپس ازهمین دیدگاه بهانقلاب میگرندولی برخی انقلاب را تمام شده میپندارندو درنتیجه بازسازی نهادهایی را که به رغم ما مصالح امپریالیسم در آن نفوذ دارد دنبال میکنندو برخی مصلحت گرایانه بهانقلاب پیوسته اند تاموتجمین مزرعهای باشند که تاخون دهها هزار شهید آبیاری و بارورگردید است وحتی برخی ناگاهانه میدان ملت به انقلاب تسلیم شده اند که راه ارتجاع وبازگشت به سر سپردگی راهموارکند .

حال سوال اساسی این است که در شرایط فعلی سیاسی‌ای که سرجال بدوین قانون اساسی را طلب میکند و علیرغم اعتقاد مجاهدین خلق به ضرورت تشکیل آن جهان مجلسی ، که امکان شرکت فعال همه اقشار خلق و نیروهای سیاسی را فراهم میاورد ، به مجلس خبرگان روی آورده است وشرکت مجاهدین خلق در این انتخابات چگونه توضیح داده میشود .

درابن مقاله درصدد تحلیل و توضیح شرکت مجاهدین خلق دراین انتخابات نیستیم ، زیرا این مطلب خودمسایل بسیار مفصلی است ، بلکه میخواهیم روشن کنیم کهما اساساً از دیدگاهی دراین انتخابات شرکت میکنیم . مقدمتاً مروری راکهاینجا از یک مبارزه انتخاباتی در ادهان وجود دارد تشریح میکنیم :

حد اول در بیست وچندسال گذشته در این میهن انتخابات ارادهگرا بوده است . انتخاباتی دوران شاه ، شیاری میباشد که برای عروسکان آن از پیش رنجبر سرسپردگی بسته بودند . پس مشخص سعی از مردمان هیچ تعریفه شخصی از انتخابات ندارند . تنهادران نسل ما چند صباحی را تاد میاورد که سازگار مبارزه ضد استعماری این میهن مرحوم دکتر محمد مصدق نواب مبارزه را طریق پارلمان را فعال کند . دران شرایط هم حادثه و حماسه نمادهای ضداستعماری دکتر محمد مصدق بود که اصولاً " شیوهٔ مبارزه و بخصوص مبارزات انتخاباتی را تحت الشعاع قرار میداد و اگر مبارزات او را از صحنهٔ سیاسی آن روزحذف کنیم دیگر چیزی جز دلالی‌های سیاسی باقی خواهد ماند . بازتاب موازی مبارزات پارلمانی این میهن ابتدائاً بر ادهان عمومی چیزی جز بند و بست هایی درجهت منافع سیاسی افراد وگروهها و همچنین قدرتهای خارجی نیست .

تصویری هم که از مبارزات انتخاباتی در کشورهای غربی در ادهان عمومی نقش دارد نیز چیزی نیست که میتوان گوی شیوه مبارزه حق طلبانه و بخصوص انقلابی خلق ما باشد . چراکه در آنجا نیروسنجشات سیاسی مختلف عمدتاً " به براساس منافع توده‌های وسیع بشری بلکه هریک بر اساس منافع یکی از احزابات غارتگر بین المللی وارد مبارزه انتخاباتی میشوند . بخصوص که هرشیوه ای را نیز برای کسب قدرت وپیروزی انتخاباتی بکار میگیرند . تبلیغات روزهای دفاع انتخاباتی کشورهای امپریالیستی مملو از شیوه‌های کثیف تبلیغات بر له و یا علیه نامزدهای انتخاباتی است . بروز وضعیتی که از ماهیت ضد مردمی منافع سیاسی هرگروه نمایش کرده وللاحزاب استفاده ازآن شیوه‌ها درآن نظام فکری اجتناب ناپذیراست .

طبیعی است که تصویر فوق الذکر کهبر یک مبارزه انتخاباتی بر ادهان نقش بسته است بازتاب واقعیتی عینی میباشد ولی خاطرنشان میکنیم که بازتاب همیشه واقعیت نیست . درشرایطی دموکراتیک که لازمه تحقق آن درشرایط تاریخی این سرزمین نفی کامل نهادهای امپریالیستی در این جامعه میباشد است . یک مبارزه انتخاباتی سالم البته میتواند جریان باید انتخاباتی که گیاها " با تصویر موجود در اذهان متفاوت بوده وبطور نسبی آزادی واقعی را متناسب بااین مرحله از رشداجتماعی و تاریخی برای مردم تامین کند .

حال برمیگردیم به اصل موضوع .

مجاهدین خلق ایران از دیدگاه توحیدی خود که در کوره ۱۴ سال مبارزه انقلابی آبدیده شده است دراین انتخابات شرکت میکنند . البته توضیح سیاسی علت وضرورت شرکت در این انتخابات درعهده مقاله دیگریست که دراینجا آنرا مفروض گرفته‌ایم .

دیدگاه مجاهدین خلق که به لحاظ ایدئولوژیک ناشی هرگونه استثمار انسان از انسان است ، درصحنه سیاسی با هرگونه امتیازطلبی و انحصار جوئی کهمقابل منافع اقشار روبرشد و منطبق به آینده است مبارزه خواهد نمود . دراین دیدگاه مجاهدین خلق مجاز نیستند که از هرشیوه ای بصرف آنکه پیروزی موقت سیاسی را تضمین کند پیروی جویند . چراکه اهرمهائی خلق اساساً " از طریق بسیج توده‌های گشوده میشود و صرف اکتساب قدرت سیاسی راهگشای حل مسائل بنفع انقلاب نیست . بنابراین ما تا آنجا در این مبارزات پیش خواهیم رفت که ناشی اصول ایدئولوژیک وسیاسی وتشکیلاتی‌مان بیاند .

اینست که از مبارزه انتخاباتی خود درنهایت انتظارهای نیز ، قدرت یابیسی سیاسی را قرار نداده‌ایم ، بلکه مبارزه انتخاباتی راصحنه‌ای ازروشنایی ومبارزه میدانیم که در تحلیل نهائی ماهیتگر مبارزه درست وناد درست و حق و باطل میباشد .

حق وباطل در صفوف قوی تنها قابل تحویل به حلی و ضدخلق نیست بلکه اینست که هرحال صحنه سیاسی مبارزه انتخاباتی رابنابر ملاحظه سیاسی راهرار نداده‌ایم .

رهنمودهائی ...

از صدر اسلام تا بحال هر محقق و مفسر و عارف وفیلسوفی درمیان حقیقت‌مسائل اسلامی‌و قرآنی ، بحث‌ها کرده‌اند ونظرها داده اند . در موارد زیادی نیز بحث ها ونظراتشان بایکدیگر هماهنگ نبوده وحتی مخالف هم بوده است همیشه اختلاف در نظرات وجود داشته است واین تفاوتها از نقطه نظرهای مسائل‌تازه ای نیست ، در عین حال اختلاف هرگز منجر به منیره و درگیری و... نمیشده است .

ازوقتی‌که شروع‌به‌تحقیق‌درقرآن شد ، جهات وابعاد وسنتهای مختلفی‌درتحقیق روی قرآن وارد شد .علامه ،مرفا ،محدثین و مفسرله ، اشاعره و... هرکدام از دید خود تفسیرها وتحقیقاتی در باره" آیات قرآن نمودند البته همه" اینها سر حسب زمان خود تحقیقاتشان بسیار مفید بود . اشتباهاتی هم داشتند . ولی آنها باهم جنگ و دعوا نداشتند . فقط در سالهای اخیر سرو صداها بلند شد ونظرات هایی که می منیم نداشت . هیچیک ازمفسرین سابق چنین عقیده ای نداشته اند کهفقط برداشتی که می میکنم درست‌است‌همچنین در هیچ جاهم نیامده که ماهمانها حق اظهار نظر در قرآن را نداشته باشند . درگذشته‌راه نظرو بدرقرآن مثل این چندفرن اخیرنبودکه هیچکس حق درک وتطبیق ومطالعه درقرآن‌راداشته باشد همین نقل قولهای متفاوت که از مفسرین در باره یک آیه" همین منظورنشان‌دهنده این مسأله است مثلا" بسیاری ازمفسرین عصر ما وقتی درباره" یک آیه یاسوره ای نظرات مفسرین گذشته رانقل می کنندگاه اقوال متضادی را از آنهانقل میکنندمثلا" مطامه" چنین گفت " ابی عمرو" چنان گفته " مقاتل " این راگفته و" مجاهد " اینطور نظر داده و... الی آخر .در سر موضوع‌واحدی‌نظرات‌متعددی‌ابرازمی‌نمودند و هیچگاه یکدیگر را هم رد نمی کردندو به نظرات‌دیگران هم احترام‌می‌گذاشته‌اند .

دوتلقی انحرافی ازمسأله‌تفسیرقرآن :

دو گروه هستند که دربرخورد باقرآن و برداشتهاوتطبیق هایی که صورت‌میگیرد ادچار اشتباه و انحراف میشوند . یکدسته آنهائی که در دین متحجدومتعبد هستند . آنها اعتراض می کنند که این برداشتها ممکن است تفسیر به رای باشد و این بر خلاف دستور اولیای دین است و... یکدسته هم آنهایی کهاصولا "باقرآن و اسلام آشنایی نداردوکلی از آن‌دورند . آنان تصور می کنند که مامیخواهیم که با توجیه وتفسیرهای علمی مسائل علمی‌رابه قرآن نسبت دهیم‌و یکچیزهائی‌ازخودمان درست کنیم و منسوب به قرآن سازیم . هردو این تلقی ها نادرست بوده‌وبایستی کاملا" از آنها پرهیز کرد . در قسمتهای بعدی توضیحات بیشتری درباره‌این‌موضوع خواهیم داد . بخصوص‌شیوه صحیح‌برخورد با مسائله فوق را شرح میدهیم .

قرآن باید درمتن زندگی و مبارزه‌اجتماعی مردم قرار گیرد :

استعمار گران تلاش زیادی کردندکه قرآن ما را از دستمون دور گرداندوآن را ازصحنه جامعه به قبرستانها و برای تیمم و تبرک برده ویا به هر وسیله ای برای استخاره مبدل سازند . بالاخره هم چنین شد . کارشان را با موفقیت‌انجام‌دادند . من خودم ساد دارم که وقتی در حدود سالهای ۱۳۱۸ در یکی از مساجد جنوب شهر تهران تفسیر قرآن می گفتم .ازهمه طرف کوبیده میشدیم .مثلا "ازیکطرف‌مجامع دینی بود که می گفتند چه حقی داریکسی تفسیر قرآن بگوید؟ این قرآن بایستی‌در بست خوانده شود و مردم‌به قرائت‌وتجوید آن بپردازند....

چقدر من خودم تحمل فشارکردم تا بتوانم این راه را باز کنم که قرآن برای تحقیق است . برای تفکر و تدبر است نه برای صرف خواندن وتبرک وتبرک جستن . و دوست بعد از اعلام هدفها و مقاصد قرآنی و اسلامی‌است‌که‌درکمی‌پیدا می‌شود والاتنشین‌توی خانه‌ها وسخت کردن‌پوست آخر هم فاتحه ای برای اموات درپی‌قرآن خواندن .باینکه به کاو گوینده کسی صبر نمی زند :

تفسیرها و برداشتهای ما از قرآن بایستی بابینشهای اجتماعی وعلمی و .....

همگامی داشته باشد :

بعضی سوره هاهست که معنی لغات اساسا" معلوم وروشن هستند امابرداشت صحیح از این‌مفاهیم وانطباق آن‌باحقایق شناخته شده زمان وواقعیت‌های‌علمی‌امری مشکل است ، به عنوان مثال سوره" " والمرسلات " را در نظر بگیریم :

"والمرسلات‌عرفا "(سوگند به رهاشده های مرسل) بعضی رها شده از هر بندی آزاد شده ای که در طریق‌نشانهائی پیش میرود . وباسوگندبه رهاشده‌هائی‌که بی‌دربی قید و بندها رامی‌گسلد" و الناصفات‌عصفا" پس ازاین رهائی آنها به شدت حرکت می کنند که هرمانعی را ازسرراه‌برمیدارند. عصف به معنای شدت حرکت باد است . "والناشرات‌نشرا" : بعد همه چیز رامنتشر می کنند . "والفارقات فرقا" .فلموریات‌ذکرا" حال کسی که به تفسیر قرآن رجوع‌می‌کند می بیند که هرکس برداشتی کرده است . این بحاطر آن‌است که در دید آن زمان غیر این چیزی را نمی دیدند و معنا را تشابه لغت‌مرسل یا رسول می گرفتند و آیه را به انبیاءوپیامبرانی تفسیرمی‌کردند که ازطرف حق رهایی یافتند . ویا آیه" " والعاصفات عصفا" رابه بادهائی تعبیر می کردند که از یک جهت به جهت‌دیگر حرکت می کردند.این یک برداشت‌بودوکه آیات را باهمین پدیده های طبیعت‌کهدر بعبارت ساده‌تر هرمکتب ومرامی ،ایزشیار محتوای عقیدتی خود را دریک‌سلسله‌معنی و اشکال و صورت‌بندیهای آئینی مشخص، ارائه وتداعی‌میکند . معنی واشکالی‌که‌عمل‌کرد و بهینه تبعیت اجتماعی (ونه صرفا فردی) دارند .

هرمکتبی بدینوسیله پیروان خود را بطور دستجمعی عملا "به بزرگداشت و متابعت از ارزشهای خود بطورواهم‌همان‌تقوای رهاکننده وآزادبخش‌است. این مطلب‌را میتوان ازآیه ۱۸۳ سوره بقره‌مستفادنمود.

" یاایهاالذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی‌الذین من قبلکم لعلکم تتقون "

(ای کسانی که گرویده‌اید برشما نوشته و مقررشد روزه ، همچنانکه برآنها که قبل از شمابودند مقررگردید . باشدکه پرهیزکار شوید.)

چنانکه پیداست ازاین آیه نتیجه میشود :

اولا" — روزه یک سنت‌توحیدی‌تمام عیار بوده وقبل از ظهور اسلام بعضی اعمی نیز سابقه داشته‌است.

ثانیا" — همانطور کهگفتیم هدف شعارد ،پس‌همانا که این‌نشانه پرهیزکاری قلبهاست) .

ملاحظه میشود که تقوای قلبی و باطنی موجب رعایت آداب و تدین شکلی و ظاهریست.

اکنون ببینیم بااین مقدمات چه نکاتی درباره روزه قابل‌تامل است :

۱ — محتوا و جوهر روزه مانندسایر عبادات دیگر بطوراهم‌همان‌تقوای رهاکننده وآزادبخش‌است. این مطلب‌را میتوان ازآیه ۱۸۳ سوره بقره‌مستفادنمود.

" یاایهاالذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی‌الذین من قبلکم لعلکم تتقون "

(ای کسانی که گرویده‌اید برشما نوشته و مقررشد روزه ، همچنانکه برآنها که قبل از شمابودند مقررگردید . باشدکه پرهیزکار شوید.)

گذری بر دادگاه مجاهد اسیر محمدرضا سعادتی

آنجا که یک مجاهد محاکمه میشود

به چه دلائلی پرونده سعادتی باید در دادگاه دیگری بررسی و قضاوت شود؟

■ چرا سعادتی و وکیل مدافعش در دادگاه شرکت نکردند؟

■ با مردمی آگاه و باشور انقلابی روبرو هستیم

به چه دلیل پرونده سعادتی باید در دادگاه دیگری بررسی و قضاوت شود؟

چرا سعادتی و وکیل مدافعش در دادگاه شرکت نکردند ؟

با مردمی آگاه و باشور انقلابی روبرو هستیم

روز دوشنبه ۵۸/۲/۲۵ طی رغم اعلام شرایط ضروری برای تشکیل یک دادگاه عادلانه از سوی برادر مجاهد اسیر سید محمدرضا سعادتی ، دکتر لاهیجی وکیل مدافع وی ، و مجاهدین خلق ایران ، دادگاه شاهی کل انقلاب گویا دادگاهی با نحوه و شرایط خود تشکیل دهد . البته از آنجا که حتی دادگاهی از بین نوسلطه‌پرستان مجاهدین و برادر اسیر ما نمی‌شد بود ، و از آنجا که مسیر و سوء تعبیر عادلانه این دادگاه از پیش بوضوح معلوم بود ، برادر ما از شرکت در دادگاه خودداری کرد . آنروز دادگاه بططل شد و گفته شد که دادرسی بوقت دیگری موکول میشود . و نتیجه

سعادتی نارهم حاضر به رسیدگی در برابر ملت ایران نباشد ، بر طبق موازین شرع دادگاه غیابا" (به اتهام) رسیدگی خواهد کرد ." وسعاف آن دادگاه‌ضمن اعلامیه‌ای چنین گفت که : "...با آنکه آزادی نام وسام او (سعادتی) تاعش شده ، روشن نیست به چه علت از حضور در دادگاه و ترک اعتصاب غذا خود داری میکند ! عمیاوامدا" روشن نیست ؟ !

مفهوم آزادی نام وسام چیست ؟ !!

از نام من آزادی نام وسام دم میزند و کدام آزادی را میگوئید ؟ ! برادر ما پس از یک اسارت هشتادو چند روزه در یکی از سلولهای رژیم که تنها زندانیش هم اوست بدادگاه فراخوانده میشود . او در این مدت از ابتدایی ترین حقوق یک زندانی مثل ، مطالعه کتاب ونشریه ، حق ملاقات با اقوام درجه یک ، حق ورزش بیرنگ آنهم درحال اعتصاب غذا ، رفتار انسانی زندانبانان ، حق نامه نگاری با

خویشاوندان و بامراجع قانونی ذیصلاح ، حق رؤیت پرونده و کیفر خواست — دادستان ، حق ملاقات با وکیل ، وسایر حقوق ابتدایی دیگر محروم بوده است وچهل روز بود که اعتصاب غذا — کرده ..... درچنین شرایطی به دادگاه فراخوانده میشود . به این صورت که روز پنجشنبه ۵۸/۲/۲۱ از طرف دادسرای انقلاب اسلامی کیفرخواستی برایش فرستاده میشود که به قول خود سعادتی در نامه ای که برایش فرستادند ، این کیفر خواست — وضبحانه ترس کیفرخواستی بوده که میتوا بسته تنظیم شود . برادر ما برطبق همان شرایطی که برای تحقق یک داد رسی منصفانه از پیش اعلام شده بود از شرکت در این دادگاه خودداری میکند .

سازمان مجاهدین خلق" اعلام کرده بود که : ۱ — پرونده سعادتی باید به دادگستری احاله شود بدان علت که دادگاه انقلاب ازقبل پیشداوری کرده ، و اثبات محرمیت سعادتی را به اطلاع او رسانده است . ۲ — دادگاه علنی و با حضور هیئت منصفه و نمایندگان جمیع وسایل ارتباط جمعی باشد . ۳ — پخش رادیو تلویزیونی

بقیه در صفحه ۵

رهنمودهائی درمورد تفسیر و استنباط از قرآن

از سری گفتارهای حضرت آیت الله طالقانی

مقدمه:

مطالبی که میخوانید خلاصه ای از نقطه نظرهای مفسر کبیرقرآن حضرت آیت‌الله طالقانی درباره استفاده از اصول صحیح برداشت از آیات قرآن است که با استفاده از سخنرانیها وگفتارهای اخیرایشان تنظیم و تلخیص گردیده است . با برای آنکه نظرات ایشان را برای گسترش در این نشریه هرچه خلاصه تر نوشتیم و در عین حال تمامی محورها و مطالب اساسی گفتار را آورده ، باشیم این نوشته را به صورت مجموعه ای از چند رهنمود تنظیم نمودیم .

لازم به تذکر نیست که استفاده از این رهنمودها می تواند نقش مهمی در تکامل وغنای بینش قرآنی ما داشته باشد ، بخصوص

که علاوه بر احاطه واستادی در تفسیر قرآن خود سالیان طولانی در کوران عمل و پیکار خستگی ناپذیر قرار داشته است و همواره با اتحاد جوامع فعالانه مترقی و مردمی نسبت به امر تفسیر جامعه درمتن مبارزه وحرکت

بوده است . بدین لحاظ نظرات و تجارب ایشان بسی ارزشمند و پرمحتوا خواهد بود ، چراکه قرآن یک کتاب مکتبی و راهنمای عمل با درمتن مبارزه اجتماعی است ونیاز مبرمی حرکت درعمل وحرکت انقلابی است که پویائی وسرچشمه‌های خلاق آن آشکار می گردد .

حق درک وتطبیق ومطالعه در قرآن برای همه وجود دارد :

بقیه در صفحه ۱۱

کلاف سردرگم

درحاشیهٔ حوادث مریوان

آیا هرگز تلاش کرده اید یک کلاف پیچ درهم وپیچیده را از هم بگشائید؟ قبل از ما همین "تزیح" کلاف هرقدر تلاش کنید نمی‌خواهد رسید .

بواقع بدون دست یافتن به "تزیح" درکلاف سردرگم مشکل طبیعت هستا در متین خویشتار ما بهمه کوشش هستا نمیبوده خواهد بود و دیگری حتی پیچیده نوکردن مسئله بیخواهد داشت . براستی با این مشکل اساسی که حلقه‌های آن یکی پس از دیگری از مردای انقلاب ظاهر می شود و — رنجبری از مصائب را بدنبال می‌آورد چگونه میاید برخورد کرد . — پرسپرورسنج وگفته ، مروز زنده امروز پرسوان ، ودرمشهور — خشمیا " (غدای ساکره) مردا هم بلوچستان درفاجعه فروخواهد رفت ونازه ترین آن مریوان: ظاهرا دستای متشابه

آیا هرگز تلاش کرده اید یک کلاف پیچ درهم وپیچیده را از هم بگشائید؟ قبل از ما همین "تزیح" کلاف هرقدر تلاش کنید نمی‌خواهد رسید .

بواقع بدون دست یافتن به "تزیح" درکلاف سردرگم مشکل طبیعت هستا در متین خویشتار ما بهمه کوشش هستا نمیبوده خواهد بود و دیگری حتی پیچیده نوکردن مسئله بیخواهد داشت . براستی با این مشکل اساسی که حلقه‌های آن یکی پس از دیگری از مردای انقلاب ظاهر می شود و — رنجبری از مصائب را بدنبال می‌آورد چگونه میاید برخورد کرد . — پرسپرورسنج وگفته ، مروز زنده امروز پرسوان ، ودرمشهور — خشمیا " (غدای ساکره) مردا هم بلوچستان درفاجعه فروخواهد رفت ونازه ترین آن مریوان: ظاهرا دستای متشابه

آغاز فاجعه درسایه حلقه‌های این رنجبرانست ، راه پیمائی بعنوان اعتراض به اطهار نظرهای صدای وسمای جمهوری اسلامی ، حمله سپاه پاسداران بسته نظاهرات (پاسداران یک گروه) وسپاه حمله بنظاهرکنندگان به محل استقرار پاسداران (پاسداران گروه مقاتل) تحقیق درباره علل درگیری مسئله ای است جوئی که حتما" باید انجام گیرد و مقصرین مشخص شوند ولی همه بلا استثنا" وقتی با این داستان روبرو می شوند بلافاصله می‌گویند "جرقه‌ای در انبار باروت" .

آیا یک جرقه اگر در انبار مواد منفجره ایجاد نشود می تواند عامل انفجار عمیقی باشد . هرگز جرقه در انباری که اجزاء ترکیب ای قابل انفجار در آنجا بسیار

بقیه در صفحه ۲

طرح سندیکاها تهدیدی بر علیه حاکمیت روابط شورائی

چرا در برابر سندیکا، کارگران از شورای کارکنان دفاع می‌کنند

وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ سوره شورا آیه ۳۸)

(درکارهایشان بین خود شورامی‌کنند و از آنچه در اثر کارشان دست آورده‌اند وامارد نیاز است انفاق میکنند وبدیگران فاصله‌های طبقاتی را ازبین میبرند) .

حرکت انقلابی کارگران ماهمراه با دیگر اقشار خلق مانند نهالی نورسته ، میوه سخت دیکتاتوری را که مانع رشد آن بود شکست ، بدیهی است نهالی که ریشه در خون شهیدان دارد ، اکنون در پرتو شرایط بالنسبه دموکراتیک ، رشدی سریعتر خواهد داشت این ضرورت تاریخ است و هرگز بعنوان بانیوه‌های انحصارگرایانه و دیکتاتورمآبانه مانع رشد وشکوفائی آن شد زیرا نهالی که سنگ را شکافت میتواند ترمی کاهد بخشامه و ابلاغ رسمی را پاره پاره کند .

شوراها ثمره درخت آزادی خلق ایران است . آزادی روی این ثمره می‌استند شکوفه میزند و بارور میشود . علیرغم رزمهای ضد خلقی و ارتجاعی وابسته بامپریالیسم که از مشارکت مردم درکارها و واگذاری کار مردم به مردم وحشت دارند ، حکومت فعلی بایستی از ضرورت حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش و چاره‌سازی مشکلات به شکلی مردمی وار پائین به بالا استقبال هم بکند . علی‌الخصوص که کلمه مقدس اسلام را نیز بدک میکشد .

مسلما" هر نیروئی که بخواهد این راه خدا وخلق یعنی تشکیل شوراها را سد کند با دست خود راه رشد نیروهای زحمتکش را مسدود ساخت . چرا که خوشبختانه این خواست وحق مردم است که در اثر انقلاب برتد واگاهی رسیده‌اند ویس از اینکه توسط حضرت آیت‌الله طالقانی طرح گردید ، مورد قبول امام نیز قرار گرفته است . طبیعی است که ضامن اجرای آن دستهای پرتوان خلق قهرمان ایران است .

درانی میان شوراهای کارکنان در کارخانجات بعنوان اساسی‌ترین نهادهای شورائی اهمیت خاصی دارد . درراه تشکیل ، حفظ وگسترش آن ازهیچ کوششی نباید شی فروگذار کنیم . دولت نیز بایستی با به رسمیت شناختن شوراهای کارکنان ، اصرار نکردن در پیاده‌کردن اشکال صرفسروری نهادهای کارگری ، دراین خواست مردم و دستور امام سپاه لازم را بدهد .

"چرا در برابر سندیکاها ، کارگران از شوراهای کارکنان دفاع میکنند ؟"

بطور کلی سندیکاهای کارگری از دیدگاه شوراهائی که آن را نفی میکند ، دارای محتوائی متناسب با انقلاب خلق نامیست . آنان معتقدند که :

اولا" — سندیکاها سازمان کارگری‌ای است که میخواهد درچارچوبی خاص کارگران را به فعالیت صنفی محدودکرده ، وحرکت آنانرا فقط در حد افزایش دستمزد ، واعمال قدرت بر کارفرما ، برای کاستن از فشار محیط کار و مبارزه با تورم نگهدارد . در حالی که کارگر آگاه امروز ، شوراهای کارکنان را تنها بلحاظ فعالیت صنفی محض نمیگرد . بلکه شورا را چون یک ارگان سیاسی — صنفی نگاه میکند ، که میخواهد در جهت بالا بردن آگاهی سیاسی — ایدئولوژیک کارگران گام بردارد . ونقش آگاهانه آنانرا درحرکت اجتماعی — طبقاتی خود افزایش دهد .

مشارکت کارگران را در اداره امور کارخانه تامین کند . کارگران میدانند که سرمایه‌داران بزرگ برای جلوگیری از رشد جریانهای کارگری ، دست بهر اقدامی میزنند .

گاهی در تهیه مواد اولیه اختلال میکنند ، وکارخانه‌را از تولید بازمیدارند . گاهی رسما" از بازشدن کارخانه‌ها جلوگیری بعمل میآورند . گاهی در جریان تولید موانعی بوجود میاورند و زمانی درتوزیع دست به گرانفروشی میزنند . درهرصورت شاهدند که چگونه سرمایه‌داری وابسته در جهت حفظ منافع خود برتد تولید ضربه میزند . و چگونه میگوئند که درنهایت کناره همه توطئه‌های خود را بدوش کارگران و کارمندان صنایع بیندازد . باین لحاظ در شوراهای کارگران در صنایع میکوشد که در مدیریت کارخانه‌ها با نمایندگان دولت با کارفرما همکاری فعال داشته باشد . درتهیه مواد اولیه و در تولید وتوزیع ناظر باشد . در جریان کارخانه سهیم بوده وفعالانه شرکت کند .

بقیه در صفحه ۳

شهر رمضان

تطبیق با آینده‌ای متعالی

اوزش و محتوای هرمکتب ارزرگ داشت شکل‌وهرم معنی آن جدائی‌ناپذیر است .

تقوا ، مقاومت در برابر کشتهای خودبخودی و ضد کاملا‌ایست .

"شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ" (۱۸۵ بقره)

(ماه رمضان ماهی است که در آن فروفرستاده شده است قرآن ، رهنمودی برای مردم ، و روشنگر و بیان‌کننده ... ماهیگی و هدایت و تمیز (حق وباطل) ....

درآستانه ماه رمضان بی مناسبت نیست که نظری هرچند کوتاه ومختصر به فلسفه این سنت خدشناپذیر توحیدی بیندازیم . و باماهی که درپیش‌روی‌ماست آگاهانه برخورد کنیم .

چنانکه بسیارهم رواج داشته‌است از دیدگاه‌های مختلفی میتوان شعائرگوناگون اسلام را تحت بررسی قرارداد . مثلا" می‌توان از دیدگاه ریاضت کشانه و بالریاضت عینک صرفا" طبی و بهداشتی وبالاموضع مرفه‌جویانه اقتصادی ، مساله را مورد مطالعه قرار دادو فوائد متعددی برای آن بر شمرد . لیکن آنچه دراین سلسله استدلالها بی جواب میماند آن فلسفه توحیدی و اصلاحیست که تنها درآن‌قالب روزه طارح ازهرگونه‌سنگ‌نظری‌پرداخت‌کشانه‌و با امرصرفا" طبی بطور مکتبی‌موجه‌وضروری میشود . واین همان مطلبی‌است که ناچاری بر توضیح آن داریم بقیه در صفحه ۱۱

هفته نامه مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
شماره اول
تاریخ یکم مرداد ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال
آدرس -
تهران - خیابان مصدق -
جنبش ملی مجاهدین

فاطمه امینی

چگونه در زیر شکنجه به شهادت رسید؟

شرح مختصری درباره شکنجه های فجیع ووحشیانه ساواک وپایداری قهرمانانه یک زن مجاهد .

ارادهای که تسلیم‌ناپذیراست .

اواسط اسفند ۵۳ بود که روزنامه‌های رژیم طی اعلام کردند " چندزن جوانی بنام فاطمه‌امینی در ارتفاعات توچال پیدا شد . ظاهرا" وی در یک سانحه در کوهستان از ارتفاع سقوط کرده ودچار مرگ شده است ... "

با توجه به اوجگیری جنبش انقلابی مسلحانه ورشد آگاهی سیاسی و هشیاری مردم در آن سالها از یکطرف وشدت‌بی‌سابقه عملیات وترکیب پلیسی از طرف دیگر ، این ناشیانه‌ترین حیله وساوک‌نگرانی‌ترین دروغی بود که مزدوران ساواک برای پوشاندن جنایات خود ، بدان روی‌آورده بودند . بخصوص که فاطمه از چندماه‌قبل مخفی شده بود واین‌اهمیت‌مبارزین‌میدانستند ساواک قصد داشت با درج این خبر در

روزنامه‌ها جسورانش را غافلگیر کند و رد پائی از مجاهدین و مخفی‌گاههای آنان بدست آورد . درعین‌حال با اعلام خبر شهادت فاطمه دستش در شکنجه وی‌بازتر میشد و میتوانست شدیدترین وبی‌رحمانه‌ترین شکنجه‌هارا بر وی اعمال نماید . و سرانجام نیز او را در زیر شکنجه به قتل برساند و بالاخره همین کار را نیز کرد . فاطمه پنج‌ماه‌ونیم‌تمام در زیر بیسابقه — ترین ودد منشانه ترین شکنجه های دژ خیمان و اعضا" فساسی شد . آنقدر او را شلاق زدند و آنقدر بدنش را با شنل برقی سوزاندند که دیگر جای سالمی بر روی جثه نحیفش باقی نماند و سرانجام هم فلج شد . فاطمه در تمام این مدت با در شکنجه‌گاه اوین بود

بقیه در صفحه ۸